

در این شماره می‌خوانید:

یادداشت ویژه: از آیلین تا کلثوم: جرم‌شناسی قاتلان سریالی مؤنث  
دکتر مهدی صبوری‌پور، عضو هیأت علمی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

▪ قتل‌های  
ناموسی  
و علل و عوامل  
مؤثر بر آن

زهرا چراغی، دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی

▪ به من اعتماد کن؛ من یک پرستارم!  
سرگذشت لوسی لتبی، فرشته مرگ

الهه کرمی، دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی



# دادستان

صاحب امتیاز: انجمن علمی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

مدیر مسئول: عرفان ولی پور

سردبیر: علی وفائی خسروشاهی

گروه ویراستاری: ستاره آیتی، فاطمه پایداری، علیرضا سلمانی، سیدمصطفی طاهری، یاسمن فتحی

ویراستاران علمی: عرفان ولی پور، علی وفائی خسروشاهی

نویسندگان: بیتا سادات ادیب، زهرا چراغی، فاطمه صفری منصور، لیلا علمی، الهه کرمی

هیأت تحریریه: عرفان ولی پور، علی وفائی خسروشاهی، محمدرضا کدخدائی الیادرائی، سیدمصطفی طاهری

گروه گرافیک و تصویرسازی: علی وفائی خسروشاهی، محمدرضا کدخدائی الیادرائی

[در تصویرسازی برای این نشریه، به طور عمد از هوش مصنوعی استفاده شده است.]

صفحه آرا: محمدجواد محسنی

طرح روی جلد: علی وفائی خسروشاهی

طراح لوگو: احمد محمدی شربانی

امور رسانه: امیرمهدی ایرانخواه اصل

با تشکر از دکتر مهدی صیوری پور، عضو هیأت علمی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

ایمیل: Dadestanjournal@gmail.com

کانال تلگرام: @Dadestanjournal

اینستاگرام: Dadestanjournal

# تجدید

۳

## مطالعه زندان در پرتو یک رویکرد اقتصادی

علی وفائی خسروشاهی

۲۵

## از آیلین تا کلثوم: جرم‌شناسی قاتلان سریالی مؤنث

دکتر مهدی صبوری‌پور

۳۲

## قتل‌های ناموسی و علل و عوامل مؤثر بر آن

زهرا چراغی

۴۹

## «به من اعتماد کن؛ من یک پرستارم!» سرگذشت لوسی لیتی، فرشته مرگ الهه کرمی

۶۱

## بررسی وضعیت حقوقی دستور عدم احیاء (DNR) در چارچوب نظام حقوقی ایران فاطمه صفری منصور

۷۲

## پیامدهای اجرای علنی مجازات‌ها در جامعه ایران پس از انقلاب اسلامی بیتا سادات ادیب

۸۷

## قاتلین سریالی از منظر روانشناسی جنایی لیلا علمی



# مطالعه زندان در پرتو یک رویکرد اقتصادی

علی وفائی خسروشاهی

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق اقتصادی دانشگاه شهید بهشتی

vafayi.khosrowshahi.ali@gmail.com



مجازات زندان یکی از باستانی‌ترین مجازات‌هایی است که بشر برای هم‌نوعان خطاکار خود در جامعه در نظر گرفته و تحلیل اقتصادی یکی از مدرن‌ترین حوزه‌های مطالعات میان‌رشته‌ای است که حقوق و اقتصاد را به هم پیوند می‌زند. برخورد آن نهاد کهن‌سال با این علم جوان و جویای نام، رویداد علمی‌ای است که می‌تواند جذابیت خاص خودش را داشته باشد. در این مختصر سعی کرده‌ام با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و برخی گزارش‌ها از وضعیت زندان‌ها و زندانیان، به زبان اقتصاد و آمار، هزینه‌ها و فایده‌های زندان را کنار هم قرار دهم و خود این مجازات قدیمی را که امروز لباسی نو بر تن پوشیده است به عرصه قضاوت بکشانم.

**کلیدواژه‌ها:** تحلیل اقتصادی حقوق، تحلیل اقتصادی حقوق کیفری، مجازات زندان، شدت مجازات، قطعیت مجازات، اهداف مجازات، کارآمدی

**پیش‌گفتار**

## ۱- تحلیل اقتصادی حقوق

تحلیل اقتصادی حقوق<sup>۱</sup> شاخه‌ای نسبتاً جدید در مطالعات میان‌رشته‌ای است که حقوق و اقتصاد را به یکدیگر پیوند می‌زند. تحلیل اقتصادی حقوق در پی پاسخ به دو پرسش اساسی است: نخست، تأثیرات قواعد حقوقی بر رفتار بازیگران مربوطه چیست؟ و دوم، آیا این تأثیرات از منظر اجتماعی مطلوب هستند؟<sup>۲</sup> بدین ترتیب، تحلیل اقتصادی حقوق با یک پرسش توصیفی و یک پرسش هنجاری کار خود را پیش می‌برد. در واقع، حرکت تحلیل اقتصادی حقوق، حوزه‌ی عمل علم اقتصاد را از محدوده مسائل اقتصادی کلاسیک و انتخاب‌های بازاری فراتر می‌برد و تحلیل

1. economic analysis of law

2. Kaplow, Louis; Shavell, Steven; (1999), "Economic Analysis of Law"; *Harvard Law School and National Bureau of Economic Research*; [http://www.law.harvard.edu/faculty/shavell/pdf/99\\_Economic\\_analysis\\_of\\_law.pdf](http://www.law.harvard.edu/faculty/shavell/pdf/99_Economic_analysis_of_law.pdf), p 1



انتخاب‌های غیربازاری<sup>۳</sup>  
را نیز - که عالم حقوق نیز  
یکی از این‌هاست - در دستور کار  
خود قرار می‌دهد. خود این حرکت،  
براساس رویکرد جدید به علم اقتصاد و  
بازتعریف آن شکل گرفته است. رهیافت  
جدیدی که اقتصاد را «علم مطالعه انتخاب‌های  
انسان عقلانی» می‌داند. بر این اساس، اقتصاد  
همانند جعبه‌ابزاری خواهد بود که تحلیل مبتنی  
بر آن قابلیت اعمال بر هر حوزه‌ای از زندگی را  
- که طبعاً انتخابی در آن وجود دارد - خواهد  
داشت.<sup>۴</sup>

در یک جمع‌بندی، تحلیل اقتصادی حقوق  
به معنای اعمال متدولوژی اقتصاد نسبت به  
قواعد و نهادهای حقوقی است. این اصطلاح  
بیشتر با نوشته‌های ریچارد پازنر<sup>۵</sup> (۱۹۳۹-...) شکل  
گرفته است.<sup>۶</sup>

### 3. non-market choices

4. Medema, Steven G. (2011); chapter six of *Building Chicago Economics New Perspectives on the History of America's Most Powerful Economics Program* (Chicago Price Theory and Chicago Law and Economics; a Tale of Two Transitions), Cambridge University Press, p. 171

پازنر نیز اقتصاد را «علم مطالعه انتخاب‌های انسان در جهانی که منابع در برابر خواست‌های انسان محدود هستند» تعریف کرده بود و این آگاهی را به مخاطب داده بود که این دانش «تأثیرات این فرض را که انسان موجودی است که به‌طور عقلانی اهداف و مطلوبیت‌های خود را در زندگی پیشینه می‌کند (که چه‌بسا بتوانیم روی هم‌رفته آنها را منفعت شخصی بنامیم) مطالعه و کاوش می‌کند». - به نقل از همان، ص. ۱۶۸

5. Richard Posner (1939-...),

قاضی پیشکسوت آمریکایی، از رهبران و چهره‌های مطرح مکتب اقتصادی شیکاگو و نویسنده کتاب مشهور «تحلیل اقتصادی حقوق» به نوعی ادامه‌دهنده راه قاضی اولیور ونیل هولمز، نویسنده مقاله تحسین‌شده «راه حقوق»، بود و واقع‌گرایی در حقوق را (در برابر فرمالیسم حقوقی) در چرخه قضاوت در سیستم قضایی کامن‌لای آمریکای تثبیت نمود.

۶. طوسی، عباس؛ (۱۳۹۳)، *تحلیل اقتصادی حقوق شرکت‌ها*؛ تهران: شهر دانش، ص ۲۲

## ۲- تحلیل اقتصادی حقوق کیفری

از آنجا که حقوق مدرن از حیث مطالعات نظری در مقاسم مختلف به شاخه‌های گوناگونی تقسیم شده است، بدیهی است که تحلیل اقتصادی هر شاخه نیز مطالعه‌ای جداگانه بطلبد. از آنجا که موضوع مورد بحث ما در حوزه حقوق کیفری می‌گنجد، باید تحلیل اقتصادی حقوق کیفری را پی گرفت. برخی از این شاخه تحت عنوان «اقتصاد جرم»<sup>۷</sup> نیز نام برده‌اند که عنوانی است که بیشتر رنگ و بوی صرف اقتصادی می‌دهد تا مطالعات میان‌رشته‌ای حقوق و اقتصاد. با این حال، غرض نظر از این عنوان، تمام مکاتب مربوطه کمابیش در پی ایجاد نوعی ارتباط میان تحلیل‌های علم اقتصاد و موضوعات حقوقی هستند.<sup>۸</sup>

رویکرد جدیدتر به تحلیل اقتصادی جرم و مجازات، برآمده از مقاله مشهور و پیراجاع گری بکر<sup>۹</sup>، اقتصاددان مطرح و از رهبران مکتب شیکاگو (۱۹۳۰-۲۰۱۴) برنده جایزه نوبل اقتصاد در ۱۹۹۲ و هم‌دوره‌ی پازنر، با عنوان

«جرم و مجازات؛ یک رهیافت اقتصادی»<sup>۱۰</sup>، انتشار یافته در سال ۱۹۶۸، است. رویکردی که مبتنی بر مدل *انسان اقتصادی*<sup>۱۱</sup> در نگاه بکر بود و نگاهی تازه به تعریف علم اقتصاد و به تبع آن رابطه آن با حقوق و دیگر رشته‌های علوم انسانی داشت. بکر در مقاله یادشده، این را طرح می‌کند که مجرمین نیز در اصل، افرادی هستند که همانند هر شخص دیگری، به‌طور منطقی و عقلانی، در پی بیشینه کردن مطلوبیت<sup>۱۲</sup> خوداند، اما مجموع محدودیت‌ها و فرصت‌های مربوطه که با آنها روبه‌رو می‌شوند سبب می‌شود خروجی‌های بیشینه‌ی آنها مستلزم درگیر شدن با فعالیت‌های مجرمانه گردد.<sup>۱۳</sup>

رهیافت یادشده، به گفته خود بکر، کاملاً جدید نیست و پیشتر در آثار بکاریا<sup>۱۴</sup> و بنتام<sup>۱۵</sup> می‌شد رد پای آن را دید، اما برای قرن‌ها به فراموشی سپرده شده و اکنون بکر تلاش کرده است آن را احیا و مدرن‌سازی کند و مطالعات اولیه در این حوزه را رو به توسعه دهد.<sup>۱۶</sup>

7. the economics of crime

۸. کما اینکه فارغ از تاریخ تطور دو اصطلاح «حقوق و اقتصاد» و «تحلیل اقتصادی حقوق» نیز، امروزه، این دو عنوان به‌جز در منابعی که دقت و حساسیت بالایی در انتخاب عناوین خود به خرج می‌دهند، عموماً در متون علمی مرتبط در یک معنا و معادل یک‌دیگر، با همان معنای یادشده برای تحلیل اقتصادی حقوق، به کار می‌روند.

9. Gary Becker

10. Crime and Punishment: An Economic Approach

11. *homo economicus*

انسان اقتصادی یا انسان عقلانی مفهومی است که اشاره به وجود پایه عقلانی در تصمیم‌گیری انسان دارد. به عبارت دیگر، این مفهوم بر این ایده مبتنی است که انسان در تمام تصمیم‌گیری‌های خود براساس عقلانیت و منطق عمل می‌کند و نیز همواره منافع خود را به‌طور عقلانی در نظر می‌گیرد. انسان اقتصادی در تصمیم‌گیری‌هایش، بیشینه کردن رفاه خود را مد نظر دارد و در پی کسب بیشترین مطلوبیت (utility) است.

12. utility

13. Medema, Steven G. (2011); Chapter Six of *Building Chicago Economics New Perspectives on the History of America's Most Powerful Economics Program* (Chicago Price Theory and Chicago Law and Economics; a Tale of Two Transitions), Cambridge University Press, p. 167

14. Cesare Beccaria

15. Jeremy Bentham

16. Becker, G.S. (1968); "Crime and Punishment: An Economic Approach. In: Fielding" a chapter from *The Economic Dimensions of Crime*, London: Palgrave Macmillan, N.G., Clarke, A., Witt, R. (eds), *The Economic Dimensions of Crime*, Palgrave Macmillan: London. [https://doi.org/10.1007/978-1-349-62853-7\\_2](https://doi.org/10.1007/978-1-349-62853-7_2), p. 51

در درک تفاوت این نگاه جدید بازطرح شده از سوی بکر با مطالعات اقتصادی جرم پیشین، باید به این نکته اشاره کرد که رویکردهای قدیمی تر در پی تخمین هزینه جرم بر جامعه -یا همان اثر اقتصادی جرم- ای بسا در رژیم های حقوقی جایگزین بودند. اما بکر، تحلیل را به سویی کاملاً متفاوت سوق داد؛ یعنی مسیری که در آن مدل رفتاری کنشگران اقتصادی<sup>۱۷</sup> در واکنش به قواعد حقوقی ترسیم می شد. موضوع، در اینجا، خود مجرم و انتخاب بیشینه گرای او بود تا هزینه جرم بر جامعه. و حوزه پژوهش نیز بیشتر نظام حقوقی را در بر می گرفت و نه نظام اقتصادی<sup>۱۸</sup>.

به عبارت ساده تر، بکر مجرمین را کنشگران منطقی ای در نظر گرفت که با دانستن اینکه منفعتی از ارتکاب یک جرم خاص به دست خواهند آورد و در مقابل هزینه ای را -که بخش عمده ای آن مربوط به مجازات قانونی تعیین شده است- خواهند پرداخت، دست به یک انتخاب مبتنی بر هزینه-فایده<sup>۱۹</sup> می زنند و تصمیم می گیرند که جرم را مرتکب شوند یا از ارتکاب جرم خودداری کنند. در اینجا، اینکه مجرم به سوی ارتکاب جرم قدم بردارد یا خیر، به طور عمده مرتبط است با اینکه آیا مجازات مربوطه هزینه های مورد انتظار<sup>۲۰</sup>

را به میزانی بر او متحمل می کند که مجموع منافع حاصل از ارتکاب جرم را برای او مساوی صفر یا منفی کند یا خیر؟ نکته مهمی که در رویکرد اقتصادی وجود دارد، آن است که نباید در محاسبات ریاضی صرفی که در اینجا انجام می شود، فریب نکته گیری های اخلاقی را خورد و از آنجا که منافعی که مجرم از ارتکاب فعل مجرمانه می تواند کسب کند، به روشی اخلاقی به دست نمی آید، آنها را در محاسبه در نظر نگرفت. به دیگر سخن، هر مجرم منطقی که دست به ارتکاب جرم می زند، منافعی را از ارتکاب آن کسب می کند که باید در محاسبات هزینه-فایده نهایی برای بررسی کارآمدی<sup>۲۱</sup> مجازات مربوطه لحاظ شود، والا اتقان محاسبات مربوطه به مشکل می خورد. پذیرش این امر را ما را به سمت مفهوم جرم کارآمد یا بهینه<sup>۲۲</sup> رهنمون می سازد. منظور از جرم کارآمد جرمی است که هزینه های مجازات آن در مجموع برای جامعه بالاتر از هزینه های حاصل از ارتکاب خود جرم است و یا منافع حاصل از آن جرم (طبیعتاً برای مجرم) بیشتر از منافع ناشی از مجازات مجرم است، فلذا معقول نیست که جامعه هزینه ای برای مقابله با آن جرم انجام دهد.<sup>۲۳</sup>

ممکن است این مسأله در نگاه نخست عجیب و غیرقابل پذیرش به نظر برسد؛ اما

17. economic agents

18. ibid, p. 167

19. cost-benefit

20. expected

21. efficiency

22. efficient crime

۲۳. این ایده که در مکتب اقتصادی امروز مطالعه می شود، ریشه در مفهوم «شادکامی اکثریت» یا «مجموع شادکامی» در جامعه دارد که مبنای اندیشه های بنتام و دیگر فیلسوفان مکتب فلسفی فایده گرایی است و اندیشه اقتصادی امروز در تحلیل، منفعت اکثریت را با این معیار در نظر می گیرد. برای مطالعه بیشتر در این زمینه نک: ملکان، تیم، ترجمه: خداپناه، بهنام (۱۳۹۹): **درآمدی به فهم فایده گرایی**، قم: طه،



یک منطق ساده در پشت آن وجود دارد که در نهایت منفعت خود جامعه را به عنوان قربانی جرم در نظر دارد: اگر منفعت یک جرم از هزینه آن بیشتر باشد نفع جامعه در این است که مانع از ارتکاب آن جرم نشود.<sup>۲۴</sup> بدین ترتیب، اقتصاددانان زمانی که می‌خواهند مجازات مورد انتظار مطلوب برای یک جرم خاص را تعیین کنند، نوعاً این موارد را در نظر می‌گیرند: هزینه‌ای که رفتار مجرمانه بر جامعه تحمیل می‌کند، منفعتی که از ارتکاب جرم نصیب مجرم می‌شود و هزینه منابع مورد استفاده برای برقراری مجازات مورد انتظار. ارتباط بین هر یک از این سه مورد و مجازات مورد انتظار مطلوب، ساده است. مجازات مورد انتظار مطلوب برای یک جرم خاص، هرچه هزینه جرم بیشتر، منافع آن کمتر و هزینه منابع مورد استفاده برای برقراری مجازات مورد انتظار کمتر باشد، باید بیشتر باشد. به زبان ساده، مجازات مورد انتظار باید با در نظر گرفتن هزینه‌ها و منافع بازدارندگی از جرم تعیین شود.<sup>۲۵</sup>

۲۴. وینتر، هارولد؛ ترجمه: بهره‌مند، حمید (۱۳۹۴)، *اقتصاد جرم*، تهران: دادگستر، صص. ۲۴-۲۳

۲۵. همان، ص. ۳۸

### ۳- تحلیل اقتصادی مجازات زندان

بر این اساس، ما نیز در بررسی خود در این پژوهش، که تحلیل مجازات زندان<sup>۲۶</sup> را آماج خود قرار داده است، رویکرد اخیر را مد نظر قرار خواهیم داد و با مفروض در نظر گرفتن اینکه مجرم موجودی عقلانی است و به مجازات واکنش منطقی نشان می‌دهد، مجازات زندان را از منظر تأثیر بر مجرم تحلیل و بررسی خواهیم نمود. بدیهی است که در این راه، تنها به این بعد اکتفا ننموده و منافع و مضرات اقتصادی زندان را نیز به‌طور کلی از حیث هزینه‌های وارده بر جامعه بررسی کرده و برآورد نهایی آن را تقریب خواهیم زد. البته آنچه که در این پژوهش می‌آید، مطالعه‌ی اجمالی مجازات زندان و آثار احتمالی آن با تکیه بر برخی پژوهش‌های تجربی انجام‌یافته در کشورهای اروپایی و آمریکایی است و مطالعه‌ی خاص و موردی همین مسائل به‌صورت تجربی در ایران، نیازمند یک پژوهش گسترده‌تر با انجام مطالعات میدانی خواهد بود. اگرچه در گوشه‌ای از این پژوهش به یکی از منابع راجع به تحقیقات صورت‌پذیرفته به‌صورت میدانی در زندان‌های ایران نیز پرداخته خواهد شد.

### یکم: زندان؛ تعریف و کارکردها

#### ۱- تعریف زندان

زندان محل اجرای یکی از مجازات‌های قانونی تعیین‌شده تحت عنوان حبس یا مجازات سالب آزادی است.

«مفهوم حبس با هر شکل و عنوانی که اجرا شده یا نامیده شود عبارت از سلب آزادی است ... علی‌رغم وجود ارتباطاتی بین زندانی و دنیای خارج وی، ... همانند ... ملاقات، حتی در قالب ملاقات خصوصی، ... در مقایسه با سایر انواع محدودیت‌های قانونی برای تصرفات آزادانه افراد در امور خود به آن «سالب آزادی» یعنی سلب مطلق آزادی گفته می‌شود.<sup>۲۷</sup>

زندان یا اندامگاه در زبان فارسی اسم محلی است که محکومین به مجازات سالب آزادی در آن نگهداری می‌شوند و مسامحتاً به محل نگهداری هر دو دسته محکومین و متهمین هم گفته می‌شود.<sup>۲۸</sup>

زندان در تعاریف قانونی انواع متفاوتی همچون بازداشتگاه (عمومی، امنیتی، موقت و...)، زندان محکومین، کانون اصلاح و تربیت و... دارد که به دلیل آنکه این تعاریف در حوصله این پژوهش نیست از تعریف آنها خودداری می‌کنیم.<sup>۲۹</sup>

اهمیت کیفر زندان و فراوانی آن در تاریخ حقوق کیفری چنان بوده است که تا دهه هفتاد میلادی، علم کیفرشناسی را «علم زندان‌ها» می‌خواندند و تمام مطالعات کیفرشناختی حول این مجازات می‌گردید.<sup>۳۰</sup>

#### ۲- کارکردهای زندان از حیث اهداف مجازات

به‌طور کلی در حقوق کیفری، برای مجازات چهار هدف در نظر گرفته می‌شود که این اهداف عبارتند از: سزادهی<sup>۳۱</sup>، بازدارندگی<sup>۳۲</sup>،

26. prison sentence

۲۷. صفاری، علی (۱۳۹۷): کیفرشناسی (تحولات، مبانی و اجرای کیفر سالب آزادی)، تهران: جنگل، ص. ۱۲۴

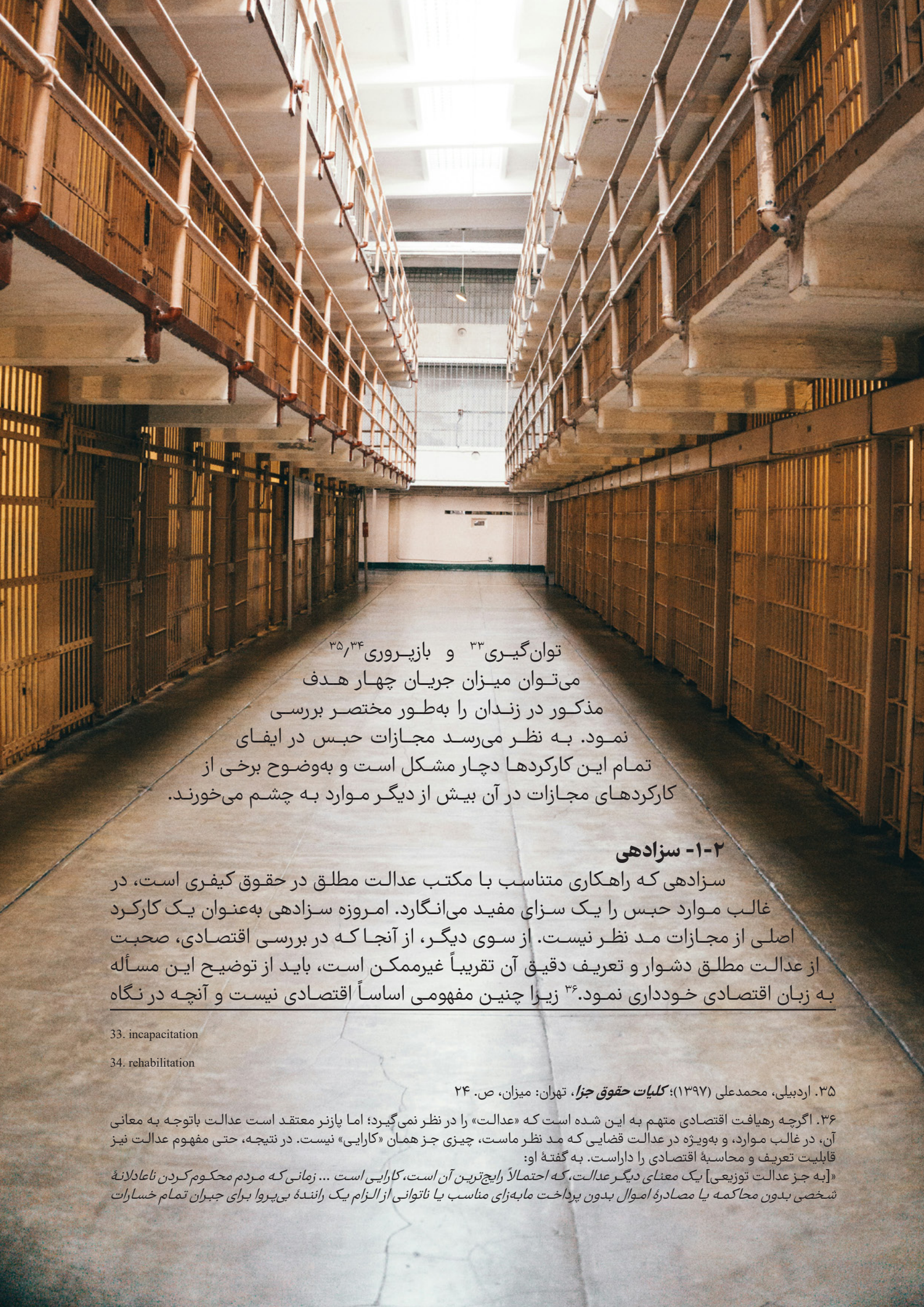
۲۸. همان، ص. ۱۲۰

۲۹. برای مطالعه بیشتر در این زمینه نک: پیشین، صص. ۱۳۰-۱۶۵

۳۰. همان، ص. ۲۰

31. retribution

32. deterrence



توان‌گیری<sup>۳۳</sup> و بازپروری<sup>۳۵/۳۴</sup>  
می‌توان میزان جریان چهار هدف  
مذکور در زندان را به‌طور مختصر بررسی  
نمود. به نظر می‌رسد مجازات حبس در ایفای  
تمام این کارکردها دچار مشکل است و به‌وضوح برخی از  
کارکردهای مجازات در آن بیش از دیگر موارد به چشم می‌خورند.

## ۲-۱- سزادهی

سزادهی که راهکاری متناسب با مکتب عدالت مطلق در حقوق کیفری است، در غالب موارد حبس را یک سزای مفید می‌انگارد. امروزه سزادهی به‌عنوان یک کارکرد اصلی از مجازات مد نظر نیست. از سوی دیگر، از آنجا که در بررسی اقتصادی، صحبت از عدالت مطلق دشوار و تعریف دقیق آن تقریباً غیرممکن است، باید از توضیح این مسأله به زبان اقتصادی خودداری نمود.<sup>۳۶</sup> زیرا چنین مفهومی اساساً اقتصادی نیست و آنچه در نگاه

33. incapacitation

34. rehabilitation

۳۵. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۷)؛ *کلیات حقوق جزا*، تهران: میزان، ص. ۲۴

۳۶. اگرچه رهیافت اقتصادی متهم به این شده است که «عدالت» را در نظر نمی‌گیرد؛ اما پازنر معتقد است عدالت باتوجه به معانی آن، در غالب موارد، و به‌ویژه در عدالت قضایی که مد نظر ماست، چیزی جز همان «کارایی» نیست. در نتیجه، حتی مفهوم عدالت نیز قابلیت تعریف و محاسبه اقتصادی را داراست. به گفته او:

«[به جز عدالت توزیعی] یک معنای دیگر عدالت، که احتمالاً رایج‌ترین آن است، کارایی است ... زمانی که مردم محکوم کردن ناعادلانه شخصی بدون محاکمه یا مصادره اموال بدون پرداخت مابه‌زای مناسب یا ناتوانی از الزام یک راننده بی‌پروا برای جبران تمام خسارات



اقتصادی مد نظر است، همان محاسبه هزینه-فایده مجرم برای ارتکاب جرم است و سزای مناسب را نیز میتوان مقداری در نظر گرفت که او را از ارتکاب جرم باز دارد و این محاسبه نیز سنخیتی با سزادهی در مکتب عدالت مطلق ندارد.

## ۲-۲- بازپروری

رهیافت بازپروری، بزهکاران را نیازمند فرض می‌کند و بر آن است که این نیاز آنان را به شیوه‌های گوناگون برآورده سازد.<sup>۳۷</sup> باید گفت، بازپروری که یکی از اهداف اصلی مجازات‌هاست، الزاماً با مجازات زندان به دست نمی‌آید، مگر اینکه شیوه‌های خاص مدیریتی که طبعاً مستلزم هزینه‌های بالایی هستند امکانات خاصی را برای زندانیان فراهم آورد. زیرا بازپروری دربردارنده مراقبت‌ها و یا آموزش‌های ویژه است تا مجرمین آماده بازگشت به جامعه و بازاجتماعی شدن شوند و این امر تنها با نگه داشتن آنان در سلول‌های انفرادی یا جمعی برای مدتی محدود به

وارده/ش به قربانی بی‌پروایی خود را شرح می‌دهند، این موارد به معنای چیزی فراتر از رفتاری نیست که منابع را هدر می‌دهد ... و با کمی مذاقه می‌بینیم جای تعجبی نخواهد بود که درون جهانی از منابع کمیاب، هدر دادن باید یک عمل غیراخلاقی تلقی شود.»

Posner, Richard A. (1986), *Economic Analysis of Law*, Little Brown and Company, 3<sup>rd</sup> ed, p. 25

۳۷. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۷)؛ *کلیات حقوق جزا*، تهران: میزان، ص. ۱۶۳

دست نمی‌آید<sup>۳۸</sup> و ای بسا این روش‌ها، خود، بیشتر به روند بازاجتماعی شدن ایشان آسیب برساند. کما اینکه گزارش‌های متعدد تأیید می‌کنند که یکی از مشکلات اساسی زندانیان پس از اتمام دوره محکومیت پذیرش دوباره در جامعه است.<sup>۳۹</sup> این خود، بالقوه یکی از هزینه‌هایی است که مجازات حبس به جامعه وارد می‌سازد: گرفتن سرمایه‌هایی از جامعه که می‌توانستند در تولید اضافه‌فراهِ اجتماعی<sup>۴۰</sup> مشارکت نمایند، اما به دلیل ارتکاب یک جرم، برای همیشه یا حداقل مدتی طولانی، از درآمدی که می‌توانستند برای جامعه داشته باشند صرف نظر شده است. این درحالی است که همین افراد، اگرچه دچار بزهکاری شده‌اند، اما مراحل مختلف رشد و تربیت آنها با هزینه‌های متعدد برای جامعه همراه بوده است.

«البته این فرض پذیرفته است که همه بزهکاران به بازپروری نیاز نداشته باشند، یا

## ۲-۳- توان‌گیری (ناتوان‌سازی)

توان‌گیری و بازدارندگی اهدافی از مجازات‌ها هستند که پیش‌تر نیز به‌طور صریح مورد تأکید بکارها در تحلیل‌های خود از حقوق کیفری قرار گرفته بودند. چنانچه او در بیان هدف از مجازات ذکر می‌کند که مجازات هیچ چیز را نمی‌تواند به عقب برگرداند و باعث جبران آنچه از دست رفته شود (در پاسخ به طرفداران مکتب عدالت مطلق که هزینه‌های

۳۸. پژوهش زیر که در زندان‌های تهران انجام پذیرفته است، نتیجه‌گیری می‌کند برنامه‌های حرفه‌آموزی و اشتغال زندانیان در مدت حبس می‌تواند در فرایند پذیرش اجتماعی بعدی آنان تأثیر مثبتی داشته باشد و پیشنهاد می‌کند «برای اثربخشی برنامه‌های باز اجتماعی شدن در زندان‌ها، پرداخت حقوق به زندانیان شاغل در کارگاه‌های اشتغال باید بر اساس قانون پرداخت دستمزد (مطابق قانون کار و پرداخت حق بیمه تأمین اجتماعی) رعایت گردد».

راهرو خواجه، احمد؛ نوروزی، فیض‌اله؛ مشیراستخاره، زهراسادات (۱۳۹۹): تحلیل جامعه‌شناختی روایت‌های باز اجتماعی شدن: (مطالعه موردی زندانیان شاغل در واحدهای حرفه‌آموزی و اشتغال زندان‌های تهران)، انتظام اجتماعی، ش. ۴، صص ۸۳-۱۱۲

۳۹. برای مثال، مطالعه زیر در چند کیس متفاوت، نشان می‌دهد که زندان آثار سوئی بر سلامت روان زندانیان داشته است و نتیجتاً روند بازاجتماعی شدن ایشان را مختل کرده یا در بهترین حالت تأثیر مثبتی روی آن ندارد. این گزارش که به مطالعه زندان‌ها در کشور پرتغال پرداخته، در بخشی از مقدمه خود این‌طور بیان می‌کند:

«کیفر زندان گونه خاصی از کیفر است که هدف آن بازاجتماعی ساختن و برگرداندن افراد به جامعه است. اما تحقیقات نشان می‌دهند که احکام زندان تأثیر صفر یا [حتی] جرم‌زایی بر تکرار جرم و اثری حیاتی بر سلامت روانی زندانیان دارد، به این معنا که به‌طور منفی‌ای با بازگشت موفق آنان به درون جامعه و تکرار جرم تلاقی دارد...».

Cunha, O., Castro Rodrigues, A., Caridade, S. et al. (2023), The impact of imprisonment on individuals' mental health and society reintegration: study protocol. BMC Psychol 11, 215

## ۴۰. Social Surplus

مقصود از اضافه‌فراهِ اجتماعی حاصل جمع منفعت اکتسابی خریداران و فروشندگان در بازار است. هر آنچه که یکی از طرفین عرضه و تقاضا را محدود سازد، مجموع اضافه‌فراهِ اجتماعی را با کاهش مواجه می‌سازد و این به آن معناست که بازار از حالت بهینه خود فاصله می‌گیرد.

۴۱. همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، تحلیل اقتصادی حقوق در بر دارنده دو بخش توصیفی و هنجاری است و ممکن است رویکردهای هنجاری مختلف، به محاسبات مختلف هزینه-فایده بینجامند و این نه مشکل تحلیل اقتصادی، بلکه ناشی از پیچیدگی برداشت‌ها و تلقی‌های انسانی در داوری ارزشی مسائل مختلف است. از آنجا که تلقی هزینه برخی مسائل در جامعه انسانی امری اعتباری و ذهنی است، رویکردهای مختلف بر آن اثر می‌گذارند. این توضیح از آن نظر لازم بود که از اقتصاد انتظار می‌رود، به‌طور عینی و قطعی با یک فرمول ریاضی به مسائل پاسخ دهد، اما دربرخورد با مسائل ظریف و پیچیده حقوق، که ناشی از تلقی‌های مکاتب مختلف است، این عملکرد نرم و معتدل می‌شود و زبان قاطع ریاضی به سستی می‌گراید.

زندان است و قطعی است که زندان واقعاً نتیجهٔ توان‌گیرنده دارد. چه بسیار مجرمین حرفه‌ای‌ای که پس از طی سالیان دراز در زندان، زمانی که آزاد می‌شوند دیگر رمق و انگیزه‌ای برای ارتکاب جرم ندارند و دوران شور و شوق و غرور جوانی آنها گذشته است. تحقیر و تحدید زندانیان تأثیر فوق‌العاده‌ای بر جسم و روان آنان می‌گذارد و ایشان را به‌طور واقعی تضعیف می‌کند.

«در ارتباط با تأثیر ناتوان‌سازی باید بگوییم زندان بهترین جا برای مجرمانی است که احتمال می‌دهیم در آینده مرتکب جرم می‌شوند.»<sup>۴۴</sup>

اگر ناتوان‌سازی عامل اصلی کاهش جرم باشد، نوبت به این می‌رسد که مقامات مشخص کنند چه کسی باید ناتوان نگه داشته شود.<sup>۴۵</sup> در اینجا است که بهینه‌یابی اقتصادی میزان استفاده از مجازات حبس لزوم خود را پیدا می‌کند.

## ۲-۴- بازدارندگی

در نهایت طرفداران بازدارندگی، مجازات زندان را به دلیل ترس عموم مردم از حبس شدن و از دست دادن آزادی مجازات پیشگیرانهٔ مفیدی می‌انگارند. همین مسأله نیز محل تردید است، زیرا بسته به جرایم مختلف، طیف‌های مختلفی از زندان وجود دارد و افراد با پیشینه و سبک زندگی متفاوت، ممکن است تصورات مختلفی نسبت به مجازات حبس داشته و در نتیجه ترس و پرهیز همهٔ آنها یکی نباشد و یا اصولاً عده‌ای زندان را ترسناک نپندارند. البته این به آن معنا نیست که ما به استثنائات اهمیت بیشتری می‌دهیم

مضاعف به مجرم و نتیجتاً جامعه را به بهانه‌ی اعادهٔ وضع به سابق با اجرای عدالت بر روی بزهکار توجیه می‌کردند)، بلکه باید به ترس و بازدارندگی حاصل از مجازات در میان بقیهٔ مردمان و نیز بازداشتن مجرم از ارتکاب دوبارهٔ جرمی جدید و ایجاد آسیبی دیگر به اعضای جامعهٔ خود، به‌عنوان اهداف واقعی مجازات نگریست.<sup>۴۳</sup>

توان‌گیری کارکردی است که به‌طور اعلی می‌توان آن را در مجازات زندان دید. زندان بزهکاران را از جامعه دور نگاه می‌دارد و بدین ترتیب، توان ارتکاب جرم را از آنان می‌گیرد. قائلین به حبس‌های طولانی‌مدت که غالباً از همین کارکرد دفاع می‌کنند، همین مورد را برای فایده‌رسانی حبس به جامعه کافی می‌دانند. اما این مسأله از دید اقتصادی به‌راحتی قابل پذیرش نیست، زیرا برای ما مسلم است که نگه داشتن زندانی در زندان مستلزم هزینه‌های جدی برای جامعه است و نباید پنداشت که دور نگه داشتن او (که طبعاً هزینه‌های بالقوهٔ ارتکاب دوبارهٔ جرم در آن مدت از سوی او بر جامعه را صفر می‌کند) در مجموع هزینه‌های کمتری از حالتی که او در بیرون از زندان آزادانه زندگی می‌کرد و هزینه‌هایی را به جامعه (چه از بابت ارتکاب جرم و چه هر طریق دیگری) وارد می‌ساخت به بار می‌آورد. در توان‌گیری باید هزینه‌های فرصت حضور مفید شخص در جامعه و مثلاً اشتغال او به حرفه‌ای که می‌توانست درآمد ملی را بالا ببرد و یا حضور او در کنار خانواده که امکان داشت در مجموع شادکامی و رفاه آنان را افزایش دهد نیز لحاظ شود.

علی‌ای‌حال، توان‌گیری قدرتمندترین نتیجهٔ

43. Beccaria, Cesare (1765); *On Crimes and Punishments and Other Writings*, quoted in: Cambridge Texts in the History of Political Thought, p. 31

۴۴. وینتر، هارولد؛ ترجمه: بهره‌مند، حمید (۱۳۹۴)، *اقتصاد جرم*، تهران: دادگستر، ص. ۶۲

۴۵. همان، ص. ۶۰

و این نکته را که عمده مردم از دست دادن آزادی خود هراسناک می‌شوند نادیده می‌انگاریم، بلکه تنها در نظر داشتن این مسأله مهم است که هدف نهایی ما کاهش هزینه‌ها و افزایش کارآمدی و نتیجتاً رفاه جامعه است و بدیهی است که در اینجا باید به‌طور واقع‌گرایانه‌تر، مجرمین بالقوه واقعی و نگرش‌های ذهنی آنان را مد نظر قرار دهیم و نه عموم افراد جامعه را که اصولاً فرصت یا نیاز به ارتکاب جرم احساس نمی‌کنند. کما اینکه این هراس برای افرادی که یک بار وارد زندان شده و مدتی در آنجا اقامت کرده‌اند - علی‌الخصوص در جرایم خشن - به‌طور محسوسی کاهش می‌یابد و اصطلاحاً قبح و حرمت زندان رفتن در نزد ایشان می‌شکند و این به‌طور ویژه در تقابل با هدف «بازداشتن مجرم از ارتکاب دوباره جرم» یا همان «تکرار جرم» است:

«... زندان در نظر بسیاری از افراد مکانی کاملاً مخوف است و تا قبل از ورود به زندان و آشنایی با آن احتمالاً می‌تواند فرد را از بسیاری از رفتارهای مجرمانه باز دارد، ولی به محض اینکه فرد وارد زندان شد و عادت به حضور در زندان کرد ترس از زندان برای او بی‌معنا می‌شود و برای بار دوم رفتار مجرمانه را با آسودگی بیشتری انجام می‌دهد، چرا که خود را در بدترین حالت که همان دستگیری است در زندان می‌بیند...»<sup>۴۶</sup>

بازدارندگی خود عبارت است از بازدارندگی عام و بازدارندگی خاص. منظور از بازدارندگی عام ارباب عمومی نسبت به مجازات است که مجرمین بالقوه را به تکاپوی ذهنی می‌اندازد و بر روی محاسبات هزینه-فایده آنها تأثیر می‌گذارد. اطلاع‌رسانی مفید در این زمینه و نوع تبلیغات راجع به درون زندان‌ها در این مورد می‌تواند مؤثر واقع شود، گرچه، اگر آنچه از وضعیت زندان‌ها اطلاع‌رسانی می‌شود بدتر از وضعیت جاری باشد، می‌تواند با تأثیر بر الگوی ذهنی مجرمینی که یک بار وارد زندان می‌شوند یا به‌طریقی در جریان وقایع درون آن به‌طور واقعی قرار می‌گیرند، بر روی نوع دیگر بازدارندگی، یعنی بازدارندگی خاص اثر سوء بگذارد.

در مقابل بازدارندگی عام، بازدارندگی خاص قرار می‌گیرد که مربوط به افرادی است که دارای سابقه محکومیت کیفری‌اند. این نوع بازدارندگی به‌طور مستقیم با مفهوم «تکرار جرم» در حقوق کیفری مرتبط است. در بازدارندگی خاص این مسأله بررسی می‌شود که آیا محکومین با چشیدن طعم مجازات بار دیگر دست به ارتکاب همان جرم، یا جرم مشابه آن

۴۶. سیاوشی، سامان (۱۳۹۴)؛ بررسی جرم‌شناسی سرقت‌های خشن، تهران: مجد، صص. ۲۱۸

را می‌زنند یا خیر. در این مورد چند حالت قابل طرح است. همانطور که در سطور بالا به‌طور مختصر گفته شد، اگرچه پیش‌فرض آن است که انسان منطقی نباید با دیدن هزینه‌های مجازات دست به ارتکاب جرم و یا اقلاً تکرار آن بزند، اما واقعیت امر آن است که پژوهش‌های تجربی، برخورد و تجربه افراد مختلف را متفاوت نشان می‌دهد. همانطور که پیش‌تر نیز ذکر شد، داوری ارزشی و دستگاه شناختی افراد مختلف تفاوت زیادی باهم دارد و همین باعث می‌شود برخورد با هزینه‌های مجازات برداشت‌های متفاوتی را در افراد گوناگون برانگیزد. از سوی دیگر، شرایط عینی افراد هم باهم متفاوت است و این باعث می‌شود هزینه‌های تکرار جرم برای اشخاص مختلف وزن یکسانی در موازنه هزینه-فایده نداشته باشد. مثلاً در جرم‌شناسی برجسب‌زنی که تقریباً در نقطه مقابل نظریه بازدارندگی خاص قرار می‌گیرد این مسأله مطرح می‌شود که افراد با دریافت برجسب مجرم شخصیت جدیدی به خود می‌گیرند و حال که دیگر نمی‌توانند برجسب مجرمیت و لکه ننگ آن را از خود پاک کنند، سعی می‌کنند دست‌کم در این حوزه پیشرفت کنند و تبدیل به مجرمین حرفه‌ای شوند. همانطور که مشاهده می‌شود در این حالت دقیقاً عکس آنچه انتظار داریم رخ می‌دهد و مجازات به‌طور ویژه موجب به وجود آمدن مجرمی خطرناک‌تر می‌شود که هزینه‌های بیشتری به بار خواهد آورد. انتظار می‌رود رخ دادن این مسأله در مجازات زندان که مجازاتی پرهیاهو و با تأثیرات اجتماعی منفی بسیار بالاست احتمال فوق‌العاده بالایی داشته باشد؛ کما اینکه پژوهش‌های تجربی و مطالعات میدانی نیز بر این امر صحه

می‌گذارد.<sup>۴۷</sup> چنانچه یک پژوهشگر میدانی در این مورد می‌نویسد:

«... به‌زعم اندرزجویان، زندان تنها در ماه‌های اول است که می‌تواند کارایی داشته باشد و فرد را متنبه سازد. پس از مدتی که از حضور فرد در زندان گذشت زندانی به حضور در زندان عادت می‌کند و ادبیات زندان بر او غلبه می‌کند. ادبیاتی که قدرت توجیه‌کنندگی بالایی را به فرد می‌دهد. پس از آن دیگر دلیلی برای احساس ندامت باقی نمی‌ماند و سرشویی جرم از این نقطه آغاز می‌شود...»<sup>۴۸</sup>

از سوی دیگر، چنانچه قبلاً نیز اشاره شده، کیفیت زندگی در زندان نیز بر اثر بازدارنده آن به‌طور کلی اثر می‌گذارد. بدیهی است که هرچه کیفیت زندگی در زندان مطلوب‌تر باشد، اثر بازدارنده آن کمتر می‌شود. پیش‌تر که مجازات زندان همراه با اعمال شاقه وجود داشت، بازدارندگی و خوفناک بودن زندان بسیار بیشتر بود. طبیعی است که رعایت مسائل حقوق بشری و بهبود وضعیت متهم هزینه‌فرصت‌هایی مانند کاهش کارایی زندان را نیز به دنبال خواهد داشت.

بدیهی است که تأثیرگذاری این دو نوع از بازدارندگی در کنار عوامل دیگر، می‌تواند به قطعیت مجازات نیز بستگی داشته باشد که به‌طور مفصل در بخش بعدی مورد بحث قرار می‌گیرد.

## دوم: هزینه‌های زندان پیش‌درآمد

پیش از آنکه به‌طور مستقیم وارد بحث هزینه‌های زندان شویم، لازم است تا چند نکته کلی را در تحلیل اقتصادی مجازات متناسب یک جرم و قدرت بازدارنده آن که فرصت بیان

۴۷. همان، صص. ۲۱۸-۲۲۱

۴۸. همان، ص. ۲۱۷

منظور از قطعیت مجازات میزان احتمال دستگیری و محکومیت فرد است. یعنی در رخ دادن این احتمال، اولاً پلیس و نیروهای ضابط و ثانیاً دستگاه قضایی در امر اثباتی قضیه دخیل هستند.

منظور از شدت نیز نوع و میزان مجازات است. مثلاً مجازات اعدام که به حذف فرد به کلی می‌انجامد در شرایط متعارف می‌تواند نمونه‌ی بارز شدیدترین نوع مجازات باشد.<sup>۵۱</sup> اگرچه در نگاه اول به نظر می‌رسد تشدید مجازات، می‌تواند عامل بازدارنده‌ی بسیار مهمی باشد، اما از نگاه اقتصادی، در تحلیل نهایی مشخص می‌شود که چالش اساسی در تعیین نقطه تعادل مناسب بین قطعیت و شدت مجازات است.<sup>۵۲</sup>

سزار بکاریا، پدر رویکرد منطقی به کیفرها پیشتر به این نکته اشاره داشته بود که زمانی مجازات پیشگیرانه خواهد بود که اجرای آن حتمی باشد. تا همه مجرمین احساس نکنند که دستگیر و مجازات می‌شوند از ارتکاب جرم خودداری نمی‌کنند و مادامی که وسایل دستگیری تمام بزهکاران فراهم نگردد، تشدید مجازات در قوانین کیفری بی‌فایده است.<sup>۵۳</sup> با این حال، امروزه تحلیل اقتصادی و مطالعات آماری کیفر

آن در پیشگفتار فراهم نیامد ذکر کنیم. گری بکر در مقاله معروف خود، هدف از سیاست‌گذاری کیفری را از منظر اقتصادی حداقل ساختن هزینه‌های اجتماعی ناشی از جرم بیان می‌دارد. او با تعریف تابع هزینه جرم، به مفهوم «نرخ بهینه جرم»<sup>۴۹</sup> می‌رسد. نرخ بهینه جرم یک نقطه تعادلی است که در آن مقدار برخوردها با جرم به اندازه‌ای است که میزان ارتکاب جرم در جامعه به بهینه‌ترین اندازه خود می‌رسد. درواقع، نرخ بهینه جرم لزوماً -و چه بسا لزوماً، بلکه در غالب موارد- مساوی صفر نیست و بالاتر از آن است؛ زیرا هزینه برخورد با تمام جرایم و حذف کامل جرم از جامعه، علاوه بر آنکه این کار موانع فنی بسیاری دارد، از مجموع هزینه‌ای که ارتکاب آن جرم به جامعه وارد می‌سازد بیشتر است و این کارایی مجازات را از بین می‌برد. بنابراین، مسأله حائز اهمیت رسیدن به نقطه تعادلی مذکور است تا کمترین هزینه ممکن به جامعه وارد شود.<sup>۵۰</sup> بکر در تابع هزینه اجتماعی جرم که بدین منظور طراحی می‌کند، دو متغیر «قطعیت مجازات» و «شدت مجازات» را جای می‌دهد که هر یک به‌طور جداگانه می‌توانند در کاهش انگیزه‌های ارتکاب جرم نقش داشته باشند.

49. optimal crime value

۵۰. مکاتب فکری اخلاق‌گرا معمولاً از شنیدن این رویکرد تحلیل اقتصادی متعجب شده و یا فریاد افول اخلاق و ریختن قبح جرایم را سر می‌دهند. از نظر ایشان، باید به هر قیمتی که شده برخی جرایم از جامعه ریشه‌کن شوند؛ این درحالی است که هم مطالعات تجربی طول تاریخ بشر نشان می‌دهد که هیچ جرمی، حتی جرایمی که همه اینای بشر روی جرم بودن آن اتفاق نظر داشته‌اند (همانند قتل و سرقت) تاکنون ریشه‌کن نشده است -تا آنجا که کنت، پدر جامعه‌شناسی مدرن، نیز با مورد مطالعه قرار دادن این مسأله، مقداری از جرم را در جامعه را به‌نجار و حتی ضروری دانست و هم از سوی دیگر، با نگاه به منابع محدود در دسترس ما، با یک سری محاسبات ساده در می‌یابیم از نظر فنی این امر امکان‌پذیر نیست و چه بسا تمرکز بر روی یک سری جرایم خاص که بعد اخلاقی قوی‌تری دارند و تلاش برای ریشه‌کن کردن آن‌ها با اتلاف منابع محدود، موجب آسیب به عملکرد اقتصادی در سطح کلان شده و راه را برای رشد جرایم دیگر در جامعه باز کند. فلذا مسأله نقطه تعادلی و مقدار بهینه جرم ضدیت با اخلاق ندارد، بلکه امری واقع‌گرایانه و بهترین راهکار عملی ممکن در جهت حفظ بیشینه سرمایه‌های جامعه است.

۵۱. و در همینجا باید درمورد افرادی که عقیده دارند پس از مرگ وارد زندگی دیگری خواهند شد و یا از آن بالاتر، مجرمین با رویکردهای خاص شناختی که جرم خود را هم در راستای مرگ و رسیدن به دنیایی بهتر می‌دانند، در تشدید بودن این مجازات (و یا حتی مجازات بودن آن!) تردید کرد.

۵۲. وینتر، هارولد؛ ترجمه: بهره‌مند، حمید (۱۳۹۴)، *اقتصاد جرم*، تهران: دادگستر، ص. ۴۴

۵۳. صفاری، علی (۱۳۹۷)؛ کیفرشناسی (تحولات، مبانی و اجرای کیفر سالب آزادی)، تهران: جنگل، ص. ۶۴، به نقل از: نوربها، رضا (۱۳۸۵)؛ زمینه حقوق جزای عمومی، تهران، دادآفرین، ص ۱۰۳-۱۰۶



به‌عنوان یکی از  
مهم‌ترین هزینه‌های ارتکاب  
جرم از حاصل ضرب قطعیت مجازات در  
شدت مجازات به دست می‌آید.<sup>۵۵</sup> و از این  
سو، افزایش هر کدام از این موارد، یعنی  
شدت و قطعیت، لاجرم ایجاد هزینه‌هایی را  
در پی دارد.

اقتصاددانان در رابطه با شدت و قطعیت  
معمولاً دو چیز را توصیه می‌کنند: تا جایی  
که ممکن است از ضمانت اجرای جریمه  
نقدی استفاده کنید و ترکیبی از قطعیت کم و  
شدت زیاد مجازات ایجاد کنید.<sup>۵۶</sup>

۵۵. ساکیانی، زهرا؛ قاسمی، مجتبی (۱۴۰۱): *دلالت‌های نظریه انتخاب عقلانی در تصمیم‌گیری‌های قضات*، دوفصلنامه‌ی دانشنامه حقوق اقتصادی، ش. ۲۲، ص. ۳۶۱.

۵۶. وینتر، هارولد؛ ترجمه: بهره‌مند، حمید (۱۳۹۴)، *اقتصاد جرم*، تهران: دادگستر، ص. ۴۴.

همین نتیجه‌گیری اقتصاددانان باعث نزدیک شدن خط فکری ایشان به سزاکرایان و دفاع از مجازات‌های سنگین می‌شود؛ اما در مورد ماهیت مجازات معمولاً با سزاکرایان به اختلاف بر می‌خورند.

ما را به این

نتیجه رسانده است که

«قطعیت» و «شدت» باید در یک نقطه

بهینه قرار بگیرند و باتوجه به مفهوم نرخ  
بهینه جرم از منظر اقتصادی، انجام هزینه‌های  
بالا برای حتمی کردن مجازات مفید به فایده  
نیست.

از سوی دیگر، در سمت بزهکار، در مدل  
مطلوبیت مورد انتظار، باتوجه به اینکه در  
شرایط عدم قطعیت، وقوع نتایج انتخاب‌ها  
قطعی نیست و احتمالی است، لذا افراد برای  
محاسبه منافع و هزینه‌ها، ارزش مورد انتظار<sup>۵۴</sup>  
را محاسبه می‌کنند. مجازات مورد انتظار نیز

54. expected value

هزینه‌ی مستقیم را به‌صورت اصابت‌کرده بر گروه‌های ذی‌نفع یا عموم جامعه یا نسبتی از آن‌ها به‌طور کلی تصور کرد.

اما هزینه‌های مستقیم در جرایم با شاکی خصوصی به‌وضوح و غالباً به‌طور عینی قابل مشاهده است. مانند آسیب مادی به فردی که از او سرقت شده یا آسیب‌های روانی و جسمی به فردی که مورد تجاوز به‌عنف قرار گرفته و یا حتی آسیب معنوی به فردی که مورد فحاشی و هتک حرمت واقع شده است. بدیهی است که این بخش از هزینه‌ها در هر جرمی موجود است و مستقیماً ارتباط با نوع کیفر ندارد؛ آنچه باید در هدف‌گذاری کیفر زندان مد نظر قرار بگیرد، کاهش تکرار جرم با استفاده از کیفر زندان برای کاهش این قسم از هزینه است. به عبارت دیگر، مجازات زندان مانند هر مجازات دیگری باید به نحوی کارا باشد که نقش پیشگیرانه خود را از رخداد این هزینه در آینده نشان دهد.

## ۲- هزینه‌های دستگیری و تعقیب

دومین هزینه‌ی جدی‌ای که مجرم بر جامعه وارد می‌کند لزوم شروع پیگرد قضایی و در غالب موارد اقدام ضابطین قضایی برای یافتن و دستگیر کردن متهم است. ممکن است با گمراهی‌هایی که در پرونده ایجاد می‌شود و خطاهای حاصله این هزینه‌ها به‌مراتب بیشتر هم بشود.

## ۳- هزینه‌های رسیدگی قضایی

پس از نایل آمدن به متهم و پایان کار ضابطین قضایی، چنانچه اتفاق خاصی نیفتد، فرایند رسیدگی قضایی آغاز می‌شود. رسیدگی قضایی نیز همانند وقت و هزینه‌ی صرف‌شده برای وکیل، برپایی دادگاه و دادسرا و قضات حاضر و

در مقایسه جرمه نقدی و محکومیت به زندان که دو مورد از شایع‌ترین اشکال ضمانت اجرا هستند، می‌توان گفت نظام جرمه نقدی نسبت به حبس منابع بسیار کمتری نیاز دارد. ساختن و نگهداری از زندان‌ها بسیار پرهزینه است. از سوی دیگر تعیین جرمه‌ها ساده‌تر است. البته برای مدیریت و دریافت جرمه‌ها به منابعی احتیاج داریم، اما مقدار منابع مورد نیاز برای این کار بسیار کمتر از منابع لازم برای اداره و اجرای مجازات حبس است.<sup>۵۷</sup>

در همینجا باید به یک نکته کلی دیگر نیز اشاره نمود و آن اینکه الگویابی رفتار مجرمان در جرایم خشن نوعاً دشوارتر از جرایم هوشمند است؛ زیرا جرایم خشن همراه با قلدرمآبی، جنون آنی، مشکلات روانی و اختلالات روانی و تربیتی و مانند آن همراه هستند و تاب دفاع از عقلانی بودن رفتار آدمی در بروز آنها پایین است، در نقطه مقابل، جرایم هوشمند به‌طور دقیق با هزینه جزئی هزینه-فایده ارتکاب می‌یابند و به همین دلیل هم پیاده کردن مدل‌های اقتصادی جرم بر روی آنها بسیار آسان‌تر است.

به‌طور کلی در جرایم منجر به مجازات زندان نیز همانند هر جرم دیگری چند نوع از هزینه‌های عام و چند نوع هزینه‌ی خاص این مجازات را داریم:

## ۱- هزینه‌های مستقیم ناشی از جرم

اولین هزینه‌ای که جرم برای جامعه می‌تراشد آسیب مستقیمی است که از طریق یک مبادله‌ی غیرارادی به بزه‌دیدگان تحمیل می‌کند. از آنجا که فرض بر حکیم بودن قانونگذار و در نظر گرفتن مصالح اجتماعی و هزینه‌های عمومی در قانونگذاری است، در جرایم بدون شاکی خصوصی نیز می‌توان این



## زندان‌ها و

درعین‌حال، تلاش

برای برخورداری شایسته آنان

از امکانات و نیز تعلیم و تربیت ایشان برای بازپروری و بازگشت به جامعه نمی‌تواند بدون صرف هزینه‌های گزاف باشد. ضمن بر آنکه، مجازات زندان برخلاف مجازات‌هایی مانند جریمه نقدی یا مجازات‌های بدنی به یک‌باره اجرا نمی‌شود و در بازه‌ای از زمان قرار می‌گیرد که معمولاً نیز کوتاه‌مدت نیست. گزارش‌ها نشان می‌دهد که نگهداری هر یک زندانی در طول سال هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیمی را به بار می‌آورد. برای مثال، در گزارش وزارت دادگستری بریتانیا، می‌توان به رقم بیش از

جمع‌آوری

ادله و اثبات و

کارشناسی و مانند آنها که گاه در

پرونده‌های کیفری به‌جهت حساسیت موضوع سال‌ها طول می‌کشد بسیار پرهزینه است.

## ۴- هزینه‌های اجرای مجازات

پس از آنکه حکم حبس برای محکوم از سوی دادگاه صادر شد، می‌توان با فرمان شروع اجرای احکام، شروع هزینه‌های زندان را هم به این چرخه اضافه نمود و حساب کرد. اجرای مجازات زندان به‌طور کلی پرهزینه است. نگاهداری صدها فرد درون سلول‌های

شده است که برخی از آن‌ها عبارتند از: سلولی یا پنسیلوانیایی، مختلط یا اوبرنین، تدریجی یا ارتقای و ایرلندی اشاره کرد.<sup>۶۲</sup>

امروزه در برخی کشورها، خصوصاً کشورهای اسکاندیناوی چنان امکانات رفاهی در زندان افزایش یافته است که هشدار برخی اقتصاددانان را از منظر دیگری برآورده است و آن اینکه امکان دارد این میزان از رفاه و راحتی برای زندانیان تشفی خاطر بزه‌دیدگان را دچار اشکال کند و انتقام‌گیری‌های شخصی دوباره پس از قرن‌ها به صحنه برگردد.

بهبود امکانات رفاهی درون زندان از دو جهت می‌تواند ایجاد هزینه کند، نخست آنکه ایجاد این امکانات به‌خودی‌خود نیازمند منابع است. و دوم اینکه بهبود وضعیت زندانیان به هر نسبتی باشد به همان نسبت اثر منفی بر بازدارندگی، به‌ویژه بازدارندگی خاص دارد.

#### ۴-۲- هزینه‌های اجتماعی اجرای مجازات

عبارت سلب آزادی به‌خودی‌خود گویای این مسأله است که با اجرای مجازات زندان هزینه‌هایی به عده‌ای از افراد جامعه وارد و جامعه از کار و تلاش و درآمدزایی تعدادی محروم می‌شود. نگهداری عده‌ای انسان درون یک محل بسته در نگاه اول به هیچ وجه امری مطلوب نمی‌نماید و آثار روحی و روانی آن بر این افراد غیرقابل اغماض است. با این حال، آنچه که ایجاب کرده است این افراد در پشت

۴۷ هزار پوند برای هر زندانی در سال ۲۰۲۰-۲۰۲۱ برخورد.<sup>۵۸</sup> میانگین هزینه‌های حبس<sup>۵۹</sup> به گزارش روزنامه ثبت فدرال در ایالات متحده آمریکا در سال‌های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ به‌ترتیب، ۴۳،۸۳۶ و ۴۲،۶۷۲ دلار بوده است.<sup>۶۰</sup> هزینه‌های اجرای مجازات خود می‌توانند در دو دسته‌ی هزینه‌های فنی و هزینه‌های اجتماعی ناشی از جرم طبقه‌بندی شوند.

#### ۴-۱- هزینه‌های فنی اجرای مجازات

در گذشته دور زندان‌ها با هزینه فنی کمی اداره می‌شدند. زندانیان بدون توجهات خاصی درون تاریکی سیاه‌چال‌ها به فراموشی سپرده می‌شدند و نگهداری آنها مشقت و هزینه‌ی خاصی نمی‌طلبید و غالباً نیز به‌سرعت در اثر عدم رسیدگی از بین می‌رفتند. اما با ورود به دوره مدرن و بحث تکریم زندانیان و رعایت حقوق انسانی آن‌ها و طرح شدن این فلسفه که مجازات شخص مجازات شخصیت او نیست، زندان‌ها دارای اصول و قواعد شدند. اولین بار در ایران در سال ۱۲۹۸ با تصویب نخستین آیین‌نامه زندان‌ها در زمان تصدی سوئدی‌ها بر نظمیه (شهربانی) روند مدرنیزاسیون زندان‌ها آغاز شد.<sup>۶۱</sup> در آن زمان، کماکان حبس با اعمال شاقه یکی از عناوین مجازات بود، اما تا حدود نیم قرن بعد از آن این نوع مجازات به‌کلی از قوانین جزایی حذف شد. امروزه روش‌های مختلفی برای اداره زندان‌ها ایجاد

58. <https://assets.publishing.service.gov.uk/media/6405f77ae90e0740d2e5a806/costs-per-place-and-costs-per-prisoner-2021-to-2022-summary.pdf>

59. Average Cost of Incarceration Fee (COIF)

60. [https://www.federalregister.gov/documents/2023/09/22/2023-20585/annual-determination-of-average-cost-of-incarceration-fee-coif#:~:tex=Based%20on%20FY%202021%20data.%2437%2C012%20\(%24101.40%20per%20day\)](https://www.federalregister.gov/documents/2023/09/22/2023-20585/annual-determination-of-average-cost-of-incarceration-fee-coif#:~:tex=Based%20on%20FY%202021%20data.%2437%2C012%20(%24101.40%20per%20day)).

نکته‌ای که باید درمورد این گزارش مورد توجه قرار گیرد این است که اولاً این مقدار هزینه‌های زندان‌های فدرال است و ثانیاً در اینجا برای سادگی مقایسه با ایران، تنها به مقدار هزینه زندان‌های عادی اشاره نموده‌ایم. در همین گزارش به‌طور جداگانه به هزینه‌های «مراکز اسکان برای بازآیند (ورود دوباره)» (Residential Reentry Centers) نیز اشاره شده است که درواقع مراکزی برای نگهداری زندانیان درشرف آزادی هستند تا با ایجاد برخی تسهیلات فضایی برای ورود مجدد ایشان به جامعه فراهم آورند.

۶۱. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۷)؛ *کلیات حقوق جزا*، تهران: میزان، ص. ۱۶۲

۶۲. صفاری، علی (۱۳۹۷)؛ *کیفرشناسی (تحولات، مبانی و اجرای کیفر سالب آزادی)*، تهران: جنگل، صص. ۱۶۵-۱۷۰

میله‌های زندان قرار بگیرند دفاع جامعه از برخی اصولی بوده است که به نظر خود برای رفاه حال و ترقی آن لازم‌الرعايه بوده و از سوی این افراد نقض شده‌اند. اما خود اجرای این مجازات و متنبه‌ساختن یا دور نگه داشتن افراد خطرناک هزینه‌هایی را برای جامعه به بار می‌آورد که انکارناپذیر است.

#### ۴-۲-۱- هزینه‌های وارد بر خود زندانیان

زندانیان درون زندان از بسیاری از آزادی‌های خود محدود می‌شوند و آزادی آن‌ها به معنای واقعی مطلقاً سلب می‌شود و تنها استثنائاتی چون برخی ملاقات‌ها باقی می‌ماند. علاوه بر دور ماندن از نور خورشید، تغذیه‌ی عالی و برخی تفریحات سالم مانند کوهنوردی و طبیعت‌نوردی که جسم زندانیان را نشانه می‌رود، آسیب‌های روحی، شکست و تحقیر و جامعه‌ستیزی‌ای که ممکن است در پی آن بیاید و نیز برچسب مجرمی که به افراد می‌خورد و آن‌ها را در خطر بیشتر فرو رفتن در جرایم خطرناک‌تر می‌کند و دشواری در دوباره جامعه‌پذیر شدنشان بخشی از هزینه‌هایی است که زندانیان متحمل می‌شوند. به‌راستی به‌جز در جرایم واقعاً خطرناک، ورود این حجم از هزینه‌ها به افراد عادی جامعه که به دلایلی مرتکب جرم شده و هریک پس‌زمینه‌ای برای خود داشته‌اند، بخش بزرگی از سرمایه‌ها و منابع کمیاب را در خطر نابودی می‌گذارد. زندان نمی‌تواند محل مناسبی برای بازپروری بیافریند و برعکس، مجرمان کوچک به‌صورت شبانه‌روزی در کنار



فراموش شده و تحقیر شده می‌بینند و گمان می‌کنند جامعه با آن‌ها مانند حیوان رفتار کرده و ایشان را در قفس انداخته است و این تفکرات خشم آنان و انگیزه‌های جدی‌شان را برای انتقام از جامعه بر می‌انگیزد.<sup>۶۶</sup>

زندان افراد را در محیط ایزوله‌ای قرار می‌دهد که تنها می‌توانند با عده‌ای محدود که غالباً هم ممکن است ادبیات سخیفی داشته باشند مکالمه داشته باشند و این در دراز مدت بر نحوه صحبت زندانیان تأثیر گذاشته و بیش از پیش باعث دشواری در ارتباط گرفتن با محیط بیرون می‌شود.<sup>۶۷</sup> محیط خشن زندان افراد عادی را هم برای بقا به خشونت وا می‌دارد و مجرمین با قرار گرفتن در یک نظام طبقاتی میان مجرمین جرایم سبک و جرایم سنگین مجبور به ایجاد رابطه مرید و مرادی می‌شوند و این سیستم آموزشی ایجاد شده افراد عادی را مستقیماً به بزهکاران حرفه‌ای متصل می‌کند. بدیهی است که نظام تفکیک میان زندانیان با درجات مختلف جرم و درجه خطرناکی مختلف می‌تواند بخشی از این هزینه‌ها را تعدیل کند. اما متأسفانه نمی‌توان اشاره محکمی به این تفکیک که آن را باید مهم‌ترین نوع طبقه‌بندی محکومین دانست در قوانین ایران پیدا کرد. اگرچه برخی دسته‌بندی‌ها در صورت امکان پیش‌بینی شده است.<sup>۶۸</sup>

مجرمان بزرگ قرار می‌گیرند و با یادگیری از آن‌ها و تحت تأثیر آن‌ها قرار گرفتن به مجرمان حرفه‌ای بدل می‌شوند و باید به کلی از بازگشت ایشان قطع امید کرد.<sup>۶۳</sup> به همین دلیل عمده است که نوجوانان و کودکان باتوجه به حساسیت فوق‌العاده بیشتر آن‌ها و امید ریاضی<sup>۶۴</sup> بیشتر به اصلاح ایشان، فوراً از این دایره خارج و در کانون‌های اصلاح و تربیت قرار گرفته‌اند.

از سوی دیگر؛ در یک تحلیل ریاضی باید گفت، زمانی که هزینه‌های روحی و روانی وارده به هر زندانی‌ای، اعم از مجرمین با جرایم سبک و سنگین، برابر، اجباری و ناخواسته است و امکانی برای جلوگیری از آن برای ایشان وجود ندارد، چرا نباید انتظار داشت کسانی که متحمل این هزینه‌ی وحشتناک از سوی جامعه شده‌اند عناد با جامعه را پیش نگرفته و با شخصیت جدیدی که به آن‌ها نسبت داده شده است این بار خشمگین‌تر باز نگردند؟

علاوه بر این‌ها، پژوهش‌ها نشان می‌دهد تجربه زندگی رایگان زندانی‌ها در زندان آن‌ها را به راحتی طلبی سوق می‌دهد و شاید اندک انگیزه‌ی کار و تلاش بازگشت به جامعه را نیز از بخش بزرگی از آن‌ها می‌گیرد.<sup>۶۵</sup>

زندانیان خود را جدای از جامعه،

۶۳. در زمینه تحقیقات میدانی دال بر این مسأله نک: سیاوشی، سامان (۱۳۹۴): *بررسی جرم‌شناسی سرقت‌های خشن*، تهران: مجد، ص. ۲۰۲

۶۴. مقصود از امید ریاضی همان ارزش مورد انتظار (Expected Value) در شرایط عدم قطعیت است. این مقدار برابر مجموع حاصل ضرب احتمال رخ دادن هر حالت در مقدار در نظر گرفته شده برای آن حالت از متغیر است. در مورد خردسالان، باتوجه به پارامترهای مختلف مانند پتانسیل بیولوژیکی بیشتر برای تغییر، فرصت بیشتر برای آموزش و ایجاد تجارب سازنده و... امید ریاضی به فاصله گرفتن ایشان از بزهکاری و انجام زده‌نارهای اجتماعی می‌شود.

۶۵. همان، ص. ۲۱۸

۶۶. همان، ص. ۲۲۰

۶۷. همان، ۲۱۹

۶۸. صفاری، علی (۱۳۹۷): *کیفرشناسی (تحولات، مبانی و اجرای کیفر سالب آزادی)*، تهران: جنگل، صص. ۱۸۱-۱۸۲

#### ۴-۲-۲- هزینه‌های وارد بر خانواده‌های زندانیان

گاه هزینه‌هایی که از فقدان عزیز به زندان -رفته دامن‌گیر خانواده‌ها می‌شود چنان زیاد است که برخی زندان را نه مجازات خود فرد، که مجازات خانواده او می‌دانند. برخی از زندانیان، خود، نیز اذعان می‌دارند که زندگی در زندان باتوجه به رفاه نسبی در آن بعد از مدتی برای ایشان عادی می‌شود، اما دوری خانواده از ایشان هرگز.<sup>۶۹</sup> این امر علاوه بر اینکه دال بر مشکل در بازدارندگی کافی زندان برای محکومین است، خبر از سنگینی هزینه‌ی وارده بر خانواده‌ها دارد. فرزندی که بدون پدر بزرگ می‌شوند و یا برچسب فرزند مجرم و زندانی بودن می‌گیرند و مسیر زندگی‌شان عوض می‌شود، زانی که خود گاه در نبود شوهر برای تأمین معاش مجبور به انجام افعال مجرمانه می‌شوند و فرزندان زانی که در زندان به دنیا می‌آیند تنها نمونه‌هایی از آسیب‌های زندان به خانواده‌های زندانی است.

#### ۴-۲-۳- هزینه‌های وارد بر اشخاص ثالث

منظور از اشخاص ثالث در اینجا هر شخصی در جامعه است که می‌توانست از حضور و مبادله با افرادی که در زندان قرار گرفته‌اند منتفع شود و با آن‌ها یک مبادله برد-برد ترتیب دهد. این اشخاص می‌توانند به‌طور خرد، شامل خریداران از یک فروشنده باشند که زندانی شده است یا به‌طور کلان، عموم افراد جامعه باشند که بخشی از نیروی کار فعال خود را از دست داده‌اند. تمام هزینه‌هایی که به بخش عمومی وارد می‌شود نیز به‌نوعی درون هزینه‌های وارد بر اشخاص ثالث قرار می‌گیرد؛ زیرا از منابع

عمومی مشترک برای این امر استفاده می‌کند. چنانچه فرایند بازاجتماعی شدن زندانیان پس از اتمام دوره مجازات حبس خود طولانی‌تر و دشوارتر شود، این هزینه به‌مراتب بیشتر خود را نشان می‌دهد و از این حیث، حتی به هزینه‌های مجازات اعدام بر اشخاص ثالث نزدیک می‌شود. در چنین شرایطی است که می‌توان ارزش آزادی‌های مشروط یا فراهم آوردن فضای اشتغال مفید در زندان‌ها را درک نمود و حداقل بخشی از تولید ناخالص داخلی ازدست‌رفته را از این طریق جبران نمود.

#### پس‌گفتار

مجازات زندان یکی از شناخته‌شده‌ترین و قدیمی‌ترین مجازات‌هایی است که انسان‌ها برای تنبیه هم‌نوعان خود که خط قرمزهای اجتماعی را رعایت ننموده و ارزش‌های اساسی جامعه را زیر پا گذاشته‌اند وضع نموده‌اند. علی‌رغم عبور از سیاه‌چال‌ها و زندان‌هایی که در آن‌ها هیچ توجهی به وضع محکومین نمی‌شد، کماکان مجازات زندان با مشکلات عدیده‌ای روبه‌روست که برخی از آن‌ها ذاتی و غیرقابل تغییر به نظر می‌رسد. نگاهی به هزینه‌های زندان در برابر منافع آن نشان می‌دهد که مضرات زندان بسیار بیش از فواید آن است. هزینه‌هایی که زندان در مجموع به‌طور آشکار و پنهان بر جامعه وارد می‌کند، با کاهش ظاهری آمار جرم قابل پوشش نیست. مطالعات مختلفی درحال انجام است که هزینه‌های مجازات زندان را با روش‌های واکنش جایگزینی مانند برنامه‌های اصلاح جامعه‌وی<sup>۷۰</sup> مقایسه نماید.<sup>۷۱</sup>

۶۹. سیاوشی، سامان (۱۳۹۴): *بررسی جرم‌شناسی سرقت‌های خشن*، تهران: مجد، ص. ۲۱۸

70. community corrections

منظور از این برنامه‌ها، همان مجازات‌های جایگزین حبس با ایجاد تغییراتی در مدت و نحوه حبس به‌طور کلی است که شامل تحت مراقبت قرار دادن محکوم یا آزادی مشروط او می‌شود.

۷۱. برای نمونه به این گزارش مقایسه‌ای آماری مؤسسه جرم‌شناسی استرالیا رجوع کنید:

[https://www.aic.gov.au/sites/default/files/2020-05/rr\\_05\\_240418\\_2.pdf](https://www.aic.gov.au/sites/default/files/2020-05/rr_05_240418_2.pdf)



بلکه قطعاً تأثیرات خاص خود را داشته است. همه این مسائل نشان از آن دارد که مسائل مجازات حبس باید با ریشه‌یابی تمام عوامل جرم‌زا و نه در فضایی آرمانی و خلاء بررسی شود. در یک شرایط متعارف، می‌توان انتظار داشت که با تبدیل بخش قابل توجهی از مجازات‌های حبس به جریمه نقدی علاوه بر امکان کنترل بیشتر مجازات با محاسبات دقیق، عادلانه‌تر کردن مجازات و کاهش هزینه‌ها و پیچیدگی‌های فنی اجرای مجازات، به کاهش چشمگیر هزینه‌های اجتماعی نیز کمک نمود. توسعه برنامه‌های اصلاحی به عوض زندان نیز می‌تواند امری با تبعات اجتماعی کمتر باشد. به نظر می‌رسد در حال حاضر نیز کمترین کاری که در قالب دستگاه قضایی می‌توان انجام داد، جلوگیری از اولین ورود به زندان با هر ابزار ممکن مانند تعلیق و تعویق مجازات است.

علی‌ای حال، به هیچ‌وجه نمی‌توان انکار کرد که زندان کماکان یکی از سهل‌الوصول‌ترین و ترسناک‌ترین مجازات‌ها برای ایجاد بازدارندگی و خصوصاً توان‌گیری از مجرمان است و علت بقای آن نیز همین است. مطالعات تأثیر چشمگیر افزایش قطعیت یا شدت زندان را در کاهش سریع جرم و برعکس نشان می‌دهند. در ایران، آمار تأییدنشده‌ای در مشاهدات میدانی حکایت از آن دارد که قانون کاهش مجازات حبس تعزیری به سرعت بر روی افزایش جرایم نقش داشته است؛ اگرچه برای تحلیل دقیق‌تر نیاز به داده‌های مستندتر وجود دارد، چرا که در سال‌های اخیر پارامترهای جرم‌زایی مانند تورم نیز به شدت به جمع عوامل گسترش جرم اضافه شده‌اند و هر لحظه شدت آن‌ها با انباشته شدن مشکلات طبقات ضعیف در حال افزایش است. اما قدر مسلم، کاهش مجازات حبس تعزیری نه تنها بی‌تأثیر نبوده،

## منابع

## ۱- کتب فارسی

- Becker, G.S. (1968), *The Economic Dimensions of Crime*, London: Palgrave Macmillan
- Medema, Steven G. (2011); chapter six of *Building Chicago Economics New Perspectives on the History of America's Most Powerful Economics Program (Chicago Price Theory and Chicago Law and Economics; a Tale of Two Transitions)*, Cambridge University Press
- Posner, Richard (1986); *Economic Analysis of Law*, NY: Wolters Kluwer, Ninth Edition
- Zamir, Eyal; Teichman, Doron (2014); *The Oxford Handbook of Behavioral Economics and the Law*, Oxford University Press
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۷)؛ *کلیات حقوق جزا*، تهران: میزان
- سیاوشی، سامان (۱۳۹۴)؛ *بررسی جرم‌شناسی سرقت‌های خشن*، تهران: مجد
- صفاری، علی (۱۳۹۷)؛ *کیفرشناسی (تحولات، مبانی و اجرای کیفرسالب آزادی)*، تهران: جنگل
- طوسی، عباس؛ (۱۳۹۳)، *تحلیل اقتصادی حقوق شرکت‌ها*؛ تهران: شهر دانش
- ملکان، تیم، ترجمه: خدایناه، بهنام (۱۳۹۹)؛ *درآمدی به فهم فایده‌گرایی*، قم: طه
- وینتر، هارولد؛ ترجمه: بهره‌مند، حمید (۱۳۹۴)، *اقتصاد جرم*، تهران: دادگستر

## ۴- مقالات لاتین

- Cunha, O., Castro Rodrigues, A., Caridade, S. et al. (2023); *"The impact of imprisonment on individuals' mental health and society reintegration: study protocol"*. BMC Psychol 11
- Hylton, K. N. (2019); *"Law and economics versus economic analysis of law"*. European Journal of Law and Economics, 48(1), 77-88
- Kaplow, Louis; Shavell, Steven; (1999); *"Economic Analysis of Law"*; Harvard Law School and National Bureau of Economic Research; [http://www.law.harvard.edu/faculty/shavell/pdf/99\\_Economic\\_analysis\\_of\\_law.pdf](http://www.law.harvard.edu/faculty/shavell/pdf/99_Economic_analysis_of_law.pdf)
- N.G., Clarke, A., Witt, R. (eds), *The Economic Dimensions of Crime*, Palgrave Macmillan: London. [https://doi.org/10.1007/978-1-349-62853-7\\_2](https://doi.org/10.1007/978-1-349-62853-7_2)

## ۵- تارنماها

- <http://www.law.harvard.edu>
- <https://doi.org>
- <https://www.aic.gov.au>
- <https://www.federalregister.gov>
- <https://www.gov.uk/>

## ۲- مقالات و پایان‌نامه‌های فارسی

- آقایی‌طوق، مسلم (۱۳۹۲)؛ تحلیل «تحلیل اقتصادی حقوق»، مطالعات حقوق تطبیقی، ش. ۲۰
- پاکدل بایگی، سیده فاطمه (۱۴۰۱)، پایان‌نامه: تحلیل اقتصادی مجازات زندان، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی
- دادگر، یداله (۱۳۸۵)؛ پیش‌درآمدی بر سنتز حقوق، مجله تحقیقات حقوقی، ش. ۴۳
- راهرو خواجه، احمد؛ نوروزی، فیض‌اله؛ شیراستخاره، زهراسادات (۱۳۹۹)؛ تحلیل جامعه‌شناختی روایت‌های باز اجتماعی شدن: (مطالعه موردی زندانیان شاغل در واحدهای حرفه‌آموزی و اشتغال زندان‌های تهران)، انتظام اجتماعی، ش. ۴
- ساکیانی، زهرا؛ قاسمی، مجتبی (۱۴۰۱)؛ دلالت‌های نظریه انتخاب عقلانی در تصمیم‌گیری‌های قضات، دوفصلنامه‌ی دانشنامه حقوق اقتصادی، ش. ۲۲

## ۳- کتب لاتین

- Beccaria, Cesare (1765); *On Crimes and Punishments and Other Writings*, quoted in: Cambridge Texts in the History of Political Thought



# از آیلین تا کلثوم: جرم‌شناسی قاتلان سریالی مؤنث

دکتر مهدی صبوری‌پور

عضو هیأت علمی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

m\_sabooripour@sbu.ac.ir



اگر ملاک اهمیت یک جرم را میزان ترس از آن بدانیم، قتل عمدی مهم‌ترین جرم است. این جرم اگرچه شیوع بسیار اندکی دارد<sup>۱</sup>، اما هر فقره از آن ترس فراوانی را در بین ساکنان محله، منطقه و شهری که قتل در آن رخ داده است، برمی‌انگیزد. این وضعیت هنگامی که قتل جنبه سریالی پیدا می‌کند، تشدید می‌شود. قتل سریالی<sup>۲</sup>، گونه‌ای از قتل‌های چندگانه<sup>۳</sup> است که مرتکب، در وقایع جداگانه و با فاصله زمانی (بیش از هفت روز) از یکدیگر، چندین نفر را به قتل می‌رساند. از این حیث، قتل سریالی با گونه دیگر قتل‌های چندگانه یعنی کشتار دیوانه‌وار<sup>۴</sup>، که مرتکب آن در چند واقعه بسیار نزدیک به یکدیگر، چند نفر را به قتل می‌رساند، متفاوت است. مثال این نوع از قتل‌های چندگانه، تیراندازی‌های منجر به مرگی هستند که هر از چند گاهی در مدارس آمریکا اتفاق می‌افتند.<sup>۵</sup>

قاتلان سریالی، به دلیل توجه رسانه‌ای فراوانی که دریافت می‌کنند و جذابیتی که پیگیری اخبار آنها برای مردم دارد، سلبریتی‌های عالم بزهکاری هستند. همین امر باعث شده است که تحقیقات و پژوهش‌های نسبتاً زیادی نیز در مورد آنها صورت گیرد.

همانند سایر رفتارهای مجرمانه، قتل‌های سریالی نیز تا مدت‌های طولانی به عنوان کسب‌وکاری مردانه شناخته می‌شدند و زنان نه به عنوان مرتکب، بلکه به عنوان بزه‌دیدگان این جرم ظاهر می‌شدند. اما امروزه این تصور و تصویر تغییر

۱. آیلین ورنوس (Aileen Wuornos) زن قاتل سریالی آمریکایی که در سال ۲۰۰۲ اعدام شد. فیلم هیولا (Monster) بر مبنای زندگی وی ساخته شده است.

۲. نرخ قتل در ایران حدود دو و نیم فقره به ازای هر یکصد هزار نفر جمعیت، یعنی تقریباً نصف متوسط جهانی است.

3. Serial Murder

4. Multiple Murders

5. Spree Murder

۶. نوع سوم قتل‌های چندگانه نیز جمع‌گشی (Mass Murder) است که مرتکب در یک واقعه، چندین نفر را به قتل می‌رساند. این نوع قتل‌ها، مانند بمب‌گذاری در مترو که منجر به قتل تعداد زیادی از شهروندان گردد، غالباً انگیزه تروریستی دارند.



### **بند اول - علت‌شناسی عمومی**

۱. به‌طور کلی، مرتکبین قتل‌های سریالی از حیث انگیزه ارتکاب قتل به چهار نوع قابل تقسیم هستند: الف) خیال‌اندیش: تحت تأثیر تصورات باطل و توهمات خود مرتکب قتل می‌شوند، مانند دیوید برکوویتز<sup>۷</sup> که فکر می‌کرد به تسخیر شیطانی درآمده که در جسم سگ سیاه همسایه‌اش حلول کرده است. ب) مأموریت‌گرا: برای تحقق هدفی خاص، معمولاً

کرده و مصادیق متعددی از ارتکاب قتل‌های سریالی توسط زنان، مستندسازی شده است. در ایران نیز، ابتدا مهین قدیری در سال ۱۳۸۸ و سپس «کلثوم» در سال جاری، جلوه‌ زنانه قتل‌های سریالی را به نمایش گذاشتند. ذیلاً در دو بند جداگانه، ابتدا برخی از ویژگی‌های عمومی قتل‌های سریالی و سپس بعضی اوصاف اختصاصی قتل‌های سریالی زنانه به اختصار بیان می‌شود:

بزه‌دیدگی در دوران کودکی با بزهکاری در دوران بزرگسالی است. بسیاری از قاتلان سریالی، سابقه بزه‌دیدگی‌های مکرر در سنین آغازین کودکی را دارند. با توجه به اینکه بزه‌دیدگی هر اندازه در سنین پایین‌تری اتفاق افتد و دفعات تکرار آن نیز بیشتر باشد، تأثیر قوی‌تری بر تمایلات مجرمانه در دوران بزرگسالی دارد، ظرفیت جنایی هولناک قاتلان سریالی را به‌خوبی می‌توان به سوابق بزه‌دیدگی آنها در کودکی مرتبط کرد. متأسفانه در مورد نمونه‌های ایرانی نمی‌توان با دقت اظهارنظر کرد، اما قاتلان سریالی در برخی کشورها، همچون ایالات متحده، از این حیث به‌خوبی مورد بررسی قرار گرفته‌اند و تجربه بزه‌دیدگی‌های مکرر و شدید قبلی مانند انواع مختلف کودک‌آزاری جسمی، جنسی، عاطفی و روان‌شناختی در بسیاری از آنها احراز شده است. ۴. در خصوص تأثیر عوامل ژنتیک بر ارتکاب قتل‌های زنجیره‌ای، بحث‌ها و اختلاف‌نظرهای فراوانی وجود دارد. یکی از دلایل این امر آن است که بررسی اوصاف ژنتیک مجرمان سابقه‌اندکی دارد. آغاز توجه رویه قضایی به عوامل ژنتیک مؤثر در ارتکاب جرم را باید به رأی یکی از محاکم تجدیدنظر کشور ایتالیا نسبت داد<sup>۱۱</sup> که بر مبنای گزارش کارشناسی در خصوص اینکه متهم، که مرتکب قتل عمدی شده بود، چهار زن افزایش‌دهنده تمایلات پرخاشگرانه<sup>۱۲</sup> را در دی‌ان‌ای خود دارد، مجازات وی را تخفیف داد و نهایتاً او را به هشت سال حبس محکوم کرد. اگرچه به دلیل تجربه ناخوشایند برنامه‌های تصفیه نژادی در نیمه نخست قرن بیستم<sup>۱۳</sup> از

پاک کردن جامعه از وجود افرادی که آنها را «بد» می‌دانند، مرتکب قتل می‌شوند، مانند سعید حنایی. پ) لذت‌گرا: برای هیجان‌جویی یا کسب لذت جنسی یا منفعت مادی مرتکب قتل می‌شوند، مانند جفری دامر<sup>۸</sup>. ت) قدرت‌طلب/سلطه‌جو: از اعمال قدرت بر قربانیان ناتوان خود مرتکب جرم می‌شوند و این امر آنها را ارضا می‌کند، مانند تِد باندی<sup>۹</sup>.

۲. بیماری و اختلال روانی، یکی از وجوه اشتراک مهم میان قاتلان سریالی، اعم از زن و مرد، است. می‌توان گفت که در بین گروه‌های مختلف بزهکاران، قاتلان سریالی موضوع بیشترین بررسی‌های روان‌شناختی هستند. تحقیقات مختلف، وجود اختلالات روانی متعدد در قاتلان سریالی را نشان داده است که در این میان، باید به‌طور خاص به اختلال شخصیت ضداجتماعی<sup>۱۰</sup> اشاره کرد. برخی ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری ناشی از اختلال شخصیت ضداجتماعی، کمک فراوانی به ارتکاب این نوع قتل می‌کند. به عنوان مثال، توانایی زیاد مبتلایان به این نوع اختلال در زمینه توسل به دروغ‌گویی و فریبکاری، به آنها این امکان را می‌دهد که اعتماد قربانیان خود را جلب کنند؛ و یا فقدان احساس پشیمانی، که از خصوصیات اصلی مبتلایان به اختلال شخصیت ضداجتماعی است، به فرد این امکان را می‌دهد که بعد از ارتکاب قتل نخست، متوقف نشود و همچنان به قربانی ساختن دیگران ادامه دهد.

۳. پرونده شخصیت قاتلان سریالی، از مهم‌ترین مستندات در تأیید فرضیه پیوند میان

8. Jeffrey Dahmer

9. Ted Bundy

10. Antisocial Personality Disorder

11. Forzano et al., 2010

12. MAOA, COMT, SCL6A4 and DRD4

۱۳. بر خلاف باور رایج، آلمان نازی مُبدع برنامه‌های تصفیه نژادی نبود. این گونه برنامه‌ها از اواخر قرن نوزدهم، یعنی چند دهه پیش از روی کار آمدن رایش سوم، در آن سوی اقیانوس و در ایالات متحده اجرا می‌شدند. البته در روش آمریکایی، بر خلاف روش آلمانی که مبتنی بر حذف فیزیکی بود، از تولیدمثل

تصمیم‌گیری اخلاقی است، همانند ترمزی برای قسمت آمیگدال<sup>۱۴</sup> یا بادامه مغز عمل می‌کند که با ترس، خشم و خشونت ارتباط دارد. به این ترتیب، فعالیت اندک قشر حدقه‌ای پیشانی مغز می‌تواند توجیه مناسبی برای خشونت‌ورزی مستمر و لجام‌گسیخته قاتلان سریالی باشد.

## بند دوم- ویژگی‌های قتل‌های سریالی زنانه

۱. برخلاف قتل‌های سریالی ارتكابی توسط مردان، که عمدتاً با انگیزه‌های جنسی ارتكاب می‌یابند، قتل‌های سریالی زنانه

یک سو، و تأکید حقوق‌دانان کیفری بر مفهوم مبهم «مسئولیت اخلاقی» از سوی دیگر، صحبت از مجرم مادرزاد و تمایلات ژنتیک به ارتكاب جرم به‌هیچ‌وجه مورد استقبال نظام‌های عدالت کیفری قرار نگرفته است، اما مستندات قابل اعتنایی در خصوص تراکم ژن‌های افزایش‌دهنده تمایلات پرخاشگرانه در قاتلان سریالی وجود دارد.

۵. یکی دیگر از ویژگی‌های معنادار قاتلان سریالی که اخیراً و در پرتو یافته‌های علوم اعصاب<sup>۱۵</sup> مشخص شده، ضعف در فعالیت «قشر حدقه‌ای پیشانی مغز»<sup>۱۶</sup> آنها است. این قسمت از مغز که مسؤول ارزش‌گذاری و

گزینشی (Selective Breeding) استفاده می‌شد؛ بدین معنا که با ابزارهایی همچون عقیم‌سازی اجباری، از فرزندآوری «افراد نامطلوب» جلوگیری می‌شد.

14. Neuroscience

15. Orbitofrontal Cortex

16. Amygdala



معمولاً انگیزه‌های مالی دارند. زنان مرتکب قتل‌های سریالی معمولاً اشخاصی هستند که با مشکلات مالی مواجه بوده‌اند و کشتن اشخاص ثروتمند را طریق مناسبی برای حل این مشکل خود یافته‌اند. این الگو در مورد مهین قدیری صادق بوده است و اطلاعات اندک منتشرشده در مورد «کلثوم» نشان می‌دهد که ظاهراً این فرضیه در مورد وی نیز مصداق دارد.

۲. بر خلاف مردان مرتکب قتل‌های سریالی که قربانیان خود را معمولاً از بین افراد غریبه انتخاب می‌کنند، زنان قاتل سریالی غالباً اقدام به قتل نزدیکان و خویشاوندان خود می‌کنند. در مورد کلثوم نیز وضعیت همین گونه بوده؛ چنان‌که الگوی قتل‌های سریالی وی، شوهرکشی<sup>۱۷</sup> بوده است. اما مهین قدیری از این الگو تبعیت نکرده و اشخاص غریبه را طعمه خود قرار می‌داده است.

۳. روش مطلوب زنان قاتل سریالی، مسموم کردن بزه‌دیده است. در مقابل، روش رایج‌تر در بین مردان قاتل سریالی، خفه کردن قربانیان است. این تفاوت را می‌توان به کمتر بودن قدرت بدنی زنان، که تسلط جسمانی بر بزه‌دیده را دشوار می‌سازد، نسبت داد. این فرضیه با توجه به این واقعیت که قربانیان زنان قاتل سریالی غالباً افراد دارای ضعف جسمانی مانند سالمندان، بیماران و کودکان هستند، تقویت می‌شود. چنان‌که برخی از معروف‌ترین قاتلان سریالی مؤنث، وظیفه مراقبت و نگهداری از قربانیان خود را بر عهده داشته‌اند. می‌توان گفت که در مورد کلثوم نیز وضعیت به همین ترتیب بوده است. اگرچه وی همسر قربانیان خود بوده، اما در واقع انگیزه اصلی قربانیان از ازدواج با وی این بوده که از آنها، که همگی سالمند بوده‌اند، مراقبت کند.

۴. زنان قاتل سریالی معمولاً متأهل هستند؛ در حالی که مردان قاتل سریالی غالباً مجرد هستند.





## کلام پایانی

مجموعه عوامل خانوادگی، اجتماعی، روانی و زیستی مؤثر بر ارتکاب قتل‌های سریالی، به شرحی که در بالا مورد اشاره قرار گرفت، این سؤال را به طور جدی مطرح می‌کند که قاتلان سریالی تا چه اندازه مسئول رفتارهای ارتكابی خود هستند و رویه کنونی نظام‌های عدالت کیفری که شدیدترین مجازات‌های خود (مانند اعدام و حبس ابد) را برای این گونه مجرمان در نظر می‌گیرند، تا چه اندازه قابل توجیه است؟

این مسأله‌ای فراتر از دعوای قدیمی طرفداران «طبیعت» و «تربیت» به عنوان عوامل مؤثر بر رفتار مجرمانه است. چه طبیعت و عوامل زیستی را مهم‌ترین دلیل بزهکاری بدانیم و چه تربیت و عوامل اکتسابی را، با هر رویکردی، سرزنش‌پذیری اندکی به قاتلان سریالی تعلق می‌گیرد و هدف سزاگرایانه در مجازات آنها با اشکال جدی مواجه می‌شود. البته این نقد، تنها متوجه مجازات این دسته از بزهکاران نیست و فراتر از آن، امروزه در قالب انتقاد علمی<sup>۱۸</sup> به حقوق کیفری، بر مجموعه‌ای از بنیان‌های کلاسیک حقوق کیفری همچون اصل مسئولیت اخلاقی به عنوان مبنای مسئولیت کیفری نیز وارد می‌شود. بعید نیست که در آینده‌ای نه چندان دور، حقوق کیفری ناگزیر از بازنگری در انگاره‌های بنیادین خود در اثر این انتقادات گردد؛ اتفاقی که برای علم روان‌شناسی نیز رخ داد.



# قتل‌های ناموسی و علل و عوامل مؤثر بر آن

زهرا چراغی

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

czahra759@gmail.com



## چکیده

قتل‌های ناموسی، هنجار دیرپایی است که با وجود تحولات عمیق در ابعاد حیات اجتماعی جوامع، همچنان پابرجا مانده است. هدف از تحقیق حاضر، تبیین حقوقی و جرم‌شناختی این پدیده است و تلاش شده به یکی از مسائل مهم و اساسی امروز کشور، پرداخته شود و مسأله‌ی قتل‌های ناموسی با دیدگاه توصیفی و کاربردی مورد کاوش قرار گیرد.

ابتدا سعی شده است، از مفهوم کلی قتل توضیحاتی داده شود؛ سپس به انگیزه‌های ارتکاب آن اشاره شده و در ادامه آمارهایی از قتل‌های ناموسی در ایران و جهان داده شده، سپس به بررسی علل و عوامل این معضل پرداخته شده و ذیل این مبحث بر تأثیر فرهنگ، در گرایش بر ارتکاب قتل‌های ناموسی تأکید شده و در انتها در بخش نتیجه‌گیری، سعی شده با ارائه‌ی راهکارهایی به سمت کاهش این معضل گام برداشته شود.

**واژگان کلیدی:** آداب و رسوم قبیله‌ای، فرهنگ جمعی، قتل عمدی، مردسالاری

## مقدمه

جرائم علیه تمامیت جسمانی از زمره جرائم خشونت‌آمیز می‌باشند. این جرائم علیه جسم و جان، یعنی علیه آنچه که تنها دارایی واقعی انسان و جزئی از وجود اوست، ارتکاب می‌یابند. از این‌رو از قدیم الایام در نظام‌های حقوقی مختلف مجازات‌های سنگینی برای مرتکبان این دسته از جرائم پیش‌بینی شده است. این سخت‌گیری در قانون حمورابی، به عنوان اولین قانون مدون بشر که سابقه‌ای چهارهزارساله دارد و در ادیان الهی و در قوانین حاکم بر نظام‌های متمدن جهان و نیز قوانین امروزی کشورها، مشاهده می‌شود.

بدیهی است که هرگاه صدمات وارده به مرگ قربانی بینجامد، به‌ویژه آنجا که مرتکب به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم چنین نتیجه‌ای را قصد کرده باشد،





فروانی را طی کرده‌اند، در گذشته که جوامع هرچه بیشتر با سنت عجین شده بودند این قبیل قتل‌ها نه تنها عملی شنیع محسوب نمی‌شد، بلکه افتخاری برای قبیله‌ای بود که بتواند ننگ رفتاری را که یکی از زنان یا دختران قبیله انجام داده بود و یا حداقل گمان می‌رفت که انجام داده است، از خود پاک کند و این نتیجه حاصل نمی‌شد مگر با مرگ آن زن یا حداقل طرد ابدی وی از خانواده یا قبیله.

در همین جا لازم به ذکر است با بررسی منابع تاریخی، می‌توان دریافت که قتل‌های ناموسی از دیرباز تنها درخصوص زنان و دختران ارتکاب می‌یافته است، چراکه رفتارهای خلاف

بر شناعة و زشتی عمل افزوده می‌شود و برچسب قاتل بر روی پیشانی مجرم نقش می‌بندد و تنها جرمی است که صدمات ناشی از آن غیرقابل جبران است. حتی در صدمات جسمانی دائمی، قربانی ادامه حیات می‌دهد و چه بسا با دریافت غرامت بتواند زندگی شادتری را در پیش گیرد، لیکن مرگ صدمه‌ای نهایی و غیرقابل جبران است که صدمات ناشی از آن نه تنها بر خود شخص، بلکه بر دوستان و خانواده‌ی وی و حتی بر جامعه شایان توجه می‌باشد.<sup>۱</sup>

قتل‌های ناموسی ازجمله جرایمی هستند که پیشینه‌ای دیرین دارند و فراز و نشیب‌های

---

۱. میرمحمد صادقی، حسین، (۱۴۰۰)، حقوق جزای اختصاصی

عفت مردان، قبیح دانسته نمی‌شد و یا حداقل در ذیل قدرت فیزیکی آن‌ها، توجیه می‌شد و رفتاری منطقی و نه‌چندان زشت قلمداد می‌شد. امروزه نیز اصولاً این قتل‌ها در کشورهای مختلف و به‌خصوص جوامعی که با سنت‌های خود عجین شده‌اند علیه زنان و دختران ارتکاب می‌یابد.

مردی که یک زن را به خاطر شرف می‌کشد، قصد دارد که به‌اصطلاح از جامعه در مقابل عمل غیراخلاقی او حمایت کند و به همین دلیل گروه‌های اجتماعی نیز از این فعل او حمایت به عمل می‌آورند، درنتیجه این احتمال وجود دارد که این وقایع گزارش نشده و درعین حال بر فراوانی آن‌ها افزوده شود و این مسأله، می‌تواند موجبات گسترش خرده‌فرهنگ‌ها را در جامعه فراهم آورد و نظم اجتماعی را برهم زند.

آنچه که در جامعه‌ی آماری پژوهش در ارتباط با این پدیده مهم است، غیرت و شرف اجتماعی است که آن را مقدس‌ترین دارایی مرد و مظهر این شرف را ناموس، یعنی زنان و دختران می‌دانند و با توجه به این که وظیفه‌ی دفاع از آن‌ها بر عهده‌ی مردان می‌باشد، هرگونه تخطی از آن یا تجاوز به شرف و ناموس نیز، اشد مجازات را به دنبال خواهد داشت.

پدیده‌ی قتل‌های ناموسی، مورد بررسی و موضوع تحقیقات بسیاری قرار گرفته است که ما نیز در تحقیق حاضر، از آن‌ها یاری جسته‌ایم. با این حال، هدف از تحقیق حاضر این است که نگاه عمیق‌تری به قوانین، از جمله قانون مجازات اسلامی، قانون مدنی و تأثیر آن‌ها بر این پدیده صورت گیرد تا درنهایت با بررسی جرم‌شناختی و نیز اصلاح قوانین، در جهت کاهش این مسئله گامی برداشته شود.

با استناد به این پژوهش‌ها، مهم‌ترین عوامل اجتماعی مؤثر بر این قتل‌ها عبارت‌اند از: تعلق به جامعه‌ی قبیله‌ای، تعلق به طبقه‌ی اجتماعی پایین، حاکمیت مرد سالاری و توزیع نامناسب قدرت در خانواده، فقر شدید فرهنگی، تعصب شدید به باورهای طایفه‌ای، سنت‌های قومی و ناموس‌پرستی، کانون همسرگزینی و ازدواج‌های اجباری، دخالت و تحریک دیگران به شکل فشار هنجاری، و در نظر گرفتن زنان به مثابه‌ی دارایی مرد و موضوع مبادله.

## قتل و تعریف آن

قتل از نظر لغوی به معنای سلب حیات است، اعم از این که سلب حیات از انسان باشد یا حیوان. همچنین قتل به کشتن غیرقانونی انسان توسط انسانی دیگر گفته می‌شود، اعم از این که به‌صورت طراحی شده (قتل عمد) یا تصادفی (قتل غیر عمد) باشد. قتل عمد، عبارت است از سلب غیرقانونی حیات از فردی با قصد ابتدایی یا تبعی به وسیله‌ی فعلی که بالمباشره یا بالتسبیب علیه شخص موردنظر واقع شده باشد و یا رفتار غیرقانونی، عمدی و آگاهانه‌ی یک انسان، به نحوی که به مرگ انسان دیگر منتهی شود. گودرزی نیز در کتاب خود این تعریف را آورده است و بیان می‌کند که «قتل عمد، خارج کردن نفس و روح انسانی است که به صورت عمد، به وسیله‌ی شخص دیگری هدف عمل جنایتکارانه قرار گرفته است.»

توضیح می‌دهد که میزان جرم متأثر از تأثیر هم‌زمان یادگیری اجتماعی و ساختار اجتماعی است. او این نظریه را ساختار اجتماعی - یادگیری اجتماعی می‌نامد. این نظریه به تأثیر سطوح کلان و محیطی بر یادگیری فردی توجه می‌کند. فرض اساسی این نظریه، این است که عوامل ساختار اجتماعی، بر انجام رفتارهای فردی تأثیری غیرمستقیم دارند. آن‌ها بر متغیرهای یادگیری اجتماعی اثر می‌گذارند و این متغیرها نیز بر رفتار فردی اثر دارند. به عبارت دیگر متغیرهای ساختاری از طریق تأثیرگذاری بر فرایندی که طی آن رفتار یاد گرفته می‌شود، سبب ایجاد نوسان در جرم و جنایت می‌شوند.

جایگاه و موقعیت افراد در ساختار اجتماعی و ویژگی‌های جمعیتی متفاوتی نظیر سن، جنسیت، نژاد، وضعیت خانواده و محل اقامت به منزله‌ی متغیرهای ساختاری بر یادگیری رفتارهای مجرمانه و انحرافی تأثیر می‌گذارند.

### علل و عوامل مؤثر بر وقوع قتل‌های ناموسی

می‌توان گفت که بیش‌ترین قتل‌ها در ارتباط با مسائل ناموسی و جنسی است که در ایران سی‌درصد قتل‌ها را شامل می‌شود. عمده‌ترین دلیل این گونه قتل‌ها که اغلب از سوی مردان علیه زنان خویشاوند (همسران، دختران، مادران و خواهران) اتفاق می‌افتد، وجود یا شک بر وجود رابطه‌های غیرمجاز با مرد بیگانه است. سازمان دیده‌بان حقوق بشر در فلسطین اعلام کرد:

«نگرش زنان و مردان در مورد قتل‌های ناموسی مشابه نیست.»

پاسخ‌گویان زن معتقدند، نباید فردی را که مرتکب روابط جنسی نامشروع شده است به قتل رساند، بلکه باید به وی کمک کرد. اما مردان به این دلیل که فکر می‌کنند مرگ می‌تواند لکه‌ی ننگ را پاک کند، با کشتن فرد خطاکار موافق هستند.

از تعاریف گوناگونی که از سوی حقوق‌دانان و فقها برای قتل بیان شده است، چنین می‌توان استنباط کرد که قتل، خارج کردن روح از بدن یک انسان توسط انسانی دیگر است. در این تعریف، قتل ماهیت واحدی دارد و آن خارج کردن روح از بدن است؛ بنابراین تقسیم قتل به عمد، شبه عمد و خطا، به اعتبار امور خارجی و ویژگی‌های آن است.

درخصوص اصطلاح قتل ناموسی، هنوز تعریفی رسمی در ایران یا از سوی سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی فعال در زمینه‌ی حقوق بشر یا خشونت علیه زنان مطرح نشده، اما آنچه معلوم است این است که این نوع جرم، یکی از اشکال جرایم ناموسی علیه زنان است و درواقع مهم‌ترین مصداق و نوعی خاص از این مجموعه است که با وجود فعالیت‌های گسترده‌ی مدافعان حقوق زنان در سراسر جهان، همچنان در بسیاری از کشورها و از جمله نقاط مختلف ایران دیده می‌شود. یاسمین حسن، روزنامه‌نگار پاکستانی، قتل ناموسی را این چنین تعریف کرده است:

«عمل آدم‌کشانه‌ای که در آن، زن را به خاطر رفتار غیراخلاقی که مرتکب شده یا گمان می‌رود که از او سرزده‌است، به قتل برسانند.»

### مبانی نظری قتل‌های ناموسی

از منظر جامعه‌شناختی، پدیده‌ی قتل‌های ناموسی به دست‌کنش‌گران اجتماعی ایفاکننده‌ی نقش اجتماعی در سطوح خرد صورت می‌گیرد. از این‌رو به کارگیری نظریه‌ای که بتواند هم‌زمان نقش تأثیر عوامل فردی و ساختاری را یک‌جا ارزیابی کند، ضروری به نظر می‌رسد. به همین دلیل نظریه‌ی ساختار اجتماعی ایکرز برای تبیین قتل‌های ناموسی، مناسب تشخیص داده شده است.

ایکرز در کتاب «ساختار اجتماعی و یادگیری اجتماعی» در بسط نظریه‌ی یادگیری اجتماعی



فرهنگی و ازدواج‌های نامناسب، در شکل‌گیری تعصب ناموسی و به‌دنبال آن وقوع قتل ناموسی مؤثرند.<sup>۲</sup>

از علل این پدیده در ایران، مشکلات موجود در متون قانونی در زمینه‌ی قتل‌های ناموسی و موارد متعدد در خصوص مردسالاری و اختیار بی‌حد و مرز به مردان است. از جمله ماده‌ی ۱۱۰۵ قانون مدنی که بیان می‌دارد:

«در روابط زوجین ریاست از خصایص شوهر است.»

هم‌چنین ماده‌ی ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی که بیان می‌کند:

«قصاص در صورتی ثابت می‌شود که مرتکب، پدر یا ازاجداد پدری مجنی‌علیه نباشد و مجنی‌علیه عاقل و در دین با مرتکب مساوی باشد.»

مطالعات مختلف حاکی از آن است که قتل‌های ناموسی، میراث فرهنگ گذشته است که قوانین کنونی را نیز تحت تأثیر قرار داده‌است. یک گزارش در خصوص قتل‌های ناموسی در کشورهای پاکستان، فلسطین و اردن نشان داد که این نوع قتل‌ها از حاکمیت سنت‌های قبیله‌ای مردسالارانه نشأت می‌گیرند.

هم‌چنین درخصوص این که چرا یک فرد، انسانی را می‌کشد، نظرهای گوناگونی از سوی دانشمندان ابراز شده‌است؛ به‌طور مثال، برخی از اخلاقیون و زیست‌شناسان وجود یک کروموزوم اضافی را در فرد، موجب بروز خشونت زیاد می‌دانند و از نظر عده‌ای از روان‌شناسان، تعارض بین «نهاد» و «فرامن» و از نگاه برخی از جامعه‌شناسان، ناکامی و خشونت عامل قتل است.

حجاریان در پژوهشی نشان داد که عواملی چون: اجتماع سنتی، نظام مردسالاری، فقر

هم‌چنین در ماده‌ی ۲۲۰ قانون سابق آمده بود که:

“

«پدر یا جد پدری که فرزند خود را بکشد، قصاص نمی‌شود و فقط به پرداخت دیه‌ی قتل به ورثه‌ی مقتول و تعزیر محکوم خواهد شد.»

”

در طی سال‌ها اجرای این قوانین دیده شده است که پدری به دلیل داشتن سوءظن نسبت به دختر نوجوان خود، او را به قتل رسانده و پس از این عمل هولناک، با کمک افراد طایفه یا عشیره‌ی خود دیه را فراهم کرده و در نهایت با چند سال حبس نه‌چندان طولانی، تعزیر شده است. وجود این قانون در مناطق روستایی کشور می‌تواند تحریک‌کننده و خطرناک باشد. یکی دیگر از موارد بحث‌برانگیز قانون مجازات اسلامی ماده‌ی ۶۳۰ تعزیرات است که در آن آمده است:

“

«هرگاه مردی همسر خود را در حال زنا با اجنبی مشاهده کند و علم به تمکین زن داشته باشد می‌تواند در همان حال آنان را به قتل برساند.»

”

نکته تعجب‌برانگیز این ماده این است که در جامعه‌ای متمدن که سیستم دادگستری نوین آن یک قرن سابقه دارد، فردی می‌تواند در حالت هیجانی، عصبی و خطرناک، هم قاضی باشد و حکم قضیه را صادر کند و هم حکم خود را در همان زمان اجرا نماید.

### انگیزه‌ی ارتکاب قتل و نحوه‌ی شناخت آن

شناخت انگیزه‌ی اقدام به جرم، در نتیجه‌ی بررسی چگونگی وقوع جرم، اظهارات مطلع‌ها، شخصیت متهم و قربانی او و نیز بررسی نوع جرم ارتكابی حاصل می‌شود و با شناخت انگیزه، راه کشف جرم و پیدا کردن نحوه‌ی ارتباط متهم با واقعه و قربانی هموار می‌شود. نخستین بار پیروان مکتب تحقیقی، توجه دیگران را به این نکته جلب کردند که انگیزه، یکی از عواملی است که پرده از

روی حالت خطرناک برمی‌دارد. بر اساس نظرات «لیت جیمز» که یک روان‌شناس جنایی است، هیچ‌کس بی‌دلیل کاری را انجام نمی‌دهد؛ بلکه حتی انگیزه‌هایی که پشت اعمال یک فرد دیوانه قرار دارند، منطق او را تشکیل می‌دهند و کارهای یک قاتل روانی هم بدون منطق و دلیل نیست. او در دیوانگی خود روشی دارد و هرچند ممکن است عمل وی وحشیانه و کاملاً بی‌دلیل به نظر برسد، اما آن‌چه در پشت پرده انجام می‌دهد و چگونگی انجام آن کار، حامل یک منطق قابل توجه از نظر خودش است.

هرچند قتل از نظر قضایی به هر انگیزه‌ای صورت گرفته باشد، قتل است ولی شناخت انگیزه‌های ارتکاب آن و هم‌چنین توجه به آن، محقق را به شناسایی قاتل نزدیک می‌کند و با این کار، او درمی‌یابد که به دنبال چه کسی بگردد؛ بنابراین می‌توان ادعا کرد که یکی از پراهمیت‌ترین جنبه‌های تحقیقات در پرونده‌های قتل، تعیین علت و انگیزه‌ی قتل است. کارآگاه کشف قتل می‌تواند با شناسایی انگیزه‌ی ارتکاب قتل، مسیر تحقیقاتی خود را مشخص و از میان راه‌های مختلف، کانال تحقیقاتی خود را انتخاب کند. این امر او را در کشف سریع‌تر جنایت یاری می‌دهد. هرچند شناخت انگیزه‌ی قتل به‌تنهایی نمی‌تواند علت تام کشف قتل باشد اما در هر قتلی احتمالاتی وجود دارد که باید مدنظر مأموران تحقیق قرار گیرد. مأموران برای شناخت انگیزه‌ها باید به دو طریق اقدام و با تجزیه و تحلیل اطلاعات به‌دست‌آمده فرضیه‌های خود را تبیین نمایند؛ اول این‌که صحنه‌ی قتل و چگونگی کشته شدن مقتول را با توجه به محیط پیرامون جسد بررسی کنند و دوم این‌که با توجه به تحقیقات و مصاحبه‌هایی که با همراهان مقتول، گواه‌ها و مطالعات صورت می‌گیرد و با جمع‌بندی آنچه که از صحنه به دست می‌آید، فرضیه‌های خود را



درباره‌ی انگیزه‌ی قتل حدس بزنند. حدس  
و تعیین انگیزه‌های قتل، به مثابه‌ی آن است  
که مأموران از بین راه‌های متعددی که برای پیگیری  
پرونده در پیش رو دارند، یکی دو راه را انتخاب و آن‌ها را با  
دقت و ظرافت بیشتری بررسی کنند و بدین طریق سریع‌تر می‌توانند  
به نتیجه دست یابند. اگر مأموران نتوانند انگیزه‌های قتل را حدس  
بزنند، باید تمام راه‌های احتمالی را یکی یکی از اول تا آخر طی نمایند و بعد  
از عدم حصول نتیجه از یک راه، راه بعدی را انتخاب کنند. این روش، امکانات  
و وقت زیادی را می‌طلبد که هم دسترسی به آن امکان‌پذیر نیست و هم گذشت  
زمان، به کم شدن حساسیت قتل در نزد مأموران و عدم جدی بودن آنان در پیگیری  
موضوع منجر می‌شود.

رقمی بیش از پنج هزار نفر است. اما آمارهای غیررسمی که هر ساله توسط دیگر نهادهای بین‌المللی اعلام می‌شود، این رقم را بسیار بالاتر از رقم مذکور نشان می‌دهد.

با این حال، این پدیده در بعضی مناطق، بیشتر به وقوع می‌پیوندد. به عنوان مثال، تعداد کشته‌شدگان در قاره‌ی آسیا، بسیار بیشتر از دیگر قاره‌هاست و منطقه‌ی خاورمیانه و جنوب آسیا، یکی از مکان‌هایی است که سالیانه شمار زیادی از زنان و دختران آن، به دلیل تعصبات ناموسی کشته می‌شوند، همین‌طور در کشور پاکستان، هر ساله نزدیک به هزار زن، به همین دلیل به قتل می‌رسند.

در خصوص پراکندگی مکانی این پدیده در ایران، می‌توان گفت که این پدیده در همه‌ی مناطق کشور اتفاق می‌افتد و نمی‌توان آن را به یک منطقه یا استان خاص منحصر دانست، اما شدت آن در بعضی از استان‌ها قابل توجه است. به طور کلی استان‌هایی مانند خوزستان، کردستان، کرمانشاه، ایلام، لرستان، سیستان و بلوچستان، آذربایجان شرقی و اردبیل را می‌توان از جمله مناطقی دانست که بیش‌ترین تعداد قتل‌های ناموسی در آن‌ها به وقوع می‌پیوندد. استان خوزستان، شاید مهم‌ترین استانی است که در آن، ارتکاب قتل‌های ناموسی به معضلی بزرگ تبدیل شده است. در خصوص وضعیت این استان، به خصوص در میان عشایر ساکن در آن، می‌توان به این اظهارنظر بسنده کرد: منفورترین جرایم در نزد عشایر خوزستان، جرایمی مانند زنا یا روابط جنسی دیگر است؛ به طوری که عامل یا عوامل آن را مستوجب شدیدترین مجازات می‌دانند و در اغلب مواقع خود اولیاء، اقدام به مجازات آن‌ها می‌کنند و به‌ویژه در مورد دختران و زنان، این واکنش به نابودی و قتل آنان منجر می‌شود.

به طور کلی در میان انواع قتل، قتل‌های مرتبط با مسائل جنسی و ناموسی تقریبی بیش‌ترین

بدین ترتیب و براساس مطالعات انجام شده، از انواع انگیزه‌های قتل می‌توان به مواردی چون: سرقت، انتقام، حسادت، مشکلات روحی و روانی، اختلاف مالی، انگیزه‌ی جنسی، جنون آنی، ترس، انگیزه‌ی ناموسی و... اشاره کرد.

### قتل‌های ناموسی، معضلی در ایران و جهان

در خصوص قتل‌های ناموسی، نکته‌ی جالب توجه و شایان ذکر این است که این پدیده، به هیچ روی منحصر به یک منطقه، جامعه یا کشور خاص نیست، بلکه مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهد که پدیده‌ی ارتکاب قتل به دلیل حفظ ناموس، تقریباً در همه‌ی کشورهای جهان وجود دارد و سالیانه تعداد زیادی از زنان یا دختران، به دلیل مسائل ناموسی و شرافتی، به دست نزدیک‌ترین خویشاوندان خود به قتل می‌رسند. هم‌چنین این پدیده، مختص یک دین و مذهب یا آیین خاص نیست، بلکه با مطالعه‌های سطحی در میان کشورهای مختلف دنیا، می‌توان به این نتیجه رسید که در میان پیروان ادیان مختلف، اعم از الهی و غیرالهی به وقوع می‌پیوندد.

نکته‌ی دیگری که باید به آن اشاره کرد این است که قتل ناموسی، به عنوان یک سنت و رویه‌ی تاریخی، در بسیاری از قوانین جزایی کشورهای دنیا مورد تصریح قرار گرفته و در این قوانین یا به صراحت به مرد اجازه داده شده است که به دلیل حفظ -به اصطلاح- ناموس خود، زن را به قتل برساند یا به صورت ضمنی و با قائل شدن تخفیفات فراوان در مجازات مرتکبان، به‌نوعی آن را تأیید کرده و پذیرفته اند. برای نمونه می‌توان به کشورهایی چون: برزیل، آرژانتین، اکوادور، مصر، گواتمالا، پرو، اسرائیل، اردن، سوریه، ونزوئلا و فلسطین اشاره کرد.

بر اساس آمارهایی که صندوق جمعیت سازمان ملل متحد هر چند سال یکبار منتشر می‌کند، آمار رسمی زنانی که به خاطر مسائل ناموسی به دست نزدیکان‌شان کشته شده اند،

بزرگ، قبیله یا کلان هستند و هر عملی، چه خوب و چه زشت از اعضای آن سر بزند، بر سایر اعضای خانواده، فامیل و خویشاوندان نیز تأثیر می‌گذارد.<sup>۴</sup>

عدم تطابق فرهنگی در جوامع سنتی، نتیجه‌ی تعاملات طبیعی بشر برای حفظ عادات قدیمی و به اصطلاح حس محافظه‌کاری است. آداب و رسوم قدیمی، به طور کلی راهی ثابت و مشخص را پیش پای افراد می‌گذارند که پیمودن آن احساس آرامش و اطمینان را در فرد ایجاد می‌کند. جامعه‌ی سنتی که بیش‌تر متشکل از خانواده‌هاست تا افراد و اعضای خانواده، به جامعه‌ای اطلاق می‌شود که مردم آن از خون، خاک و فرهنگ مشترک برخوردارند، افرادش بسیار شبیه به هم هستند، فرد بودن در این جامعه وجود ندارد و فرد در آن همواره به عنوان سلولی وابسته به کل جامعه در نظر گرفته شده است و کل اجتماع یک کالبد فرض می‌شود. در این جوامع، همبستگی قوی و محکمی در میان خویشاوندان وجود دارد و هم‌چنان‌که دیگران در مقابل فرد مسئول هستند، وی نیز در برابر اقوام و خویشاوندان خود مسئول است؛ زیرا در این جوامع، تمایل به حفظ پیوندهای خونی به شکل‌گیری کلان خانواده‌های مشترک منجر می‌شود. با توجه به ساختار طایفه، احترام ریش‌سفیدی و ارزش اجتماعی سالمندان، طایفه از هم‌بستگی درونی بالایی برخوردار است که این امر، سبب کاهش توسعه‌ی اعتماد افقی و تقویت اعتماد عمودی می‌شود. پاکدامنی و شرم و حیای زنان، از عوامل اصلی شرافت و سربلندی خانواده محسوب می‌شود و بر موقعیت و وضعیت خانواده بسیار تأثیر می‌گذارد؛ در نتیجه آبروی خانواده، از طریق اعمال کنترل و نظارت بر زنان حفظ می‌شود.

آمار را به خود اختصاص داده و در کل کشور سی درصد قتل‌ها را شامل می‌شود. البته ارتکاب قتل‌های ناموسی در ایران به دلایل گوناگون، بسیار فراتر از آمارهای ذکر شده است. در اغلب موارد به دلیل اینکه بیش‌تر اعضای خانواده به نوعی بر انجام قتل توافق کرده‌اند، بعد از ارتکاب آن توسط یک یا چند نفر از اعضاء، جسد را در مکانی نامعلوم دفن می‌کنند و از آنجا که کسی مفقود شدن مقتول را به نیروی انتظامی یا دستگاه‌های قضایی، اطلاع نمی‌دهد یا شکایتی در این زمینه تنظیم نمی‌شود، در نتیجه مسأله به‌زودی فراموش می‌گردد و هیچ اقدامی نیز در ارتباط با کشف آن صورت نمی‌گیرد.

### عوامل اجتماعی و فرهنگی تأثیرگذار بر وقوع قتل‌های ناموسی

ایجاد حس شرمساری در بزه‌کار از طریق بی‌آبرو کردن و سلب حیثیت عمومی و اجتماعی وی، به از بین بردن و گسستن ارتباطات اخلاقی و معنوی میان بزه‌کار و جامعه منجر می‌شود. برایت ویت معتقد است که این روش، کنترل بیش‌تر بر جرم را در پی دارد و بزه‌کار را وادار می‌کند تا بار دیگر تلاش نماید به عنوان شهروند، مطیع قانون شود. مردم، بیش‌تر از بی‌آبرو شدن و شرمساری در جامعه می‌ترسند تا از مجازات رسمی. از دست دادن موقعیت، احترام و پیوند با جامعه، بسیار با اهمیت و قابل توجه است، در حالی که تحمل مجازات رسمی ممکن است به چنین نتایجی منجر نشود.<sup>۳</sup>

در یک جامعه‌ی سنتی، شرف و پاکدامنی زن، تنها به خودش تعلق ندارد؛ بلکه آن را سرمایه‌ی مشترک و همگانی اعضای خانواده، فامیل و قبیله می‌دانند. در این جامعه، فرد به رسمیت شناخته نمی‌شود، بلکه همه عضو خانواده‌ای

۳. (غلامی، ۱۳۸۵: ۱۰۵)

۴. (گلدشتاین، ۲۰۰۲: ۱۳)



تحقیقات نشان می‌دهد که بیشتر قتل‌های ناموسی در جوامع مردسالار اتفاق می‌افتد. مردسالار بودن یک جامعه و گرایش‌های مردسالارانه در آن، زمینه‌ی بروز بیش‌تر چنین قتل‌هایی را در فرهنگ عشیره‌ای تقویت می‌کند. در جامعه‌ی عشایری، نظارت اجتماعی امری یک‌طرفه و مردانه است و اغلب از سوی مردان اعمال می‌گردد و هیچ‌وقت دیده نمی‌شود که زنان بر رفتار و تصمیمات مردان تأثیر داشته باشند؛ بلکه وظیفه‌ی اصلی آنان،

رساندن خدمات اجتماعی به مردان است؛ از این رو نظارت اعمال شده از سوی جامعه عشایری، به خاطر ساختار سیاسی جامعه و قدرت مردان، تک‌نظارتی است و به آن نظارت مردانه می‌گویند. در چنین شرایطی، زنان حق اظهار نظر، توبیخ کردن، شماتت و کتک‌کاری آن‌ها را ندارند.<sup>۵</sup>

عصبیت به پیوند و وابستگی بین افراد یک گروه اجتماعی یا قبیله گفته می‌شود و از راه پیوندهای نسبی و وابستگی قبایل به یکدیگر

بسیار کم‌رنگ و محدود شده است. در چنین جوامعی برای لکه‌دار شدن حیثیت خانواده باید رفتارهای شدیدتر و واضح‌تری مانند رابطه‌ی جنسی صورت گرفته باشد، اما به طور کلی چنین معیارهایی تا حدی در همه‌ی جوامع وجود دارد.

در نقاط مختلف ایران هم، این گوناگونی به چشم می‌خورد و جامعه‌ی ایرانی را می‌توان جزو جوامعی به حساب آورد که هنوز تا حد زیادی به ارزش‌ها و سنن و آداب و رسوم گذشته وابسته است و در بیشتر مناطق، افراد حاضرند برای حفاظت از آن‌ها به اقدامات بسیاری از جمله ارتکاب قتل دست بزنند. در ایران هنوز به ارتباط دختر یا زن با جنس مخالف، با دید منفی نگریسته می‌شود. پژوهش‌های انجام گرفته در خصوص نحوه‌ی نگرش نسبت به روابط دختر و پسر، نشان می‌دهد که در جامعه‌ی ما هنوز مردم به دخترانی که دوست‌پسر یا پسرانی که دوست‌دختر دارند، به دید بدگمانی، شک و بی‌اعتمادی می‌نگرند. البته شدت این بدگمانی، بی‌تردید بسته به علل و عواملی مانند فرهنگ‌سازی توسط رسانه‌ها، سطح سواد افراد و میزان اعتقادات مذهبی آن‌ها، کم و زیاد می‌شود؛ اما باید گفت که در هیچ جای ایران هنوز مردم نسبت به این مسأله به سطح بی‌تفاوتی نرسیده‌اند و بسته به سطح فرهنگی خود، درمقابل آن عکس‌العمل نشان می‌دهند. در واقع می‌توان گفت که در جامعه‌ی ایرانی اگرچه اموری مانند صحبت کردن زنان و دختران یا خندیدن یا ارتباط تلفنی آنان با افراد غریبه، ناپسند و غیرقابل قبول است اما عکس‌العمل درمقابل آن مانند گذشته شدید نیست. به عبارت دیگر، مفهوم گسترده‌ی ناموس دچار استثنائاتی شده و بعضی مصادیق از دامنه‌ی آن خارج شده است؛ به نحوی که دیگر کشتن یک زن به صرف صحبت کردن با غریبه‌ها پذیرفتنی نیست.

یا مفهومی مشابه آن، حاصل می‌گردد. پیوند خویشاوندی، جز در مواردی اندک، در بشر امری طبیعی است و هم‌پیمانی، دوستی و هم‌سوگندی، باعث تعمیق عصبیت قبیله‌ای می‌شود. کارکرد عصبیت، دستیابی به قدرت است؛ زیرا ریاست، جز به وسیله‌ی قدرت و غلبه بر دیگران به دست نمی‌آید.

آداب و رسوم، عقاید و الگوهای فرهنگی در اغلب جوامع (البته با شدت و ضعف) حاکم هستند و رفتارهای متعصبانه، به عنوان هنجارهای قابل قبول در جامعه، نمود می‌یابند. جامعه‌ی سنتی که بیشتر متشکل از خانواده‌هاست تا افراد و اعضای خانواده، به جامعه‌ای اطلاق می‌شود که مردم آن از خون، خاک و فرهنگ مشترک برخوردارند، سنت به مجموعه‌ی آداب و رسوم گذشتگان گفته می‌شود که به تعبیری، انباشت خرد جمعی و محور حرکت‌های اجتماعی آنان بوده است. مقوله‌های نو، براساس منطق سنت و آداب و رسوم ارزیابی می‌شوند. از نظر اجتماعی، جامعه‌ی سنتی، جامعه محور است و فرد نقش چندانی در آن ندارد. علاوه بر این، خویشاوندسالاری، بخش عمده‌ای از آزادی‌های افراد را از آن‌ها سلب می‌کند. به این ترتیب دایره‌ی دید حقوق طبیعی افراد توسط عوامل درونی تنگ‌تر می‌شود و روابط اجتماعی، حالت غیرانتفاعی و شخصی پیدا می‌کند. وابستگی‌های محیطی و سرزمینی باعث می‌شود که دایره‌ی دید در این سیستم بسیار کوتاه شود و ویژگی‌های خاکی، خونی و خویشاوندی ارزش تلقی شوند. تخطی از ارزش‌ها و هنجارها، واکنش تمام اعضای گروه را به دنبال دارد و در نتیجه، خشونت‌هایی افراطی در حمایت از شرافت و ناموس خود و خانواده، نه تنها غیرطبیعی معرفی نمی‌گردند، بلکه مشروع و قابل ستایش و تقدیر نشان داده می‌شوند. در جوامع غربی به طور معمول دامنه‌ی این فرمان‌برداری و مطیع بودن

## تعدیل و اصلاح فرهنگ حاکم بر جامعه

بسیار دور از واقعیت است اگر تصور کنیم که با یک سری اقدامات فرهنگی موقت و محدود، می‌توان به سرعت خشونت‌هایی ناشی از مسائل ناموسی و به تبع آن، قتل‌های ناموسی را از بین برد. جرایم ناشی از تعصبات ناموسی، در طول زمان و در طی قرن‌های متمادی شکل گرفته‌اند و یک رویه‌ی فرهنگی ثابت، استوار و بسیار کهنه محسوب می‌شوند. اگرچه اقداماتی در سراسر جهان برای ریشه‌کن کردن این گونه جرایم انجام گرفته است اما همچنان به کرات اتفاق می‌افتند. برنامه‌ها، برای جلوگیری از جرایم مذکور موفق نخواهند بود، مگر این که ساختار قدرت نابرابر بین زنان و مردان در جامعه به چالش کشیده شود. از آن جا که در جوامع مردسالار، بستر بروز قتل‌های ناموسی فراهم است، پس در ارائه‌ی راه‌حل‌ها باید این پیش‌فرض در نظر گرفته شود. مردسالار بودن یک جامعه و گرایش‌های مردسالارانه در آن، زمینه و بستر را برای بروز جرایمی مانند قتل ناموسی فراهم می‌کند. هر اجتماعی به منظور پیشگیری از جرم، موظف است با کمک تمام نظام‌ها و تشکیلات خود، شخصیت‌ها را بسازد و موقعیت‌های جرم‌زا را از بین ببرد. در نظام و تشکیلات کیفری، به‌طور قطع دو هدف مذکور باید به طور موازی پی گرفته شود و توجه به یکی از آن‌ها و فراموشی دیگری، کاری ناقص است و اجتماع را به هدف خود (که در این جا از بین بردن قتل‌های ناموسی در جامعه است) نخواهد رساند. اگر هدف اول، یعنی ساختن شخصیت‌ها به‌طور کامل محقق نشود که حتمی چنین خواهد بود، اجتماع وظیفه دارد که هیچ یک از افراد را به ارتکاب جرم تحریک نکند و هیچ موقعیت و زمینه‌ای در آن وجود نداشته باشد که ارتکاب جرم را به افراد تحمیل نماید یا آنان را بر انجام آن، ناچار و مضطر سازد و حتی اگر در برخی اشخاص گرایش‌های مجرمانه وجود داشته باشد، زمینه‌ی بروز و ظهور برای چنین گرایش‌هایی فراهم نشود.

## راهکارها و پیشنهادها

همان‌طور که بیان شد قتل یک پدیده‌ی نامناسب اجتماعی است که آثار منفی اجتماعی و فرهنگی، بر روی جامعه و امنیت دارد. بروز چنین حادثه‌ای از یک طرف باعث گسترش بی‌اعتمادی مردم نسبت به یکدیگر و نسبت به پلیس، دادگاه و قانون می‌شود و چرخ توسعه و امنیت را با کندی روبه‌رو می‌کند و از طرف دیگر، به تضعیف سرمایه‌های اجتماعی و عدم موفقیت در برنامه‌های دولتی و آموزشی منجر می‌شود.

قتل‌های ناموسی از جمله پدیده‌هایی است که اکثر استان‌های کوچ‌نشین و سنتی درگیر آن هستند، چراکه حمایت از زنان در این جوامع برعهده مردان است و همین مسأله باعث شکل‌گیری حساسیت نسبت به مسأله‌ی ناموس می‌شود و زنان را هرچه بیشتر تحت سیطره‌ی همه جانبه‌ی مردان قرار می‌دهد. به طور کلی دو دسته، عامل ضعف‌ها و خلأهای قانونی و همچنین هنجارها و ارزش‌های زن‌ستیز در جامعه، در قتل‌های ناموسی، بیش‌ترین تأثیر را دارند. در ارتباط با عامل اول می‌توان به قوانین مرتبط به ولایت پدر بر فرزند و ریاست شوهر بر خانواده، اشاره نمود. در ارتباط با عامل دوم می‌توان به آداب و رسوم و سنت‌های قومی، قبیله‌ای و عشایری اشاره کرد که همیشه مؤید ارزش‌ها و هنجارهای مردانه و زن‌ستیز بوده و همیشه گناه را برگردن زنان می‌اندازد. در این نوع فرهنگ مردان هرکاری را که بخواهند انجام می‌دهند و کسی تعرضی به آن‌ها نمی‌کند، اما زن لازم نیست کاری که باعث آبروریزی مردان می‌شود را انجام دهد، فقط همین که مورد ظن و گمان واقع شود مستحق اشد مجازات و مرگ قرار می‌گیرد، به همین دلیل بسیاری از قاتلین ناموسی به دلیل فشارهای وارده توسط افراد قبیله و نکوهش‌های آنان مرتکب قتل‌



قبیل فرهنگ جامعه، تعصبات قومی، باورها و خرافات و همچنین نهاد خانواده تأثیر زیادی بر وقوع این‌گونه از قتل دارند. همچنین ویژگی‌های شخصی از قبیل خودبرتربینی یا شکاکیت می‌توانند به وقوع این جرم دامن بزنند. این جرم بیش‌تر در پستر جوامعی که به ارزش‌های طایفه‌ای و قبیله‌ای قائل هستند، اتفاق می‌افتد و اجتماع، نگرش آن و آنچه ارزش تلقی می‌شود بر وقوع این پدیده تأثیر به‌سزایی می‌گذارند. در سال‌های اخیر، به دلیل گسترش ارتباطات و اطلاعات، ارزش‌ها

می‌شوند که حتی ممکن است خودشان هم قصد به قتل رساندن نوامیس خود را نداشته باشند یا مقوله را مستحق مرگ ندانند، ولی تحت فشارهای جامعه‌ی سنتی و برای رهایی از برچسب بی‌غیرتی و نامردی مجبور به ارتکاب قتل می‌شوند. همین‌طور تعدادی نیز در راستای انجام تکلیف شرعی و دینی خود، دست به این کار می‌زنند و لذا معتقدند دین اسلام عمل ارتكابی را تأیید می‌کند.

در بررسی عوامل مؤثر و مربوط به قتل‌های ناموسی، درمی‌یابیم که عوامل مختلفی از

از آنجا که برگزاری جلسات صلح و سازش محلی، در بسیاری از موارد مستلزم دادن فرصت لازم از سوی مراجع انتظامی و قضایی است، لذا باید با هماهنگی مراجع ذیصلاح قضایی، فرصت کافی در اختیار آنان قرار داده شود و در صورتی که سران طوایف، آزادی فرد بازداشت‌شده را درخواست کنند، با اخذ وثیقه‌ی کافی، با درخواست آنان موافقت شود. به محض شروع درگیری‌های طایفه‌ای، به ویژه درگیری‌هایی که به خاطر مسائل ناموسی رخ می‌دهد، در اسرع وقت نسبت به اعزام و استقرار عوامل انتظامی، به تعداد کافی در محل درگیری‌ها و به منظور مهار آن‌ها و جلوگیری از خسارات احتمالی، اقدام شود و هم‌زمان مذاکراتی جدی با سران و افراد متنفذ طایفه‌ها تا حصول نتیجه، صورت گیرد.

### نتیجه‌گیری

در جمع‌بندی نهایی باید گفت که با وجود تمام تمهیدات قانونی و جزایی، در برخی از کشورها کشتن زنان اگرچه پدیده‌ای نادر است، نامتعارف نیست و حتی ممکن است به افزایش جایگاه اجتماعی مرتکبان این قتل‌ها منجر شود. این اقدام از نظر مردمی که این قتل‌ها را انجام می‌دهند مجرمانه و غیراخلاقی محسوب نمی‌شود بلکه اقدامی مشروع به منظور پاسداری از شرف و ناموس تلقی می‌شود. از این رو، به نظر می‌رسد این نوع قتل‌ها در فرهنگ جامعه و یادگیری این رفتار در خلال تعاملات اجتماعی با دیگران ریشه داشته باشد؛ بنابراین به کارگیری صرف سازوکارهای قانونی و جزایی به منظور متوقف کردن قتل‌های ناموسی یا کاهش دادن احتمال وقوع آن کفایت نمی‌کند.

به منظور کنترل این پدیده، ایجاد تغییرات اساسی در ساختار اجتماعی و فرهنگی جامعه و بازتعریف پدیده‌ی قتل‌های ناموسی را، راه‌حل این رفتار خشن، غیرانسانی و غیرشرعی می‌دانند.

در جامعه‌ی ایرانی تا حدودی تعدیل شده‌اند و کمتر پیش می‌آید که زنی به صرف صحبت کردن با نامحرم به قتل برسد. پس می‌توان امید داشت که با اصلاح ساختار قدرت و برابری یافتن زنان و مردان، و همچنین قبیح دانستن قتل ناموسی و نه ارزش دانستن آن، از آمار این نوع قتل‌ها کاسته شود.

در راستای نیل به هدف کاهش یا از بین رفتن قتل‌های ناموسی پیشنهادهای را می‌توان مطرح نمود. سازمان‌دهی جامعه در ساختارهای جدید و مدرن و فاصله گرفتن از جمع‌گرایی افراطی طایفه را می‌توان راه‌حل کارآمدی دانست. شکستن طایفه و خانواده‌گرایی مفرط و ترویج فردگرایی، اولین گام در کاهش عوارض و آسیب‌های نامطلوب طایفه‌گرایی، مانند قتل است. همچنین اجرای برنامه‌های آموزشی، به منظور افزایش سطح آگاهی مردم و ایجاد انگیزه در آن‌ها برای پیگیری حقوق خود از طریق مراجع قانونی و پرهیز از اقدامات خودسرانه و خارج از ضوابط، تا حدود زیادی می‌تواند از بروز نزاع‌های طایفه‌ای پیشگیری کند.

با توجه به فراوانی وقوع این جرم در کشور، لازم است که در قوانین مربوطه و مجازات در نظر گرفته شده -از جمله ماده‌ی ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی و ماده‌ی ۳۰۱ همان قانون- برای قتل‌های ناموسی تجدیدنظر شود، از آن رو که بازدارندگی کافی ندارند و مجازات در نظر گرفته‌شده، به هیچ روی با جرم ارتكابی تناسب ندارد.

با توجه به وجود علقه‌های مذهبی در ایران و احترام و علاقه‌ی مردم به روحانیت، شیخ‌ها و سادات، شایسته است با به کارگیری این افراد صاحب نام در شوراهای حل اختلاف، پل ارتباطی محکمی بین دستگاه‌های رسمی و مردم ایجاد شود تا در موقع لزوم، راحت‌تر بتوان از این افراد در متقاعد کردن طرفین نزاع برای برقراری صلح و سازش استفاده نمود.



بایسته است که سیاست‌گذاران و مجریان کلان فرهنگی کشور، دانشگاه‌ها و رسانه‌های جمعی و... همگی در مسیر واحد ولی با روش‌های متفاوت به سمت این هدف بروند.

در کنار سازوکارهای قانونی و حقوقی کنترل‌کننده و بازدارنده، آنچه بسیار ضروری و حیاتی است طراحی راهبردهای کلان و تدوین برنامه‌های اجرایی نظام‌مند، به منظور تغییر نگرش عمومی به پدیده‌های ناموسی است. علاوه بر این، این پیشنهادها نیز ممکن است برای کنترل و کاهش این پدیده و اصلاح نگرش به قتل‌های ناموسی، به‌ویژه در مناطق محروم‌تر کشور، مفید واقع شود: سیاست‌گذاری برای تقویت برابری جنسیتی، توانمندسازی سازمان‌های مربوط به امور زنان و خانواده، گسترش کمی و کیفی سازمان‌های فعال در زمینه مسائل خانواده و زنان، افزایش سواد حقوقی مردم و به‌ویژه زنان در جایگاه قربانیان و نجات‌یافتگان احتمالی قتل‌های ناموسی، فراهم آوردن

- ازکیا، مصطفی، (۱۳۸۴). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی، تهران: اطلاعات.
  - آروین، ریمون، (۱۳۸۹). مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی، ترجمه باقر پرهام، تهران: علمی فرهنگی.
  - پلاگ، فرد؛ دانیل، بیتس (۱۳۹۱). انسان‌شناسی فرهنگی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علمی امیری‌نژاد، حسین (۱۳۹۳). بررسی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر قتل‌های ناموسی در استان خوزستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران اهواز.
  - بهرامی، مرجان (۱۳۹۵). بررسی عوامل فرهنگی و اجتماعی قتل‌های ناموسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی افق.
  - Akers, Ronald. L. (1985) Deviant behavior: A social learning approach, Belmont, CA: Wadsworth.
  - Akers, Ronald. L. (2009). Social learning and social structure: A general theory of crime and deviance, Boston: Northeastern University Press.
  - Ali, Rabia (2001). The dark side of honor: Women victims in Pakistan (Special Bullten), Lahore, ShirkatGah.
  - Ali Shaikh, Masood; Ali Shaikh, Irshad; Kamal, Anila & Masood, Sobia (2010) Attitudes about honor killings among men and women Perspective from IslamAbad, Journal of Ayub Medical College Abbottabad, 22(3): 38-41
  - . Kathleen, A. Fox. Matt, R. Nobeles and Akers, L. Ronald (2011), "Is stalking a learned phenomenon? An empirical test of social learning theory", Journal of Criminal Justice, 39: 39-47.
  - Kim, Eunyoung; Akers, Ronald L. & Yun, Minwoo (2013) A cross-cultural test of social structure and social learning: Alcohol use among South Korean adolescents, Deviant Behavior, 34:11, 895-915.
  - سازوکارهای حمایتی لازم برای دختران تهدید شده. (پیشنهادهایی نظیر سیاست‌گذاری برای تقویت برابری جنسیتی، توانمندسازی سازمان‌های مربوط به امور زنان و خانواده، گسترش کمی و کیفی سازمان‌های فعال در زمینه مسائل خانواده و زنان، افزایش سواد حقوقی مردم و به ویژه زنان در جایگاه قربانیان و نجات‌یافتگان احتمالی قتل‌های ناموسی، فراهم آوردن سازوکارهای حمایتی لازم برای دختران تهدید شده ممکن است برای کنترل و کاهش این پدیده و اصلاح نگرش به قتل‌های ناموسی، به‌ویژه در مناطق محروم‌تر کشور، مفید واقع شود).
  - بدیهی است که اتخاذ این‌گونه راهبردها و سیاست‌های اجرایی برای اصلاح نگرش شهروندان هر منطقه، بیش از هرچیز نیازمند در نظر گرفتن ویژگی‌های خاص ساختاری این منطقه به‌لحاظ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، سیاسی و امنیتی و قومی است؛ به‌گونه‌ای که جهت‌گذاری و هدف‌گیری سیاست‌های اخذ شده، نظام جنسیتی فعلی را که به مردسالاری تمایل دارد به سمت پذیرش توانمندی‌ها و جایگاه زنان در جامعه و به رسمیت شناختن حقوق شهروندی آن‌ها هدایت کند.
- ### منابع و مأخذ
- قانون مدنی (مجموعه قانونی).
  - قانون مجازات اسلامی (مجموعه قانونی).
  - میرمحمد صادقی، حسین، (۱۴۰۰). حقوق جزای اختصاصی، جرایم علیه تمامیت جسمانی، تهران، چاپ سی و یکم، نشر میزان.
  - اسماعیل ریاحی محمد، اسماعیلی وحید، (۱۳۹۷). بررسی جامعه‌شناختی نگرش به قتل‌های ناموسی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در شهر مریوان، تهران، مجله مطالعات اجتماعی ایران، شماره ۳.
  - آزاد نارمکی، تقی، (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی ابن خلدون، تهران انتشارات تبیان، چاپ اول.



## «به من اعتماد کن؛ من یک پرستارم!»

### سرگذشت لوسی لتبی، فرشته مرگ

الهه کرمی

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم شناسی دانشگاه شهید بهشتی

elakarami1999@gmail.com



#### چکیده

بی‌شک همه ما با شنیدن نام پرستار یا به طور کلی کادر پزشکی، مفاهیمی همچون ایثار، نوع دوستی، مهربانی و فداکاری در ذهنمان تداعی می‌شود؛ اما حقیقت این است که جهان همواره پزشکان و پرستارانی را به خود دیده است که برخلاف تعهدات پزشکی خود، به جای آن که ناجی بیماران باشند، جان آنان را ستانده‌اند. در این گفتار درصدد هستیم تا در خصوص یکی از این افراد - که به فرشتگان مرگ موسوم هستند - به نام لوسی لتبی، یک قاتل زنجیره‌ای بریتانیایی، تحلیلی داشته باشیم که به تازگی حکم محکومیت او به حبس ابد، بدون امکان آزادی مشروط، برای قتل عمدی هفت نوزاد و شروع به قتل عمدی شش نوزاد صادر شد. حکمی که تا به حال در طول تاریخ بریتانیا تنها برای چهار زن صادر شده است. یافته‌ها حاکی از آن است که پرونده لوسی لتبی بسیار نادر و غیرعادی می‌باشد و او تمامی قواعد و چارچوب‌های تعریف‌شده برای قاتلان زنجیره‌ای را زیر پا گذاشته است؛ زیرا هر چه بیشتر زندگی فردی و خانوادگی و اجتماعی او را بررسی می‌نماییم، به این نتیجه می‌رسیم که او صرفاً فردی «عادی»، «معمولی» و «متوسط» است. به نظر می‌رسد، علل روان‌شناختی و شخصیتی تأثیر بیشتری نسبت به سایر عوامل در وقوع قتل‌های سریالی او داشته است.

**کلیدواژگان:** قاتل سریالی، علت شناسی، روانشناسی جنایی، لوسی لتبی

#### مقدمه

قتل سریالی پدیده‌ای نادر اما بسیار هولناک و دارای دامنه‌ی وسیعی از پیامدهای ناگوار به پیکره‌ی اجتماع است. حضور یک قاتل سریالی در سطح جامعه که با زیرپا نهادن قوانین و مقررات، در تلاش برای سلب ابتدایی‌ترین و درعین حال، مهم‌ترین حق انسانی - یعنی حق حیات - چندین فرد انسانی است، آرامش را از ساکنان آن جامعه می‌گیرد. از این رو، مردم در چنین موقعیتی همواره از نظام

قربانیان او حدوداً ۲۵۰ نفر تخمین زده شده است- و همچنین بورلی آلایت<sup>۳</sup>-پرستاری که در سال ۱۹۹۳ برای قتل چهار کودک خردسال تحت مراقب خود و شروع به قتل سه نفر و ایراد صدمه شدید بدنی<sup>۴</sup> علیه شش نفر به حبس ابد محکوم شد- تا ابد ثبت می‌شود.

### لوسی لتبی کیست؟

لوسی متولد ۴ ژانویه ۱۹۹۰ در هرفورد<sup>۵</sup> انگلستان است. پدرش جان، یک مشاور مالی و مادرش سوزان یک حسابدار است. زندگی او و خانواده‌ی کوچکش آینده‌ی تمام‌نمای یک خانواده‌ی متوسط است. والدینش در میان آشنایان افرادی محترم و با اعتبار هستند. لوسی تک‌فرزند آنان است و همیشه عشق بی‌قید و شرطی را نثار او می‌کردند. لوسی به جهت تجربه‌ی مادرش در هنگام زایمان او که شرایط بدی داشته است و نوزاد چند هفته زودتر به دنیا آمده بود و یک پرستار با مراقبت از او جان‌ش را نجات داده بود، تصمیم گرفته بود در بزرگسالی رشته‌ی پرستاری را انتخاب نماید. او تا سنین بزرگسالی این هدف را دنبال کرد و در رشته پرستاری دانشگاه چستر<sup>۶</sup> پذیرفته شد. این دانشگاه با زادگاه او تقریباً دو ساعت فاصله داشت. ورود او به دانشگاه افتخار بزرگی محسوب می‌شد، چون در خانواده‌اش او تنها کسی بود که تحصیلاتش را تا این سطح ادامه داد.

در طول دوران سه‌ساله‌ی تحصیل خود،

عدالت کیفری خواستارند تا هرچه سریع‌تر سایه‌ی سیاه و شوم او را از جامعه بردارد.

بررسی پرونده‌ی مربوط به یک قاتل سریالی از جهت ملاحظات جرم‌شناختی حائز اهمیت است، زیرا از نظر تعیین مجازات در قلمرو عدالت کیفری قتل سریالی تفاوت چندانی با یک قتل ندارد و با مرتکبین چنین جرایمی به‌طور یکسان برخورد شده و یک مجازات مشابه در انتظارشان است. اما از جهت جرم‌شناسی، فرق بسیاری میان کسی که مرتکب یک قتل شده است و کسی که این عمل را بارها و بارها مرتکب شده است، وجود دارد.

مقصود از این نوشتار بررسی پرونده‌ی لوسی لتبی<sup>۱</sup> می‌باشد. هر چند که پرونده‌ی او حدوداً یک ماه گذشته (در زمان نگارش) به سرانجام خود رسید و حال او باید باقی عمر خود را پشت میله‌های زندان بگذراند، اما همچنان سؤالات بی‌پاسخی وجود دارند که پاسخ به آن‌ها از جهت مطالعات جرم‌شناسانه می‌تواند ارزشمند باشد. لذا پس از ارائه‌ی اطلاعاتی اجمالی در خصوص سرگذشت این قاتل سریالی، می‌کوشیم پاسخ‌هایی احتمالی به این پرسش دهیم که چه عواملی سبب گذار او از یک دختر جوان بسیار معمولی به یک قاتل سریالی گشت؟ یک قاتل سریالی که نامش زین‌پس در کنار قاتلان سریالی شناخته‌شده‌ی بریتانیا مانند دکتر هارولد شیپمن<sup>۲</sup> -پزشک عمومی‌ای که در سال ۲۰۰۰ میلادی در قتل ۱۵ نفر از بیمارانش مجرم شناخته شد، اما تعداد

1. Lucy Letby

2. Dr. Harold Shipman

3. Beverley Allitt

4. Grievous Bodily Harm (GBH)

5. Hereford

6. University of Chester

کودکان در تاریخ معاصر بریتانیا داده شده است. برخی از قربانیان او کشته شده‌اند و برخی زنده مانده اما آسیب دیده‌اند. برای جلوگیری از طولانی شدن متن، از شرح حملات مرگبار او می‌پرهیزیم. به جهت ناشناس ماندن نوزادانی که هدف لوسی قرار گرفته‌اند اسامی آن‌ها از A تا Q نام‌گذاری شده است.

او از روش‌های گوناگونی همچون تزریق هوا یا انسولین به جریان خون نوزادان، اضافه نمودن شیر بیش از اندازه به کیسه‌ی غذای نوزادها و گاهی حمله با تجهیزات پزشکی، استفاده می‌نمود.

حضور او در مرگ‌های مشکوک باعث شده بود تا برخی کارآموزان و همکاران، او را به مزاح، فرشته‌ی مرگ خطاب کنند که البته هیچ‌گاه به معنی تردید آن‌ها بر نقش داشتن او در این مرگ‌ها نبود. هرچند که پزشکیان بودند که اعتقاد داشتند حضور او در همه‌ی قتل‌ها تصادفی نیست و آن را با هیئت مدیره بیمارستان در میان گذاشتند، اما مدیران بیمارستان مرگ‌ها را با پرستار خوشان مرتبط نمی‌دانستند. تا اینکه پس از کشمکش‌های بسیار میان پزشکیان و هیئت مدیره بیمارستان، در نهایت، در جولای ۲۰۱۶ او از بخش نوزادان اخراج شد و به بخش اداری بیمارستان انتقال یافت و مرگ‌های مشکوک هم متوقف شد و این موضوع، احتمال وجود یک رابطه سببیت میان مرگ‌ومیر نوزادان و لوسی لتبی را تقویت نمود.

در ۳ جولای ۲۰۱۸ لتبی برای مظنون بودن به ۸ فقره قتل عمدی و ۶ فقره شروع به قتل عمدی، توسط پلیس دستگیر شد. پس از دستگیری خانه‌ی او مورد بازرسی قرار گرفت و

لوسی مشغول کارآموزی در دو بیمارستان زنان لیورپول<sup>۷</sup> و کنتس چستر<sup>۸</sup> بود. او در سال ۲۰۱۱ به‌عنوان دانشجوی ممتاز فارغ‌التحصیل شد. پس از فارغ‌التحصیلی، علی‌رغم انتظار پدر و مادرش به هرفورد بازنگشت و تصمیم گرفت در چستر کار کند. پس از چند ماه، در بیمارستان کنتس چستر در بخش کودکان استخدام شد. لوسی هیچ‌گاه تنها و منزوی نبود و با چند همکار خود رابطه‌ی دوستانه داشت که همراه یکدیگر به کلاس‌های هفتگی رقص سالسا و مهمانی‌های مختلف می‌رفتند. همکاران و دوستان او اظهار داشته‌اند که لوسی همواره کار و در زمان تحصیل، درس را اولویت خود قرار می‌داده است. او در دوره‌های مختلفی شرکت کرد تا در نهایت مجوز کار در بخش مراقبت ویژه از نوزادان<sup>۹</sup> را دریافت نمود. کار در این بخش نیاز به درجه‌ی بالایی از مهارت، فداکاری و قدرت عاطفی دارد زیرا باید از نوزادان متولدشده با طیف وسیعی از مشکلات همانند نارس بودن، نقص مادرزادی، عفونت و ناهنجاری‌های قلبی مراقبت کرد. لوسی به عنوان یک پرستار حرفه‌ای در این بخش مشغول به کار شد و از نوزادانی مراقبت می‌کرد که گاهی ۱۲ هفته زودتر از موعد به دنیا آمده بودند یا نوزادانی که کمتر از ۴۵۰ گرم وزن داشتند و به اندازه کف یک دست بودند.

تا قبل از ژوئن ۲۰۱۵ همه‌ی امور در بیمارستان کنتس چستر مانند سایر بیمارستان‌ها بود و میانگین مرگ‌ومیر نوزادان در آن بخش دو نفر در سال بود اما پس از این تاریخ به طور حیرت‌انگیزی این آمار افزایش یافت.

از آن جا که تعداد قربانیان لوسی لتبی زیاد است به او، لقب پرکارترین قاتل سریالی

7. Liverpool Women's Hospital

8. Countess of Chester Hospital

9. Neonatal Intensive Care Unit (NICU)



پلیس تحقیقات گسترده‌ی خود را آغاز نمود. در ۶ جولای ۲۰۱۸ او به قید وثیقه آزاد شد، اما تحقیقات همچنان ادامه داشت و پلیس در حال بررسی بود.

او در ۱۰ ژوئن ۲۰۱۹ برای ۸ فقره قتل عمدی و ۹ فقره شروع به قتل عمدی نوزادان متهم شد. با این حال مجدداً با قید وثیقه آزاد شد؛ زیرا زمان بیشتری برای جمع‌آوری ادله نیاز بود. در ۱۱ نوامبر ۲۰۲۰ لوسی به ۸ مورد قتل عمدی و ۱۰ مورد شروع به قتل عمدی، متهم شد. این بار او از تودیع وثیقه محروم شد و در بازداشت پلیس قرار گرفت. در ۱۳ مارس ۲۰۲۰ او توسط شورای پرستاری و مامایی<sup>۱۰</sup> به طور

موقت به حالت تعلیق درآمد.

محاكمه لوسی در تاریخ ۱۰ اکتبر ۲۰۲۲ در دادگاه جزا منچستر<sup>۱۱</sup> توسط یک قاضی<sup>۱۲</sup> شروع شد. این محاكمه ده ماه با فراز و نشیب‌های بسیار به طول انجامید. تا در نهایت اعضای هیئت منصفه حدوداً پس از ۱۰۰ ساعت مذاکره در طول ۲۲ روز، او را به قتل عمدی هفت نوزاد و شروع به قتل عمدی شش نوزاد دیگر در بخش نوزادان بیمارستان کنتس چستر در بازه‌ی زمانی ۱۳ ماهه (از ژوئن ۲۰۱۵ تا ژوئن ۲۰۱۶) مجرم شناختند.

جلسه‌ی محاكمه او در ۲۱ آگوست ۲۰۲۳ برگزار شد. در روز صدور حکم محکومیت، او

10. Nursing and Midwifery Council

11. Manchester Crown Court

12. Mr. Justice Goss

عمومی و... برای تشدید مجازات وجود دارد. بنابراین من شما را به حبس ابد در زندان<sup>۱۳</sup> بدون امکان آزادی مشروط محکوم می‌کنم.» گفتنی است که علی‌رغم اتمام رسیدگی و محاکمه، پلیس همچنان در حال تحقیق و تفحص در خصوص مرگ‌های مشکوک در زمان کارآموزی لوسی است و احتمال داده می‌شود که او قربانیان بیشتری داشته‌باشد. حال لوسی ۳۳ ساله که زمانی وقت خود را در کلاس‌های رقص سالسا سپری می‌کرد، با همکارانش به مهمانی می‌رفت و در تعطیلات به مسافرت می‌رفت، پس از صدور حکم حبس ابد با این چشم‌انداز مواجه است که سال‌های باقیمانده از عمر خود را در گوشه‌ای از زندان با حداکثر موارد امنیتی بگذراند.

پیش از هر موضوعی لازم به ذکر است که لوسی همواره در طول محاکمه هرگونه ارتباط خود با مرگ‌ومیرهای رخ داده را انکار می‌نمود. او اظهار داشت که یک پرستار حرفه‌ای است و جز مراقبت از نوزادان بیمار، مرتکب عمل دیگری نشده است. وکیل او آقای بن مایرز<sup>۱۴</sup> نیز در جلسات دادگاه موکل خود را یک پرستار حرفه‌ای در یک سیستم ناکارآمد

در دادگاه حاضر نشد و قاضی در غیاب او رأی را صادر نمود.

در اینجا بخشی از بیانات قاضی را می‌خوانیم: «اگرچه متهم در دادگاه حضور ندارد اما باید به نحوی رأی را قرائت کنم که گویی او اینجاست. لوسی لتبی! شما در اواسط دهه‌ی دوم زندگی خود زمانی که در بیمارستان کنتس چستر مشغول به کار بودی ۷ نوزاد را به قتل رساندید و به جان ۶ نوزاد سوءقصد کردید و حالا زمان مجازات فرا رسیده است. شما برخلاف غریزه‌ی یک انسان در خصوص نگهداری از نوزادان رفتار کردید و به طرز شنیع و فاحشی اعتماد افراد را خدشه‌دار کردید. شکی نیست که شما باهوش، پرتلاش و تحصیل‌کرده هستید اما همه‌ی این موارد شما را قادر ساخت تا به نوزادان بی‌دفاع آسیب برسانید. نوزادانی که برای زنده ماندن جنگیده بودند. وظیفه من تعیین انگیزه و دلایل ارتکاب جرایم شما نیست، بلکه وظیفه‌ی من تعیین مجازاتی متناسب با جرایم شما است. هیچ دلیلی برای تخفیف در پرونده‌ی شما وجود ندارد و بالعکس عوامل زیادی همچون تکرار جرایم، قربانی‌ها، روش‌ها، تأثیر بر همکاران و خدشه‌دار کردن اعتماد

13. HM Prison Low Newton

14. Ben Myers KC



او به نحوی بود که بخش نوزادان بیمارستان را در ذهن تداعی می‌کرد. طرح‌هایی که بر روی دیوار نقش بسته بودند بسیار کودکانه و فانتزی بودند. در انباری خانه‌ی او اشیایی یافت شد که برای کارآگاهان عجیب بود. به طور مثال، ۲۵۷ صفحه گزارش از وضعیت بیماران در یک کیف پیدا شد که همگی محرمانه بودند و نباید در اختیار یک پرستار قرار می‌گرفتند. نکته‌ی جالب این است که گزارش وضعیت نوزادان بیماری که هدف لوسی قرار گرفته بودند در میان آن صفحات بود. دیگر آنکه یک دستگاه کاغذخردکن که کارآگاهان احتمال دادند برای از بین بردن گزارشات مربوط به وضعیت بیماران یا ادله‌ی دیگری که علیه او بوده است در آنجا قرار داشت.

علاوه بر همه‌ی این موارد، دفترچه‌ای در خانه‌اش پیدا شد که لوسی وقایع روزانه‌ی زندگی‌اش را در آن یادداشت نموده بود و در این دفترچه که متعلق به سال ۲۰۱۶ بود دقیقاً در روزهایی که نوزادان از دنیا رفته بودند حروف اول نام آنان نوشته شده بود. مضاف بر این، دست‌نوشته‌هایی حاوی چنین مضامینی در خانه او یافت شد: «من آن‌ها را کشتم، چون به اندازه کافی خوب نیستم که از آن‌ها مراقبت کنم»، «من شیطان هستم؛ من این کار را کردم»، «جهان بدون من جای بهتری است»، «امیدی نیست؛ نمی‌توانم نفس بکشم»، «من آدم وحشتناکی هستم و هر روز تاوان آن را می‌دهم»، «من لیاقت مامان و بابا را ندارم»، «هرگز ازدواج نخواهم کرد و بچه‌دار نخواهم شد من نمی‌دانم خانواده یعنی چه». دادستان بیان نمود که این دست‌نوشته‌ها کشف بزرگی است که می‌توان آن‌ها را اعترافات مکتوب او به قتل‌ها تلقی نمود. اما وکیل او گفت دست‌نوشته‌ها اعتراف به قتل نیست بلکه صرفاً هذیان‌گویی‌های یک زن وحشت‌زده و ترسیده است که بدترین اتهامات به او وارد

توصیف نمود و مسئله‌ی مرگ نوزادان را قصور وسیع بیمارستان به جهت نیروی انسانی غیر متخصص و شلوغی بیش از حد بخش نوزادان دانست. ایشان بیان داشت که هیچ رابطه‌ی سببیت مستقیمی میان مرگ‌ومیرها و لوسی وجود ندارد و دادستان با زیر پا گذاشتن اصل برائت پیش رفته است.

### ادله‌ی علیه او

نمی‌توان انکار نمود که گذشته‌ی هر فردی در انجام اقداماتش در آینده تأثیرگذار است. جمله‌ی معروفی وجود دارد که بیان می‌کند هیچ قاتلی قاتل به دنیا نمی‌آید. لذا عوامل مختلفی در ایجاد شخصیت کنونی او مؤثر است. جرم‌شناسان و روانشناسان با بررسی پرونده‌ی قاتلان سریالی متعددی به این نتیجه رسیده‌اند که قتل سریالی، خود معلولی از چند علت است و مانند بذری است که در یک زمین ناسالم کاشته شده بنابراین محصولی جز این نخواهد داشت.

لیکن با بیان تمامی این توضیحات باید گفت در طول محاکمه ده ماهه‌ی لوسی که به عنوان طولانی‌ترین محاکمه بریتانیا در خصوص قتل شناخته شده است، بررسی‌های صورت گرفته حاکی از آن بود که در گذشته‌ی او هیچ گونه نقطه‌ی تاریکی وجود ندارد. او دختری معمولی از یک خانواده‌ی معمولی بود. هیچ گونه سابقه‌ی محکومیت کیفری یا حتی تخلف صنفی برای او وجود نداشت. همین امر منجر به آن شد که جرم‌شناسان پرونده‌ی او را یک پرونده‌ی استثنائی بدانند.

با این حال، ادله‌ای که کارآگاهان در بازرسی از خانه شخصی او جمع‌آوری کرده‌اند قابل توجه است. اولین مسئله‌ای که توجه کارآگاهان را به خود جلب کرد، موقعیت مکانی خانه‌ی او بود که دقیقاً از حیاط پشتی مشرف به یک گورستان بود. دوم آنکه چیدمان خانه‌ی



نوع نوشتار او که در یک جهت نیستند نشان می‌دهد که او دچار نوسانات خلقی شدید است. عدم هماهنگی حروف از نظر ارتفاع آنان نشان‌دهنده‌ی آن است که او از عزت نفس پایین رنج می‌برد. علاوه بر این به گفته‌ی او وجود شبکه‌های سیاه در نوشته‌های او حاکی از خشم

شده است. یک کارشناس دست نوشته<sup>۱۵</sup> به نام آدام برند<sup>۱۶</sup> بیان کرد که یادداشت کلماتی همچون نفرت، وحشت، ترس، از دست دادن را می‌توان علایمی برای توجه‌طلبی در نظر گرفت در واقع او می‌خواهد شنیده شود و نادیده انگاشته نشود. ایشان اضافه نمودند که

15. Handwriting Expert

16. Adam Brand

اتهامات علیه خود را قبول ننمود و همواره خود را پرستاری دلسوز، مهربان و فداکار معرفی کرد و ادعا کرد که آسیب رساندن به یک نوزاد خلاف ماهیت یک پرستار است و او همیشه تلاش کرده است تا بهترین خود را انجام دهد. لیکن همانطور که گفته شد ادله‌ی بسیاری وجود دارد که خلاف این اظهارات را ثابت می‌نماید. طبیعی است که او با انکار قتل‌ها از جانب خودش هرگز توضیحی راجع به انگیزه‌اش از قتل‌ها ارائه نکرده است و دلایلی که در ذیل اشاره خواهد شد صرفاً احتمالاتی است که از جریان پرونده به دست آمده است.

**۱- بازی در نقش خدا<sup>۱۸</sup>:** برخی از قاتلان گفته‌اند که با تسلط بر زندگی و مرگ دیگران و گرفتن حیات آنان، به آن‌ها احساسی همچون احساس خداوندی دست می‌دهد.<sup>۱۹</sup> او در ژوئن ۲۰۱۶ پس از آخرین حمله مرگبارش در حالی که پزشکان تمام تلاش خود را برای نجات جان نوزاد می‌کردند به آن‌ها گفت: «او زنده از اینجا خارج نمی‌شود، درست است؟» پس از مدت کوتاهی نوزاد جان خود را از دست داد. دادستان<sup>۲۰</sup> به هیئت منصفه گفت: «او می‌دانست که قرار است چه اتفاقی پیش آید. او از اینکه همه امور تحت کنترلش بود لذت می‌برد و اموری را پیش‌بینی می‌کرد که می‌دانست قرار است رخ دهد. او در واقع نقش خدا را بازی می‌کرد.» بنابراین یکی از نظریه‌ها در مورد انگیزه‌ی احتمالی او از قتل‌ها این است که او عقده‌ای خداگونه داشته است و از کنترل کامل بر زندگی و مرگ یک فرد لذت می‌برده است. پلیس و کارشناسان معتقدند او با این کنترل زندگی کودکان آسیب‌پذیر از توجه و

سرکوب‌شده و احساس در دام افتادن می‌باشد و وجود «حلقه‌های پی‌درپی» در نوشته‌ها، نمایانگر شخصیت وسواسی او است. یکی دیگر از موارد قابل توجه در تحقیقات کارآگاهان، اطلاعات مربوط به تلفن همراه لوسی بود. او به طور مستمر و موزی با قتل‌ها و حملات مرگبار خود، در پیام‌رسان‌های مختلف، به همکاران و دوستان خود پیامی با چنین محتوایی که «نوزادی دیگر به دلیل وضعیت بسیار بد بیمارستان از دنیا رفت و من بسیار ناراحت هستم» ارسال می‌کرد. الگوی رفتاری دیگر او بعد از قتل‌ها آن بود که در فیس‌بوک به جستجوی والدین قربانیان می‌پرداخت و گاهی تا مدت‌ها این جست‌وجو ادامه داشت. در یک مورد نیز یک کارت پستال تسلیت با متنی شخصی برای خانواده‌ی یکی از قربانیان ارسال نمود.

### دلایل احتمالی قتل‌های سریالی او

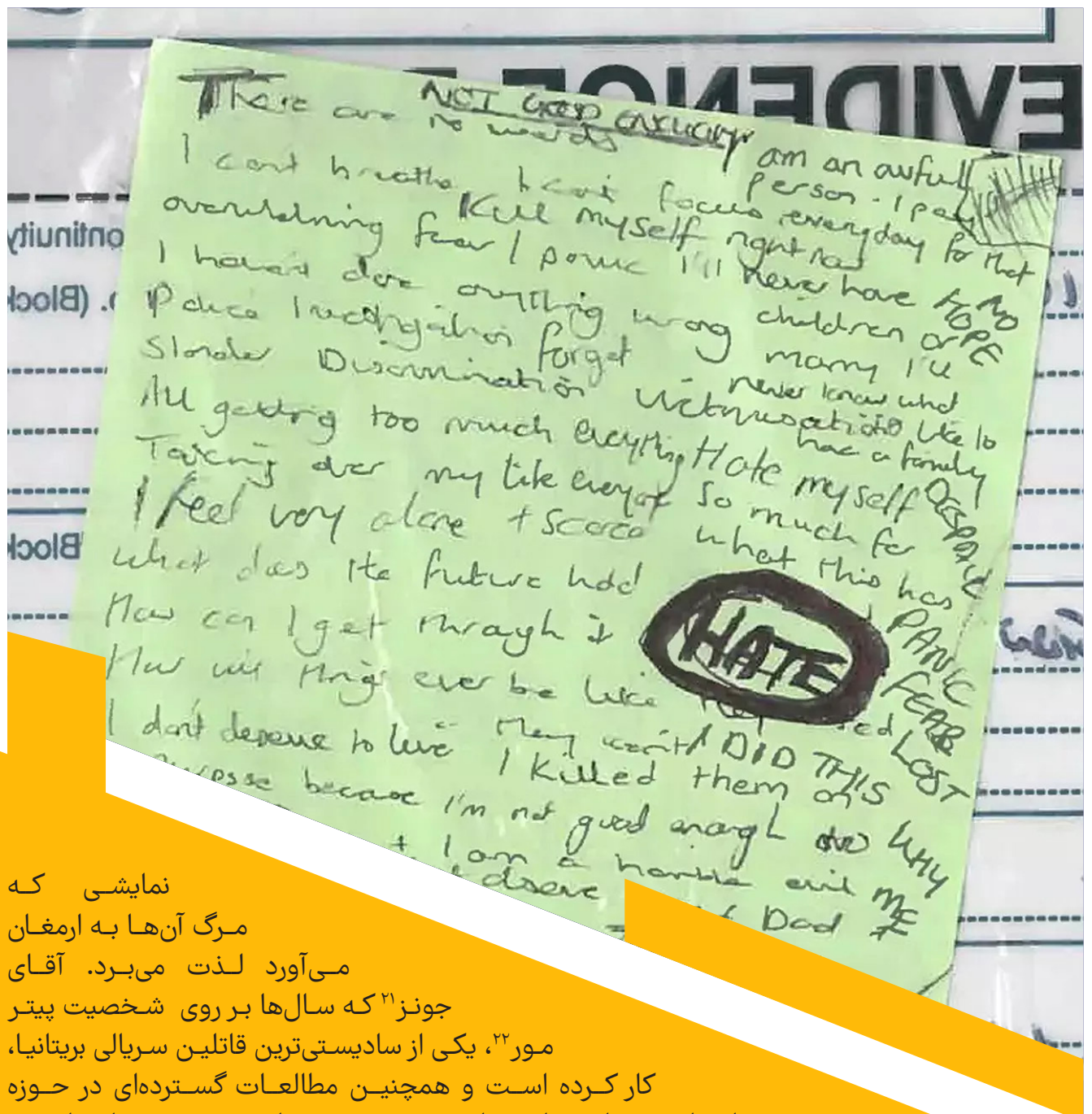
از دوران قدیم قتل در انواع مختلف در جوامع ظهور و بروز داشته است، لیکن از آنجا که به شکل عمومی، انسان‌ها مرتکب قتل نمی‌شوند و میزان قتل و نرخ افزایش آن در طی زمان قابل توجه نیست، همواره این نگرش در مورد قاتلین وجود داشته که حتماً قاتلین دارای فطرت یا شخصیتی متفاوت با دیگران هستند. مانند هر جرم دیگر، قتل نیز در اثر عوامل مختلف ارتکاب می‌یابد و دارای ویژگی‌هایی است که بتوان آن را از سایر جرایم متمایز کرد، نمی‌باشد. علت توجه ویژه به قتل، شدت آن در سلب نفس و ماهیت خشونت‌بار آن است.<sup>۱۷</sup> درخصوص پرونده‌ی مورد نظر، قاتل هیچ‌گاه

۱۷. رستمی تبریزی، لمیاء، ۱۴۰۱، روان‌شناسی جنایی، انتشارات مجد، چاپ دوم، ص ۱۸۵

18. Playing God

۱۹. غلاملو، جمشید، بهار ۱۳۹۰، علت شناسی قتل‌های سریالی بر مبنای اختلالات شخصیتی، فصلنامه حقوق پزشکی، سال پنجم شماره شانزدهم ص ۱۵۱

20. Nick Johnson KC



نمایشی که

مرگ آنها به ارمغان

می آورد لذت می برد. آقای

جونز<sup>۲۱</sup> که سال ها بر روی شخصیت پیتر

مور<sup>۲۲</sup>، یکی از سادیستی ترین قاتلین سریالی بریتانیا،

کار کرده است و همچنین مطالعات گسترده ای در حوزه

روانشناسی جنایی داشته است، در خصوص لوسی چنین بیان داشتند

که کنترل یک موقعیت یکی از بزرگ ترین انگیزه های قاتلان سریالی است و عدم

حضور لوسی در دادگاه نشان دهنده ای آن است که او از مواردی که کنترلی روی آن ندارد دوری

می کند و سعی می کند با آنها روبه رو نشود.

**۲- به دست آوردن هیجان حاصل از مرگ نوزادان:** نظریه ای دیگری که در خصوص انگیزه ای

او وجود دارد این است که لوسی از غم و اندوهی که والدین پس از مرگ فرزندشان تجربه

می کردند هیجان زده می شد.

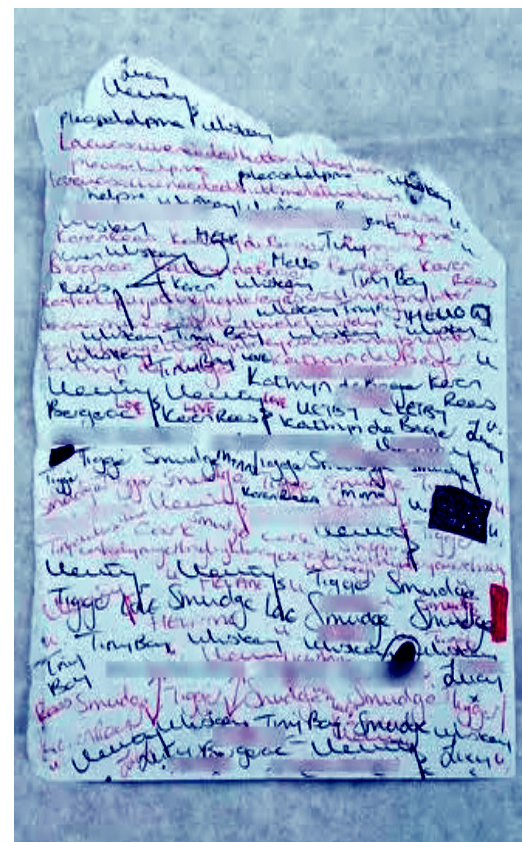
والدین قربانیان و پرستاران بخش اظهار داشته اند که لوسی در هنگامی که حال نوزادان ناگهان

بد می شد، رفتارهایی غیرعادی از خود نشان می داد. والدین یکی از قربانی ها اظهار کرد زمانی

که دختر کوچکش پس از حملات مکرر لوسی جان باخت به خاطر می آورد که لوسی لبخندی

21. Dylan Rhys Jones

22. Peter Moore



پنهانی داشته است. پیام‌های رد-و-بدل شده میان لوسی و آن پزشک که به دلایل قانونی ناشناس مانده است و نام او فاش نشده است، نشان‌دهنده‌ی این رابطه بوده است. پیام‌هایی که حاوی «قلب قرمز» و خطاب او به عنوان «عزیزم» از جانب لوسی می‌باشد. آن‌ها چندین مرتبه در خارج از محل کارشان با یکدیگر ملاقات داشتند، از جمله یک سفر یک‌روزه به لندن. به علاوه، حتی پس از جولای ۲۰۱۶ -یعنی پس از اخراج لوسی از بخش نوزادان- این ملاقات‌ها ادامه یافت. با این حال، لوسی در حین محاکمه همواره رابطه‌ی پنهانی با آن مرد را انکار نمود و بیان کرد که این رابطه، رابطه‌ای صرفاً دوستانه بوده است.

بر لب داشت و گفت که چگونه در حمام اول کودک حضور داشته و چه قدر او را دوست داشته است. او در موارد دیگر نیز، پس از هر قتل، هیجان‌زده ظاهر می‌شد و پیشنهاد حمام کردن، لباس پوشاندن و ثبت تصویر از بدن قربانیان به عنوان آخرین یادگاری به والدین آن‌ها می‌داد.

مضاف بر اینکه او اولین کسی بود که به دوستان و همکارانش خبر فوت نوزاد دیگر در آن بخش را می‌داد و با هیجان اتفاقات غم‌انگیز در شیفت کاری خود را برای آنان بازگو می‌کرد.

**۳- جلب توجه پزشک ناشناس:** دادستان ادعا کرد که لوسی با یک پزشک متأهل که در بیمارستان کنتس چستر کار می‌کرد رابطه‌ی

بیان کرد که تمایل لوسی برای قرارگرفتن در مرکز یک بحران، می‌تواند نشان دهنده ابتلای او به این اختلال روانی باشد.

علت دقیق اختلال سندرم مونشهاوزن نیابتی مشخص نیست. با این حال متخصصان هر دو عامل بیولوژیکی و روانشناختی را در بروز این اختلال مؤثر می‌دانند. گفته شده است، یکی از علل احتمالی ایجاد آن، این است که افراد مبتلا، بی‌توجهی یا سوءاستفاده‌ی روانی، جنسی یا عاطفی را در دوران کودکی تجربه کرده‌اند. مراقب ممکن است دارای اختلال روانپزشکی مانند اختلال شخصیتی دو قطبی، اضطراب یا افسردگی باشد. برخی دیگر به تجربه‌ی از دست دادن والدین در سنین جوانی و استرس شدید اشاره دارند.

### نتیجه‌گیری

در این نوشتار سعی بر آن شد تا توضیحاتی چند راجع به پرونده‌ی لوسی لتبی ارائه گردد و متغیرهای تأثیرگذار برگرایش او به انجام قتل‌های سریالی نوزادان مورد بحث قرار گیرد. همانطور که می‌دانیم قتل‌های سریالی معمولاً بنا بر دلایلی همچون شهوت، خشم، نفرت، پول و انتقام صورت می‌گیرد و بیشتر قاتلان سریالی دارای چنین انگیزه‌هایی برای قتل‌های متعدد خود می‌باشند. بنابراین کشتن نوزادان پدیده‌ای بسیار نادر است؛ زیرا چنین انگیزه‌هایی با این نوع از قربانیان تناسب ندارد. از سوی دیگر قتل نوزادان توسط پرستاران نیز پدیده‌ای کمیاب است؛ زیرا متأسفانه بیشتر آن‌ها توسط والدین خود یا شرکای زندگی آن‌ها کشته می‌شوند. پرستاران و پزشکان به امید مراقبت مورد اعتماد قرار می‌گیرند و

هرچند که در یک عصر ماه فوریه، زمانی که آن پزشک در دادگاه حاضر شد تا علیه او شهادت دهد لوسی به محض دیدن او به طرز شدیدی گریه کرد و سعی داشت تا از شعبه‌ی دادگاه خارج شود. این موضوع عجیب بود؛ زیرا تا آن زمان لوسی همیشه با ظاهری خونسرد یا گاهی کسل و بی‌حوصله در دادگاه حضور می‌یافت و هرگز قطره‌ای اشک نمی‌ریخت.

در هر حال، کارشناسان معتقدند ماهیت رابطه‌ی میان این دو از این جهت قابل توجه است که در صورتیکه حال یکی از نوزادان به طور ناگهانی بد می‌شد، او یکی از پزشکانی بود که با لوسی تماس می‌گرفت و آسیب رساندن به نوزادان یکی از راه‌هایی بود که می‌توانست توجه شخصی آن پزشک را به خود جلب کند.

### ۴- ابتلا به سندرم مونشهاوزن: سندرم

مونشهاوزن<sup>۲۳</sup> یک اختلال ساختگی<sup>۲۴</sup> است که باعث می‌شود فرد برای جلب توجه دیگران تمایل شدید به بروز بیماری‌ها و آسیب‌دیدگی‌های دروغین و جعلی برای خود کند. نوع دیگری از این اختلال روانشناختی به نام سندرم مونشهاوزن با وکالت یا به طور روان‌تر سندرم مونشهاوزن نیابتی<sup>۲۵</sup> وجود دارد که در آن فرد مراقب (والدین یا جانشین والدین مانند یک پرستار) گزارش نادرستی از علایم کودک یا بزرگسال بدهد یا علایم فیزیکی یک بیماری را به طور عمدی در آن فرد ایجاد کند تا به نظر برسد که قربانی یک مشکل واقعی جسمی یا روانی دارد. این اختلال می‌تواند نوعی کودک‌آزاری نیز محسوب شود. فرد مبتلا در صورتیکه مرتکب اقداماتی مانند سوء استفاده یا بدرفتاری شود می‌تواند مجرم شناخته شود. یک جرم‌شناس برجسته

23. Munchhausen Syndrome

24. Factitious Disorder

25. Munchhausen Syndrome by Proxy (MSP)

افراد با این نگرش وارد یک بیمارستان می‌شوند که در آنجا نه تنها خودشان یا عزیزانشان آسیب نمی‌بینند بلکه از آن‌ها مراقبت می‌شود و سلامتی خود را به دست می‌آورند. البته باید از این حقیقت که خوشبختانه پرستارانی همچون لوسی لتبی و سایر فرشتگان مرگ نادر هستند، خرسند بود.

نکته‌ی شایان ذکر دیگر آن است که، قاتل این پرونده هرگز به جرم خود اعتراف نکرده است و همچنان مدعی است که مرگ نوزادان ناشی از عوامل طبیعی پزشکی یا عوامل دیگری است. لذا هنوز اطلاعات دقیقی از ابعاد شخصیتی او وجود ندارد و دلایلی که گفته شد صرفاً بخشی از گمانه‌زنی‌ها و احتمالاتی است که در ارتباط با لوسی و قتل‌های او وجود دارد. به نظر نگارنده در میان عوامل تأثیرگذار عوامل درونی و روانی بیشترین تأثیر را بر ارتکاب قتل‌های او داشته است. لیکن در حال حاضر، به طور دقیق، هیچ‌کس جز خود لوسی نمی‌داند که چرا او به این ورطه سوق داده شده است. تنها چیزی که همگان بر آن اتفاق نظر دارند این است که، او از آنچه که در اذهان، به عنوان قاتل سریالی، نقش بسته است، فاصله‌ی زیادی دارد. او و سرگذشتش فوق العاده معمولی است و همین خصیصه پرونده‌ی او را پیچیده کرده است. از طرف دیگر از آنجایی که این پرونده به تازگی با صدور حکم محکومیت به پایان رسیده است، بررسی زمینه‌های شکل‌گیری شخصیت این قاتل نیاز به پژوهش‌ها و واکاوی‌های مبسوطتری دارد که صرف زمان بیشتری را می‌طلبد. امید است این نوشتار حداقل توانسته باشد بستری را برای انجام تحقیقات گسترده‌تر و راهگشا فراهم آورده باشد.

### منابع

- رستمی تبریزی، لمیاء، ۱۴۰۱، روان‌شناسی جنایی، انتشارات مجد، چاپ دوم
- غلاملو، جمشید، بهار ۱۳۹۰، علت‌شناسی قتل‌های سریالی بر مبنای اختلالات شخصیتی، فصلنامه‌ی حقوق پزشکی، سال پنجم شماره شانزدهم
- غلاملو، جمشید، زمستان ۱۳۸۹، نگاهی بر گونه‌شناسی و مدل‌های تحلیلی قتل‌های سریالی، نشریه‌ی پژوهشنامه حقوق کیفری، سال اول، شماره دوم



# بررسی وضعیت حقوقی دستور عدم احیاء (DNR) در چارچوب نظام حقوقی ایران

فاطمه صفری منصور

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه شهید بهشتی

fsafarimansour80@gmail.com



## چکیده

دستور عدم احیاء که به معنای پیشگیری از انجام دادن فرآیند احیاء قلبی ریوی مغزی یا انجام ندادن حمایت‌های حیاتی پیشرفته‌ی قلبی توسط تیم درمان در بیماران درحال احتضار می‌باشد، پس از آشکار شدن مشکلات استفاده از احیاء قلبی ریوی (CPR) در برخی بیماران، مطرح شده و در کانون توجه قرار گرفته است. از آنجا که خاتمه‌ی حیات از موضوعات مهم و بحث‌برانگیز است، لذا دستور عدم احیاء که در رابطه با افراد دارای حالت حیات غیرمستقر مطرح می‌گردد با چالش‌های حقوقی، مذهبی و اخلاقی بسیاری همراه بوده است. در این پژوهش به بررسی و تبیین دستور عدم احیاء و مسائل مختلف مطرح شده در خصوص آن می‌پردازیم و به طور خاص وضعیت و ماهیت حقوقی (DNR) را در سایه‌ی قوانین موضوعه ایران مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

**کلید واژگان:** DNR، دستور عدم احیاء، حیات غیرمستقر، احیای قلبی ریوی، قانون، فقه شیعی، چالش اخلاقی

## مقدمه

امروزه تعیین مرز دقیقی بین مرگ و زندگی به چالشی مهم در طب نوین تبدیل شده است که به دنبال آن، حقوق و قوانین انسانی مربوطه به طور مداوم مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند. جوامع علمی وظیفه دارند استانداردهایی را ترویج و تدوین کنند که جامعه‌ی بشری را برای حفظ کرامت و شأن افراد حتی در شرایط مرگ و احتضار یاری کند. به کارگیری و توسعه احیاء قلبی و ریوی در اوایل دهه ۱۹۶۰ به دلیل اثربخشی و سهولت، تحولی عظیم در نجات جان بیماران مبتلا به ایست قلبی-تنفسی فراهم آورد. اما به ورد مرور زمان آشکار شد که انجام CPR در برخی از بیماران تنها به تأخیر در روند طبیعی مرگ و ادامه‌ی رنج بیمار منجر می‌شود. از آنجا که یکی از اجزاء بسیار مهم در مرگ خوب شامل پرهیز از طولانی

دستور عدم احیاء قلبی ریوی، عنصری مهم در مراقبت‌های تسکینی بوده و تصمیمی است که در جریان مباحثه بین تیم متخصص درمان با بیمار و خانواده اتخاذ می‌شود. بسیاری از صاحب‌نظران، دستور عدم احیاء قلبی ریوی را به عنوان فرصتی برای حفظ استقلال بیمار در پذیرش یا رد یک درمان دانسته و اظهار می‌دارند، احترام به اصل خودمختاری بیمار در این تصمیم مشخص می‌شود.

تحقیقات تجربی اخیر نشان می‌دهند که هیچ توافق کلی‌ای درباره‌ی اینکه DNR در مورد چه بیمارانی نباید به کار برده شود وجود ندارد. براساس نتایج مطالعات، میزان انجام DNR با مواردی از قبیل شدت بیماری در هنگام پذیرش و خصوصیات منحصربه‌فرد هر بیمار ارتباط داشته، و هم اینکه مسائل اخلاقی، اجتماعی، آموزشی و حرفه‌ای در تصمیم‌گیری‌های پزشکی در مراحل پایانی زندگی نقش دارند. با این وجود می‌توان گفت بیمارانی را باید در دسته مشمولان DNR قرار داد که از آخرین مرحله بیماری پیشرفته غیرقابل بازگشت رنج برده و براساس نظر قاطع پزشکان در حال طی کردن روند مرگ هستند. مشاهدات و مطالعات علمی نیز بر این موضوع صحت می‌گذارند که بهبود و بازگشت سلامتی این بیماران حتی با انجام پیوند اعضا نیز کاری غیرممکن است. موارد ذیل را می‌توان به عنوان نمونه‌ای از این بیماران ذکر کرد:

- آخرین مراحل سرطان‌های پیشرفته که در مرحله غیرقابل بازگشت بوده و منتهی به ایست قلبی-تنفسی شده است.
- نارسایی غیرقابل بازگشت چند ارگان که در مرحله غیرقابل بازگشت بوده و منتهی به ایست قلبی-تنفسی شده است.
- بیماری‌های پیشرفته مزمن کبد که در مرحله غیرقابل بازگشت بوده و منتهی به ایست قلبی-تنفسی شده است.

نمودن فرآیند مرگ می‌باشد، لذا ضروری به نظر می‌رسد که ارائه خدمات بهداشتی و پزشکی نیز مورد بازتعریف قرار گیرد و تنها بازگرداندن به زندگی، متبادرکننده ایفای وظیفه و نقش پزشکی نباشد، بلکه احترام به خواست بیمار در راستای خاتمه زندگی‌اش نیز به عنوان نوعی خدمات خطیر پزشکی مورد توجه و مذاقه قرار گیرد. از این رو، موضوعی تحت عنوان دستور عدم احیاء قلبی ریوی (DNR) به‌ویژه در بیماران درحال احتضار مطرح شده و در کانون توجه قرار گرفته است. در ادامه به این موضوع به عنوان یکی از مهم‌ترین مباحث پایان حیات، می‌پردازیم؛ و آن را از زاویه مسائل حقوقی، اخلاقی و مذهبی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

### تعریف دستور عدم احیا

عملیات احیاء مجموعه تکنیک‌هایی است که برای بازگرداندن فعالیت ارگان‌های حیاتی قلب، ریه و مغز با هدف بازگرداندن و حفظ حیات فرد صورت می‌گیرد و به دو بخش احیاء پایه و احیاء پیشرفته تقسیم می‌شود که به طور شایع برای بیماران در حال مرگ مورد استفاده قرار می‌گیرد. اما دستور عدم احیاء، اشاره به دستورالعملی در پرونده بیمار دارد که مبتنی بر این موضوع است: «در صورت وقوع ایست قلبی تنفسی عملیات احیاء قلبی ریوی نباید صورت پذیرد.» به طور معمول، این دستور برای بیمارانی صادر می‌شود که کیفیت زندگی ایشان در حال حاضر بسیار ضعیف است و یا شانس موفقیت احیاء در آنها بسیار کم است. بنابراین دستور عدم احیاء قلبی ریوی، به معنای پیشگیری از انجام دادن فرآیند احیای قلبی ریوی مغزی یا انجام ندادن حمایت‌های حیاتی پیشرفته‌ی قلبی توسط تیم درمان در بیماران درحال احتضار است.



- نارسایی احتقانی قلب پیشرفته که در مرحله غیرقابل بازگشت بوده و منتهی به ایست قلبی-تنفسی شده است.
- تشخیص مرگ مغزی که رضایت بر پیوند ندارد که در مرحله غیرقابل بازگشت بوده و منتهی به ایست قلبی-تنفسی شده است.

یکی از وظایف خطیر پزشکان این است که اطلاعات کافی از شرایط بیمار را در اختیار وی قرار دهند تا بیمار با توجه به وضعیت خود، بهترین تصمیم را در راستای داشتن یک زندگی با کیفیت برای خویش بگیرد. چنانچه دورنمایی از پیشگیری، بهبود، کنترل و تسکین درد و رنج بیمار وجود ندارد، باید مراتب به دقت به اطلاع بیمار رسانده شود و چنانچه در نهایت یک بیمار طی مراحل ذکر شده تصمیم به ممانعت از انجام درمان و احیاء بگیرد، فرآیند مذکور یک تصمیم پزشکی اخلاق‌مدارانه محسوب می‌گردد و باید مورد توجه و اجرا قرار گیرد. در حال حاضر دستور عدم احیاء به طور شایع در کشورهای اروپایی و آمریکایی مورد استفاده قرار می‌گیرد، ولی در ایران اجرای این دستور با مشکلات قانونی و اخلاقی روبه‌رو می‌باشد.



### حیات غیرمستقر و DNR

غیرمستقر حالتی است که فرد در مسیر جدایی روح از پیکرش قرار گرفته، ولی هنوز به مرحله قطع کامل نرسیده باشد، مشروط به آن که به واسطه فساد و خرابی بدن قابلیت بازگشت آن مقدار از ارتباطی که از بین رفته است وجود نداشته باشد. به منظور کشف این حالت طرق و شرایط مختلفی بیان شده است که باید از عرف مدد جست؛ یعنی معیار تشخیص غیرمستقر بودن حیات، وضعیتی است که در آن شخص در مدت زمان کوتاهی دچار مرگ قطعی خواهد شد و بنابر نظر عرف و با توجه به قرائن

فقهی در مقابل مرگ دو نوع از حیات را نیز مطرح ساخته اند، یکی حیات مستقر و دیگری حیات غیرمستقر، و برای هر یک نیز تبعات و آثار مختلفی بیان داشته اند. التزام به وجود حالت واسطه میان مرگ و زندگی واقعی، که از آن به حیات ناپایدار یاد می شود، به منظور حل مشکلی بوده است که فقها با آن روبه رو بوده اند، یعنی ظهور برخی از علایم حیات در موجودی که فاقد قابلیت برای بقا و ادامه زندگی است. به طور خلاصه، حیات ناپایدار یا

در حین و پس از هر بار احیاء نیز درد و رنج بیمار فزونی می‌یابد. بنابراین زمانی که پزشک ببیند تلاشش علاوه بر آن که اثر مثبتی به دنبال نداشته، به مرگ نیز منتهی شده است، به کاهش یا از میان رفتن انگیزه منتج خواهد شد. به بیانی دیگر، عدم ترسیم فرآیندی اخلاقی و قانونی برای اقدام به DNR سبب خواهد شد تا عدم رسیدگی کافی به بیماران دچار ایست قلبی-تنفسی به طور ضمنی مد نظر کارکنان درمانی قرارگیرد.

ثالثاً سپری شدن وقت و انرژی برای اشخاصی که فاقد حیات مستقر هستند، سبب از دست رفتن فرصت مداوای دیگر بیماران نیازمندی است که به کارگیری روش‌ها و اقدامات درمانی نسبت به آن‌ها سودمند بوده و می‌تواند در بهبودی آنان اثرات مثبتی را بر جای گذارد.

### ارتباط دستور عدم احیاء با مسائل مذهبی و اخلاقی

در اسلام، یکی از حساس‌ترین لحظات زندگی هر انسانی، زمان جان دادن او یا اصطلاحاً احتضار است. واژه‌ی احتضار از ریشه‌ی حضر، به معنای غایب نبودن گرفته شده است. جان‌کندن و حضور مرگ را احتضار می‌گویند؛ زیرا مرگ به عنوان آفریده‌ای بر سر بالین انسان می‌آید و او را به جهانی دیگر می‌برد. تیم درمان نقشی مؤثر در زندگی بیمار تا فرارسیدن زمان مرگ او دارند و این اثربخشی در هنگام وقوع مرگ و نیز در خاطرات مربوط به آن، برای بازماندگان نیز وجود خواهد داشت. نحوه‌ی مراقبت از افراد در روزهای پایان زندگی و خدمات مرتبط با فرآیند مرگ، شاخصی برای نحوه‌ی مراقبت از بیماران و افراد آسیب‌پذیر محسوب می‌شود؛ بنابراین منطقی است که این دسته از مراقبت‌ها، به عنوان فعالیت اصلی و به اندازه‌ی دیگر زمینه‌های مراقبت بهداشتی و

موجود، وی در حکم مرده قرار دارد. با توجه به آن که دچار شدن شخص به ایست قلبی-تنفسی نیز یکی از مصادیق حیات غیرمستقر بوده و در چنین حالتی عملاً فرد در حکم مرده قرار دارد، می‌توان ایست قلبی-تنفسی را بر غیرمستقر بودن حیات منطبق دانست.

### ضرورت پیش بینی دستور به DNR

اگرچه حق حیات به عنوان یکی از حقوق و اصول بنیادی و ذاتی در جوامع بین‌المللی مطرح بوده است، و با عنایت به ماده ۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی نیز هیچ فردی را نمی‌توان خودسرانه از زندگی محروم ساخت، اما در مواقعی شخص در وضعیتی قرار می‌گیرد که نمی‌توان به این قواعد و اصول استناد جست. قرارگرفتن فرد در حالت حیات غیرمستقر یکی از این حالات است. به بیانی دیگر، قراردادن شخص در وضعیت حیات غیرمستقر یکی از مواقعی است که دیگر نمی‌توان از حیات و حقوق مرتبط با آن سخن به میان آورد؛ چرا که شخص دارای حیات واقعی و به معنی مصطلح آن نیست.

به طور کلی و در توجیه DNR در مواجهه با چنین اشخاصی می‌توان چنین استدلال کرد: اولاً زمانی که وضعیت شخص به صورت حیات غیرمستقر توصیف می‌شود، عملاً دیگر نمی‌توان از وجود یک شخص زنده سخن به میان آورد و احکام مربوط به افراد زنده را نسبت به آنان جاری ساخت. به همین مناسبت بحث در خصوص لزوم حفظ حیات در ارتباط با این اشخاص نیز موضوعیتی نخواهد داشت.

ثانیاً می‌توان از عدم فایده و فقدان تاثیر سخن به میان آورد؛ چرا که دچار شدن بیمار به ایست قلبی-تنفسی عاملی خواهد بود تا مجموعه اقدامات و درمان‌های صورت‌پذیرفته به وسیله کادر درمان بی‌اثر باقی مانده و صرفاً بازه زمانی مرگ بیمار طولانی گردد، ضمن آنکه



قطع کردن  
درمان مشورت  
شود. در فقه شیعی  
اعتقاد بر این است که  
زندگی ارزشمند است و باید  
حفظ شود. حفظ زندگی، واجب  
کفایی است و عقل متعارف باید آن  
را به صورت منطقی به کار برد. از طرفی،  
در توصیه‌های اسلامی تأکید شده است  
که نباید از هیچ وسیله‌ای برای طولانی شدن  
فرآیند مرگ استفاده شود؛ باوجوداین، احکام  
فقهی و استفتائات فقهای شیعه، در خصوص  
دستور عدم احیاء قلبی ریوی وضوح کافی را  
ندارند؛ اما شاید بر اساس مبانی اسلامی، بتوان  
این چنین استنباط کرد که انسان و حیات او  
امری نیست که فرد یا بستگان او یا سایرین  
بتوانند برای خاتمه‌ی آن تصمیم بگیرند. البته  
موضوع عدم احیاء، از مسائل مستحدثه‌ی  
پزشکی محسوب می‌شود و حکم صریح شرعی  
در خصوص آن وجود ندارد. بنا به قاعده‌ی  
«کل حکم به العقل، حکم به الشرع» تفکر و  
تفقه در آن، باید مبتنی بر علم و عقل بشری

اجتماعی، با اهمیت شناخته شود. مهم‌ترین  
اقدام در این مرحله، تشخیص زمان ورود فرد به  
فاز مرگ است. این زمان، در بسیاری از اوقات  
چالش‌برانگیز است. در این مرحله ضروری است  
تا مراقبان سلامت از ترجیحات بیمار درباره‌ی  
احیاء (انجام دادن یا ندادن احیاء) آگاه باشند  
و در صورتی که بیمار توانایی لازم را برای اتخاذ  
تصمیم در این زمینه نداشته باشد، با خانواده‌ی  
بیمار درباره‌ی تصمیم‌گیری برای ادامه دادن یا



صورت بگیرد؛  
هرچند این احتمال  
نیز وجود دارد که بتوان  
از اصل مصلحت و برائت نیز  
در فقه استفاده کرد و بر این اساس  
تصمیم‌گیری صورت گیرد.

در خصوص مسئله اخلاقی بودن دستور  
عدم احیاء باید گفت پزشکان، پرستاران و  
سایر افراد تیم مراقبت از بیمار نقش مهمی در  
نحوه‌ی رویکرد به موضوع دارند. سیاست‌های  
نوشته و نانوشته‌ی اخلاقی در جوامع مختلف  
متأثر از زمینه‌های فرهنگی-اجتماعی غالب و  
نحوه‌ی برخورد کادر بهداشتی-درمانی با موضوع  
می‌باشد. تصمیم‌گیری‌های اخلاقی از عناصر  
اصلی حرفه‌ی پرستاری است و یک اولویت  
محسوب می‌شود. کادر درمان از جمله پزشکان  
و پرستاران باید از حقوق بیماران و استدلال‌های  
اخلاقی مرتبط به آن به طور کامل اطلاعات  
تخصصی داشته باشند. نتایج مطالعات نشان  
می‌دهند که اکثر پرستاران در مورد فرآیند

تصمیم‌گیری درمان  
و مراقبت از بیماران در  
مراحل پایانی زندگی رضایت  
نداشته و به نظر آنان به عقاید  
پرستاران بی‌توجهی شده است. همچنین  
براساس مطالعات انجام‌شده، بیشترین موارد  
احیاء غیرلازم در بیماران با سکنه مغزی و  
کم‌ترین مورد مربوط به بیماران دارای سرطان  
غیرقابل درمان بوده است. در مواردی که مرگ  
با توجه به دانسته‌های پزشکی قطعی است،

برخی صاحب نظران، با استناد به ماده ۳۶۵ قانون مجازات اسلامی معتقدند، می‌توان اینگونه تصمیم گرفت که اگر پزشک برای بیمار احیاء قلبی ریوی را انجام ندهد، این کار برای او، مصونیت قانونی به همراه داشته باشد.

قانونگذار در ماده‌ی ۲۱۷ قانون مجازات اسلامی، چنین بیان کرده است: «هرگاه جراحاتی که نفر اول وارد کرده، مجروح را در حکم مرده قرار داده و تنها آخرین رمق حیات در او باقی بماند و در این حال، دیگری کاری را انجام دهد که به حیات او پایان بخشد، اولی قصاص می‌شود و دومی تنها دیه‌ی مجازات بر مرده را می‌پردازد.» بنابراین، روح از زمانی که شروع به جداشدن از بدن می‌کند تا زمانی که کاملاً از آن جدا شود، به بدن خود تعلق و ارتباطی ضعیف دارد و وجود چنین ارتباطی، باعث ظهور آثار و علایمی است؛ نظیر حرکت اعضای بدن، گردش خون و تپش قلب که البته نمی‌تواند حاکی از قابلیت بدن برای ادامهی زندگی باشد؛ از آن جهت که این آثار، آثار خروج روح است، نه آثار بقای حیات. این ماده به وضعیت حیات غیرمستقر اشاره دارد که پیش‌تر به شرح آن پرداختیم.

در جمهوری اسلامی ایران، مطابق با ماده‌ی ۲۶۸ قانون مدنی، اگر پزشک یا پرستار عضو تیم درمانی با تقاضای بیمار مبنی بر تزریق داروی مرگ مواجه شد، در صورت اطمینان از قول بیمار دائر بر عفو از قصاص، پس از ورود جنایت و پیش از فوت دست‌کم مطمئن خواهد شد که قصاص نخواهد شد؛ اگرچه حکم ماده‌ی ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) شامل او می‌شود؛ البته این به شرطی است که عفو از قصاص، پس از ورود به جنایت و پیش از فوت از سوی بیمار متقاضی اتانازی با رعایت شرایط، به‌ویژه منجزبودن قصد انشای بیمار محتضر به عفو صورت پذیرد؛ همچنین، در مجازات جرائم پزشکی، به صراحت اعلام

قبول آن توسط بیمار و خانواده او و چه پزشک مجاز تلقی می‌شود. طبق تحقیقات انجام شده، حدود ۱۱ درصد پرستاران هر روز و ۶۰ درصد هر چند روز یک‌بار با چالش‌های اخلاقی مواجه می‌شوند و دستور عدم احیاء یکی از این چالش‌ها به شمار می‌آید. تصمیم‌گیری برای بحث عدم احیاء منحصر به فرد است و باید برای هر فرد به طور فردی تصمیم گرفت. یافته‌ها نشان می‌دهند پزشکان و پرستاران در مورد جنبه‌های اخلاقی عدم احیاء اطمینان لازم را ندارند. اگرچه پرستاران به صورت مکرر با معضله‌های اخلاقی دست و پنجه نرم می‌کنند، اما از آموزش لازم برای این معضله‌ها برخوردار نمی‌باشند.

### بررسی دستور عدم احیاء از نظر مسائل حقوقی و قانونی

در ایران، قانونی مشخص در خصوص دستور عدم احیاء قلبی ریوی وجود ندارد؛ از آنجا که قانونگذاری در ایران متأثر از فقه است، در اصل باید نظر فقه را جویا شد تا بر آن اساس بتوان در این خصوص قانونگذاری کرد. طبق اصل ۴ قانون اساسی، همه‌ی قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و... باید بر اساس موازین اسلامی باشد. بر همین اساس، فقهای شیعه و سنی به اتفاق آرا می‌گویند: در صورتی که مرگ شخصی مشکوک باشد، تربص و انتظار تا زمان ظهور نشانه‌های مرگ و قطعی شدن آن واجب است. بر همین اساس، مردم بر اساس آموزه‌های اسلامی نمی‌توانند به زندگیشان پایان دهند و درخواست دستور عدم احیاء قلبی ریوی را داشته باشند؛ اما اگر علاجی برای دردشان نیست آن‌ها می‌توانند از رویه‌های طولانی‌کننده‌ی حیات امتناع کنند؛ هرچند، باید تیم پزشکی آگاه به وضعیت بیمار، با مشورت کارشناسان مذهبی و فلاسفه، تصمیم نهایی را بگیرند.



این وضعیت دارای اهمیت نیست؛ یعنی شخص ممکن است بر اثر صدمه و آسیبی که بر وی وارد می‌شود در این حالت قرار گیرد یا حادث شدن این روند براساس سلسله طبیعی امور باشد. بنابراین، اشاره صدر ماده به وارد شدن آسیب به شخص، فاقد موضوعیت بوده و تفاوتی نمی‌کند که این وضعیت از چه طریقی محقق شده باشد.

ب- انجام هرگونه رفتار مثبت که سبب خاتمه یافتن حیات فرد شود عاملی خواهد بود که دیه جنایت بر میت بر عهده مرتکب بار شود. مفهوم مخالف این جمله این خواهد بود که اگر پایان زندگی شخص بدون مداخله شخصی دیگر یا به عبارتی دیگر، به صورت ترک فعل تحقق یابد، مسئولیتی به وجود نخواهد آمد.

شده، چنانچه پزشک یا جراح به قصد سلب حیات بیمار، از معالجه‌ی وی سر باز زند و در نتیجه بیمار بمیرد، چنین قتلی عمد و موجب قصاص است.

طبق ماده ۳۷۲ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) «هرگاه کسی آسیبی به شخصی وارد کند به‌گونه‌ای که وی را در حکم مرده قرار دهد و تنها آخرین رمق حیات در او باقی بماند و در این حال، دیگری با انجام رفتاری به حیات غیرمستقر او پایان دهد نفر اول قصاص می‌شود و نفر دوم به مجازات جنایت بر میت محکوم می‌شود...». با مذاقه در این ماده موارد ذیل قابل استخراج است:

الف- هرگاه شخصی فاقد حیات مستقر باشد، در زمرهٔ انسان‌های زنده قرار نمی‌گیرد. باید توجه داشت که شیوه قرارگرفتن فرد در



### نتیجه گیری

در زمینه‌ی پذیرش و اجرای دستور عدم احیاء قلبی ریوی، چالش‌های قانونی و اخلاقی و شرعی بسیاری، به ویژه در کشورهای اسلامی، ازجمله ایران، وجود دارد. براساس فرهنگ ایرانی-اسلامی آنچه آشکار می‌شود این است که ضمن در نظر داشتن کیفیت حیات در مراحل پایانی زندگی بیماران، لحظه‌های حیات نباید به راحتی بی‌ارزش شمرده شوند. بنابراین تدوین راهنمای بالینی ملی DNR منطبق با اصول اخلاقی، استانداردهای علمی و فرهنگ بومی ضروری به نظر می‌رسد. با توجه به اهمیت کرامت انسانی و لزوم رعایت اصل خودمختاری بیمار و نگاهی دقیق‌تر به خدمات پزشکی درمی‌یابیم که خودداری از اقدامات لازم جهت بازگرداندن حیات بیماری که طبق استانداردها و موازین حقوقی مشمول دستورالعمل عدم احیاء می‌باشد، می‌تواند به عنوان یک انتخاب اخلاقی محسوب گردد.

با توجه به آنچه اشاره شد قرارگیری شخص در وضعیت ایست قلبی و تنفسی یکی از حالاتی است که باید شخص را فاقد حیات مستقر دانست و با توجه به مفهوم مخالف ماده ۳۷۲ ق.م.ا. عدم انجام عملیات احیاء نسبت به چنین شخصی مانع شکل‌گیری مسئولیت است. لذا ضروری است تا مقنن نسبت به پیش‌بینی عدم احیاء در ارتباط با بیمارانی که در وضعیت فقدان حیات مستقر قرار گرفته‌اند، به این موضوع جلوه قانونی بخشیده و فرآیندی را برای مراحل مختلف DNR به تصویب رساند. بنابراین با بسترسازی مناسب و تأیید علمای فقه، قانون کشور ایران، زمینه‌ی لازم را برای تصویب قوانینی جهت مصونیت تیم درمانی در صورت انجام ندادن احیای بیمار واجد شرایط دارد.

### منابع و مأخذ

- آقابرداری مریم، بهرام نژاد فاطمه. دستور عدم احیاء قلبی ریوی (DNR) دایره‌المعارف اخلاق پزشکی ایران. نسخه ۱-۲۴، ۱۴۰۲: ۱.
- پیمانی مریم، زاهدی فرزانه، لاریجانی باقر. ۱۳۹۱. دستور عدم احیاء در جوامع مختلف و ضرورت وجود راهنمای اخلاقی کشوری؛ اخلاق و تاریخ پزشکی ایران، دوره پنجم شماره ۵: ۱۹-۳۵
- تکلیف محمدحسین، شهبازی مهدی، یوسفی پونه. چالش‌های تصمیم‌گیری اخلاقی پرستاران در خصوص دستور عدم احیاء. راهبردهای توسعه در آموزش پزشکی، ۱-۲، ۱۴۰۲، ۹ (۲)
- فرهان‌چی، افشین، رحیمی، زهره، و بعلبکی، میسور (۱۳۹۰)، تحقق جایگاه دستورالعمل عدم احیاء به عنوان انتخابی اخلاقی در خدمات پزشکی. اخلاق پزشکی، ۵ (۱۶) ویژه‌نامه (۱۱۷-۱۳۲)
- مشیراحمدی، علیرضا، حجازی، آریا، ثابتیان، گلناز، و بدیعیان موسوی، نازیلا، (۱۳۹۸)، تحلیل دستور عدم احیاء بیماران فاقد حیات مستقر با استناد به ماده ۳۷۲ ق.م.ا. مجله علمی پزشکی قانونی، ۲ (۲۵) مسلسل ۸۹، ۹۹-۱۰۳
- نظری توکلی، سعید، (۱۳۸۲)، مقایسه مرگ مغزی با حیات غیرمستقر. مقالات و بررسی‌ها، دفتر ۷۳ (۳)، ۸۷-۱۰۵

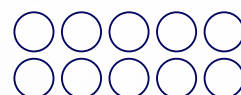


# پیامدهای اجرای علنی مجازات‌ها در جامعه ایران پس از انقلاب اسلامی

بی‌تا سادات ادیب

دانشجوی کارشناسی حقوق دانشگاه اصفهان

bitaadib82@gmail.com



## چکیده

امروزه با گسترش جرایم کیفری، قانون‌گذاران با علنی کردن اجرای مجازات‌ها سعی در کنترل و پیشگیری از جرایم کرده‌اند. اما مسائل جهانی مانند منشور حقوق بشر از یک سو و آموزه‌های دینی اسلام از سوی دیگر، سبب شده اهمیت این موضوع دوچندان شود. پژوهشگر در این مقاله به بررسی پیامدهای اجرای علنی مجازات‌ها در جامعه ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی پرداخته است.

روش تحقیق این مقاله به صورت کیفی بوده، که اطلاعات لازم با استفاده از روش‌های کتابخانه‌ای و اسنادی صورت گرفته است.

برخی از پرسش‌های این مقاله عبارت‌اند از:

- ادله موافقین و مخالفین اجرای علنی مجازات‌ها، چیست؟
- قانون اساسی ایران، نسبت به اجرای علنی مجازات‌ها چه موضعی دارد؟
- طبق بررسی‌های انجام‌شده، اصلی‌ترین منبع مورد استناد موافقین اجرای علنی مجازات‌ها، آیه دوم سوره مبارکه نور می‌باشد که قائل به اجرای علنی حد زنا می‌باشد.

همچنین مخالفین اجرای علنی مجازات‌ها نیز جهت اثبات دیدگاه خود، به بیان پیامدهای منفی فردی آن -از جمله از بین بردن زمینه اصلاح و بازپروری بزهکار و یا عدم تطبیق با اصل شخصی بودن مجازات‌ها- و همچنین آثار سوء اجتماعی‌اش -مانند از بین رفتن روحیه رحم و شفقت یا بروز طغیان و شورش عمومی- پرداخته‌اند. اما ادله ایشان در اینجا به اتمام نرسیده و متذکر به جایگاه اسلام در جهان و اثر منفی اجرای علنی مجازات‌ها بر آن نیز می‌شوند.

در این میان اما قانون‌گذاران نیز طی سال‌های اخیر با اعمال تغییرات فراوان و گاه ضد و نقیضی در قانون اساسی، به اهمیت تحقیق دقیق‌تر در این زمینه جهت دستیابی به اجماع کلی، افزوده‌اند؛ زیرا تاکنون، قانون قاطع و همراه با ابعاد واضحی در رابطه با این مسئله، به تصویب نرسیده است.

**واژگان کلیدی:** اجرای علنی مجازات‌ها، ادله موافقین، ادله مخالفین، قانون اساسی، انقلاب اسلامی ایران.



## مقدمه

دگرگونی‌های فراوانی که در جوامع مختلف روی داده است، امروزه فقط در معدودی از کشورها و از جمله ایران، شاهد آن هستیم. هنگامی که صحبت از مجازات در ملاء عام می‌شود، به معنای حاضر نمودن مجرم در محل آمدوشد مردم -از جمله میادین و مراکز شهر یا محل ارتکاب جرم- و سپس کیفر وی در منظر مردم است. در اینگونه موارد حضور افراد بدون هیچ‌گونه محدودیت و مانعی صورت می‌گیرد و معمولاً تمامی افراد جامعه می‌توانند در صحنه مجازات حاضر شوند و شاهد تعذیب بزهکار باشند.<sup>۲</sup>

لغت علن، به معنای ظاهر و آشکار کردن امری در مکانی خاص بدون اینکه مانعی برای حضور افراد در آن محل ایجاد شود<sup>۳</sup>، می‌باشد. اجرای علنی مجازات به این معناست که مجازات در مکانی اجرا شود، که اگر کسانی مایل به حضور باشند، بتوانند حضور یابند و کسی مانع حضور آنان نشود، برخلاف مجازات در ملاء عام که در محل تجمع افراد و رفت‌وآمد آن‌ها، مثلاً در میادین پرجمعیت، مجازات اجرا می‌شود. تبصره ماده ۳۵۲ آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: «منظور از علنی بودن محاکمه، عدم وجود مانع برای حضور افراد در جلسات رسیدگی است.» پس وقتی صحبت از علنی بودن محاکمه می‌شود، هرگز به این معنا نیست که در ملاء عام به اجرا درآید و دیگر اینکه در مجازات علنی، حضور افراد و مشاهده صحنه مجازات و تعذیب بزهکار با اراده و قصد قبلی صورت می‌گیرد، درحالی‌که در اجرای مجازات در ملاء عام، کسانی ناخواسته و با

از دیرباز هر جامعه انسانی دارای مجموعه‌ای از ارزش‌ها بوده است که گاهی خود را به شکل هنجار نمایان می‌کنند و گاهی به صورت قوانین. از سوی دیگر، در طول تاریخ همیشه افرادی بوده‌اند که با شرایط جامعه خود ناسازگاری‌هایی نشان داده‌اند و مرتکب جرایم متعدد شده‌اند. این معضل سبب شد تا جوامع در صدد بازدارندگی از وقوع و گسترش این جرایم بآیند. اجرای حدود و مجازات‌ها یکی از راه‌حل‌های کاربردی در این زمینه است.

اهمیت اجرای مجازات‌ها، به کنترل اجتماعی فرد محدود نمی‌شود و بسیاری از جوامع، از آن به عنوان راهکاری برای جامعه‌پذیری استفاده می‌کنند. از این رو به برخی از این حدود، شکل اجتماعی و علنی بخشیده‌اند. جامعه ایران نیز از این مسیر مستثنا نیست و به بسیاری از مجازات‌های خود شکل علنی داده است.

باید در نظر داشت که با مطالعه آثار و پیامدهای فردی و اجتماعی اجرای علنی کیفر، با استفاده از مطالعات علوم جرم‌شناسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و... است که می‌توان با توجه به شرایط زمان و مکان و در نظر گرفتن فرهنگ و افکار عمومی هر جامعه، راجع به این امر تصمیم مقتضی را اتخاذ کرد.<sup>۱</sup>

محقق در نظر دارد که پیامدهای اجرای علنی مجازات‌ها را در دهه اخیر جامعه ایران بررسی کند.

## ۱- معنای اجرای علنی مجازات

مجازات در ملاء عام که به معنای حاضر نمودن مجرم در اماکن عمومی و در انظار اقشار مختلف اجتماع می‌باشد، روزگاری در میان اکثر ملت‌های جهان رایج بود؛ اما با توجه به

۱. پورحسینی، محمدجواد، سیدمهدی قریشی، محمد حسن جوادی، ۱۳۹۶، بررسی اجرای علنی مجازات‌ها از منظر علم کیفرشناسی و آراء فقها، پژوهشنامه حقوق اسلامی، سال هجدهم، شماره اول (پیاپی ۴۵)، صص ۱۵۹-۱۸۴.

۲. اسمعیل‌پور ورمزیار، عالیه، ۱۳۹۳، بررسی فقهی-حقوقی اجرای مجازات در ملاء عام با نگاهی به موازین حقوق بشر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی، صص ۱-۱۵۸.

۳. پورحسینی، محمدجواد، سیدمهدی قریشی، محمد حسن جوادی، ۱۳۹۶، بررسی اجرای علنی مجازات‌ها از منظر علم کیفرشناسی و آراء فقها، پژوهشنامه حقوق اسلامی، سال هجدهم، شماره اول (پیاپی ۴۵)، صص ۱۵۹-۱۸۴.

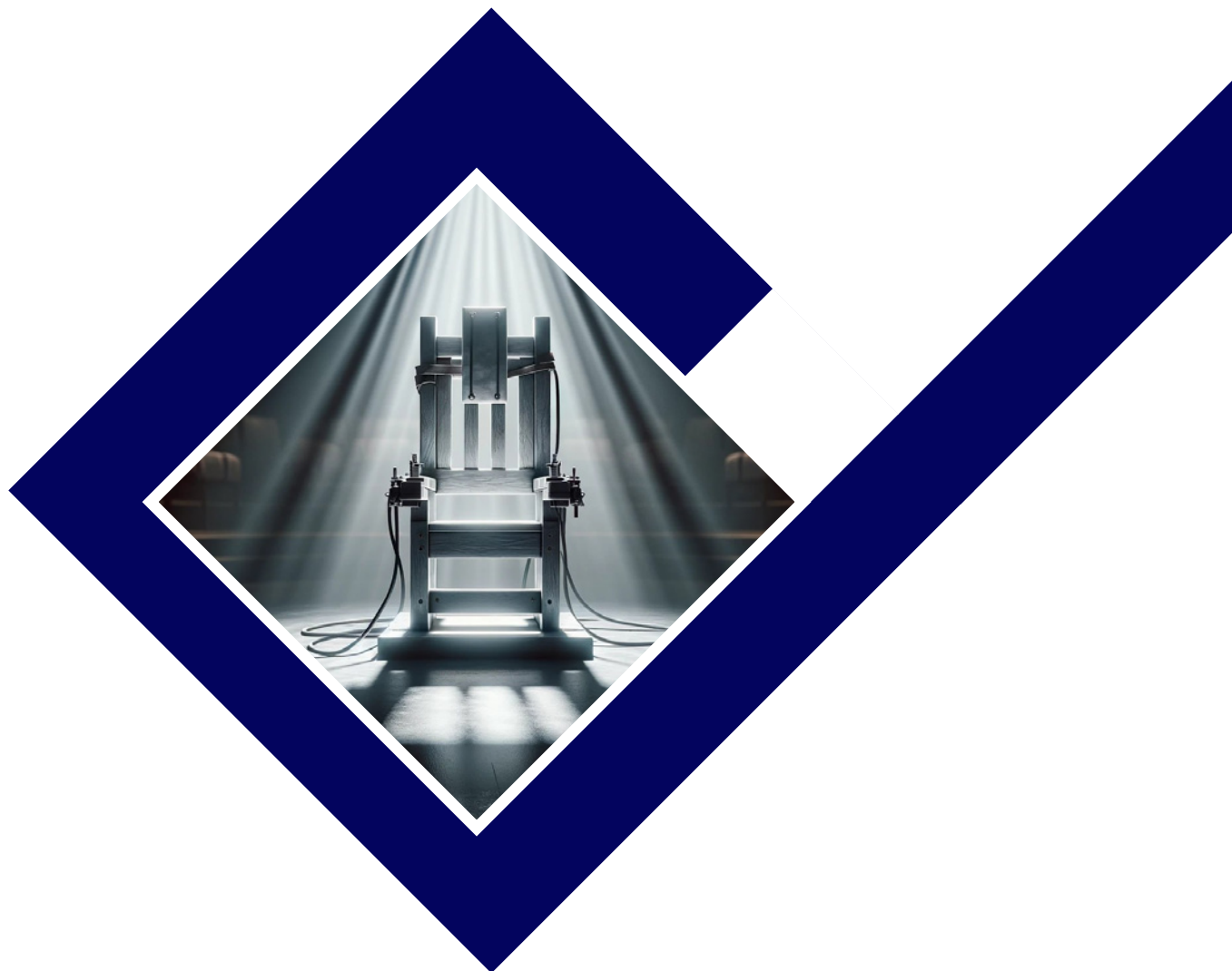


کراحت شاهد اجرای مجازات خواهند بود و ممکن است پیامدهای ناخوشایندی در اجتماع برجای بگذارد. اما این دو اصطلاح در عرف امروز، در یک معنا به کار برده می‌شوند و هنگامی که سخن از اجرای مجازات در ملاء عام و یا به صورت علنی به میان می‌آید، مقصود از آن دو، اجرای مجازات در مکان‌های عمومی و در منظر مردم می‌باشد.<sup>۴</sup>

در این مقاله نیز از این دو اصطلاح، در یک معنا استفاده شده است.

اجرای علنی مجازات‌ها، همواره یکی از چالش‌های نظام کیفری ایران، پس از پیروزی انقلاب اسلامی بوده است. این موضوع البته در محافل علمی هم از مباحث بحث‌برانگیز است. روند روبه‌رشد اجرای علنی مجازات‌ها در ایران، از اوایل سال ۱۳۶۰ آغاز شد و به کرات اعدام برخی مجرمان جرایم مواد مخدر و همچنین مجازات‌هایی مانند شلاق در ملاء عام اجرا شد. به نظر می‌رسد سیاست‌گذاران در آن سال‌ها با تکیه بر آثار ترهیبی اجرای علنی مجازات، انتظار داشتند در کوتاه زمانی مشکلات بزرگ از جامعه رخت بربندد و مثلاً فی‌الفور جرایم مواد مخدر ریشه‌کن شود. در عمل، اما نه تنها چنین نشد، بلکه نتایج برخی تحقیقات حاکی از آن است که

۴. اسمعیل‌پور ورمزیار، عالیہ، ۱۳۹۳، بررسی فقهی-حقوقی اجرای مجازات در ملاء عام با نگاهی به موازین حقوق بشر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی، صص ۱-۱۵۸.



با استناد به قرآن و سیره پیامبر و ائمه اطهار، قائل به وجوب و یا استحباب این فعل هستند و همچنین در اثبات عقلی نظریه خود، به بیان فواید و آثار مثبت این عمل می‌پردازند.

## ۲-۱- استناد قرآنی

مهم‌ترین مورد نقلی موافقین اجرای علنی مجازات‌ها، آیه دوم سوره نور می‌باشد. در این آیه خداوند می‌فرماید: «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلْيَشْهَدْ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ.» «باید شما مومنان هریک از زنان و مردان زناکار را به صد تازیانه مجازات و تنبیه کنید و

در آن بازه زمانی (اوایل دهه شصت تا اواخر دهه هفتاد شمسی) با وجود گستردگی اجرای علنی احکام اعدام صادره برای مجرمین مواد مخدر، نرخ این جرایم افزایشی بوده است.<sup>۵</sup> اجرای علنی مجازات‌ها همواره موافقین و مخالفینی داشته است که هر گروه بنابر ادله خاص خود، از این فعل دفاع کرده و آن را به صلاح جامعه دانسته و یا ضمن رد کردن آن، علنی بودن مجازات را برخلاف مصالح اجتماعی و ناقض حقوق فردی می‌دانند.

## ۲-۲ ادله موافقین اجرای علنی مجازات‌ها

گروهی با ادله گوناگون عقلی و نقلی، قائل به وجوب اجرای علنی مجازات‌ها هستند. ایشان

۵. کوهی، مینا، ۱۳۹۶، اجرای علنی مجازات؛ رویکردها، اهداف، پیامدها؛ همایش پیشگیری از خشونت؛ چالش‌ها و راهکارها، صص ۱-۱۴.

بر فرد واحد صحیح می‌دانند و بر این اساس در اجرای حد در خصوص موضوع آیه، قائل به حضور حداقل یک نفر هستند. عده‌ای دیگر از فقها همچون علامه حلی از باب احتیاط، مراد از طائفه را دو نفر دانسته و در مقام استدلال به آیه ۱۲۲ سوره توبه استناد کرده است. کلمه «فرقه» در این آیه اسم جمع است و حداقل بر سه نفر دلالت دارد و طائفه که از آن استثناء شده، دلالت بر دو یا یک نفر دارد، لکن از باب احتیاط حمل بر دو نفر شده است. از مجموع اقوال فقها اینگونه برداشت می‌شود که منظور آیه از اجرای مجازات به نحو مذکور، حضور عده‌ای انگشت‌شمار از «مؤمنان» و آگاهی عمومی از اجرای احکام جزایی و تا حدودی تحمیل رنج روانی آن بر مرتکب بوده است و نه لزوماً فراخوان و مشاهده عمومی صحنه اجرای مجازات.<sup>۸</sup>

## ۲-۲-۲- استناد عقلی

موافقین اجرای علنی مجازات‌ها، همچنین با بیان آثار و فواید فردی و اجتماعی این نوع از مجازات، خواهان تثبیت هرچه بیشتر آن در دستگاه قضا هستند. در ادامه به برخی از فواید مطرح‌شده از سمت ایشان می‌پردازیم.

## ۲-۲-۱- ارباب و بازدارندگی

تحقیقات نشان داده‌اند که اعدام در انتظار عمومی، شاید موقتاً از ارتکاب قتل جلوگیری کند، اما این تأثیر در طولانی‌مدت وجود ندارد و در حقیقت، تنها موجب به تعویق افتادن آن می‌شود. در تحقیقی در سال ۱۹۸۰ به تحلیل ۲۲ اعدام مشهور اجراشده در لندن

هرگز درباره آنان در دین خدا رأفت و ترحم روا مدارید اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید و باید عذاب آن بدکاران را جمعی از مومنان مشاهده کنند.»

با توجه به ظاهر عبارت «وَلِيَشْهَدَ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ»، عده‌ای از فقها قائل به وجوب حضور تعدادی از مؤمنین به هنگام اجرای حد می‌باشند. بنابر عقیده این گروه، «والیشهد» صیغه امر و دستور است و طبق قاعده، صیغه امر ظهور در وجوب دارد و اصل در آن وجوب می‌باشد، پس طبق این بخش از آیه، اجرای حد می‌بایست در حضور مردم انجام شود.<sup>۶</sup>

در تفسیر «منهج الصادقين فی الزام المخالفين» در مورد قید «من المؤمنين» آمده است: «طائفة من المؤمنين؛ گروهی از مومنان تا تشهیر یابند به این عمل شنیع و فضیح و این تفصیح مانع معودت ایشان شود بر مثل آن عمل و ردع حاضران نماید بر ارتکاب آن، و قید مومنین به جهت آن است که تا اقامت حد مانع کفار نشود از اسلام آوردن و یا به جهت آنکه ظهور فسق فاسق میان صلحا / فاضحست و لهذا مکروه است اقامت در عرض عدو.» کتاب «تفسیر آسان» نیز در این باره بیان می‌دارد: «گرچه خدا می‌داند ولی شاید بتوان گفت، که چون کافران دشمنان اسلامند، و از دیدن اینگونه مناظر خوشحال و مسرور می‌شوند لذا اسلام نمی‌خواهد کافران که نسبت به اسرار اسلام نامحرم هستند، از دیدن اینگونه منظره‌ها مسرور و خوشحال شوند.»<sup>۷</sup> اینک کلمه «طائفه» بر چند نفر قابل اطلاق است، بحثی اختلافی است. عده‌ای اطلاق آن را

۶. اسمعیل پور ورمزیار، عالیه، ۱۳۹۳، بررسی فقهی-حقوقی اجرای مجازات در ملاء عام با نگاهی به موازین حقوق بشر، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی، صص ۱-۱۵۸.

۷. محقق داماد، سیدمصطفی، مهدی نیکجو، ۱۳۹۳، اجرای علنی مجازات‌های اسلامی، دو فصلنامه علمی - تخصصی پژوهشنامه فقهی، دوره سوم، شماره دوم، ۱۳۹۴، صص ۷۹-۱۰۰.

۸. امیدی، جلیل، حسینی عطوف، ۱۳۹۴، اجرای علنی مجازات: توجیهات و تبعات، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۲، شماره ۵۴، صص ۲۱۳-۲۳۶.

### ۲-۲-۳- افزایش سطح احساس امنیت اجتماعی و روانی در مردم

برخی از جرایم، احساس امنیت را در جامعه به مخاطره می‌اندازند و اجرای علنی مجازات‌ها سبب می‌شود بخشی از این احساس امنیت بربادرفته، به جامعه برگردد و آرامش روانی مردم را به ارمغان بیاورد.

### ۲-۲-۴- به نمایش گذاشتن اقتدار نظام

اجرای علنی مجازات مرتکبین جرایم سنگین و جنایات وحشتناک، از مصادیق بارز اقتدار نظام محسوب شده و نشانگر قاطعیت دولتمردان در اجرای قوانین و برخورد مقتدرانه با جنایتکاران می‌باشد.<sup>۹</sup>

از نظر «فوکو»، نمایش تعذیب و مجازات بزهکاران در ملاء عام به سبب برقراری مجدد عدالت نیست، بلکه منظور این است که قدرت را دوباره فعال می‌کند. در واقع، وی تمام بی‌رحمی‌های نهفته در مجازات، نمایش آن، خشونت بدنی، مراسم دقیق، و خلاصه دستگاه تمام‌عیار تعذیب را به دلیل عملکرد سیاسی نظام جزایی می‌داند.<sup>۱۰</sup>

### ۲-۲-۵- پیشگیری از تبانی‌های احتمالی در اجرای حدود و مجازات‌ها

اجرای علنی حدود و مجازات‌ها، خود، تضمینی برای اجرای صحیح قوانین بوده و راه هرگونه مسامحه‌کاری در اجرای قوانین جزایی را

براساس آرشیو روزنامه تأیمر بین سال‌های ۱۸۵۸ تا ۱۹۲۱ و تأثیرات آن بر میزان هفتگی قتل پرداخته شد. تعداد قتل‌ها در هفته‌ای که اعدام انجام گرفته و هفته‌های بعد از آن مقایسه شد و نتایج نشان داد که اعدام هم در هفته اجرای آن و هم در هفته‌های بعدی نقش برجسته‌ای در کاهش تعداد قتل‌ها داشته، اما بعد از آن این کاهش از بین رفته و جای خود را به افزایش برجسته‌ای در هفته‌های بعدی داده است. فرض بازدارندگی را شاید بتوان مهم‌ترین دلیل معتقدان به مجازات شدید و به خصوص موافقان اجرای علنی آن‌ها به حساب آورد. فرض این است که ترس از احتمال مجازات، هنوز هم می‌تواند تأثیرگذار باشد و مانع قرار گرفتن افراد در شرایطی شود که کنترل خود را از دست بدهند.<sup>۹</sup>

### ۲-۲-۲- تنبیه و اصلاح بزهکار

عده‌ای معتقدند که اجرای علنی کیفرها، به‌ویژه حدود الهی، موجب تطهیر و اصلاح شخص بزهکار می‌شود و درواقع، بزهکار پس از تحمل مجازات در ملاء عام به عنوان کفاره گناه خود، سعی در اصلاح و بازسازی خویش می‌نماید.<sup>۱۰</sup>

اما مسئله‌ای که در این میان مطرح می‌باشد این است که در مجازات‌های سالب حیات، اساساً اصلاح و بازپروری مجرم منتفی است و پیامدهای ناشی از اجرای علنی اینگونه مجازات‌ها را می‌بایست در بازخوردهای اجتماعی آن بررسی کرد.<sup>۱۱</sup>

۹. امید، جلیل، حسینعلی عطوف، ۱۳۹۴، اجرای علنی مجازات: توجیهات و تبعات، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۲، شماره ۵ و ۴، ص ۲۱۳-۲۳۶.

۱۰. پورحسینی، محمدجواد، سیدمهدی قریشی، محمد حسن جواد، ۱۳۹۶، بررسی اجرای علنی مجازات‌ها از منظر علم کیفرشناسی و آراء فقها، پژوهشنامه حقوق اسلامی، سال هجدهم، شماره اول (پیاپی ۴۵)، ص ۱۵۹-۱۸۴.

۱۱. اسمعیل‌پور ورمزیار، عالیہ، ۱۳۹۳، بررسی فقهی-حقوقی اجرای مجازات در ملاء عام با نگاهی به موازین حقوق بشر، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی، صص ۱-۱۵۸.

۱۲. فلاح احمدچالی بابلی، حسن، ۱۳۸۶، اجرای علنی حدود و مجازات‌ها از منظر عقل و نقل، مجله فقه و مبانی حقوق، شماره ۸، صص ۲۵۲-۲۶۴.

۱۳. اسمعیل‌پور ورمزیار، عالیہ، ۱۳۹۳، بررسی فقهی - حقوقی اجرای مجازات در ملاء عام با نگاهی به موازین حقوق بشر، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی، صص ۱-۱۵۸.

سد می‌کند، چون  
در غیر این صورت گاهی  
ممکن است مأمورین اجرای  
احکام با تنظیم صورت‌جلسات واهی،  
حدود اجرانشده را اجراشده گزارش دهند و  
اعتماد مردم به دستگاه‌های قضایی و انتظامی  
را از آنان سلب کنند.<sup>۱۴</sup>

#### ۲-۶-۲- جبران هیبت شکسته‌شده گناه

هنگامی که شخصی به صورت علنی اقدام به ارتکاب معاصی  
و جرایم می‌نماید، درواقع قبح آن گناه را در جامعه و بین مردم،  
دچار آسیب و خدشه می‌نماید. یکی از پیامدهای مثبتی که برای اجرای  
علنی مجازات‌ها درنظر گرفته می‌شود این است که با توسل به این  
روش، آسیب به وجودآمده ترمیم شده و عظمت گناه، با اقامه چنین کیفری  
به حالت نخست برمی‌گردد. می‌توان گفت مجازات شلاق در ملاء عام که  
گاهی برای روزه‌خواری در ماه رمضان به اجرا درمی‌آید نیز با همین هدف اعمال  
می‌شود.<sup>۱۵</sup>

#### ۲-۷-۲- پیشگیری از تعطیلی حدود

برخی صاحب‌نظران معتقدند اجرای حدود در ملاء عام، واجب است و آن را موجب  
پیشگیری از فساد در جامعه می‌دانند. از نظر این گروه، اجرای حدود اسلامی در هیچ صورتی  
تعطیل‌شدنی نیست و نمی‌توان به بهانه اوضاع و احوال، تغییری در حدود الهی و یا شیوه  
اجرای آن‌ها داد و علت تمام ناهنجاری‌ها را در عدم اجرای حدود می‌دانند. برخی دیگر نیز  
بیان می‌دارند که اجرای علنی حدود، از عدم اجرا و یا تعطیلی تدریجی آن‌ها جلوگیری به  
عمل می‌آورد و بدین وسیله برکات اجرای حد نصیب جامعه می‌شود.<sup>۱۶</sup>

۱۴. فلاح احمدچالی بابل، حسن، ۱۳۸۶، اجرای علنی حدود و مجازات‌ها از منظر عقل و نقل، مجله فقه و مبانی حقوق، شماره ۸، صص ۲۵۲-۲۶۴.

۱۵. اسمعیل‌پور ورمزیار، عالیہ، ۱۳۹۳، بررسی فقهی-حقوقی اجرای مجازات در ملاءعام با نگاهی به موازین حقوق بشر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی، صص ۱-۱۵۸.

۱۶. اسمعیل‌پور ورمزیار، عالیہ، ۱۳۹۳، بررسی فقهی-حقوقی اجرای مجازات در ملاء عام با نگاهی به موازین حقوق بشر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی، صص ۱-۱۵۸.

### ۳- ادله مخالفین اجرای علنی مجازات‌ها

در مقابل موافقین اجرای علنی مجازات‌ها، عده‌ای نیز با بیان خطرات و پیامدهای منفی آن، در پی حذف و یا اجرای کنترل‌شده‌تر هستند. در ادامه به برخی از ادله ایشان می‌پردازیم.

موجب قساوت قلب مأمورین اجرای حکم و حتی مردمی که به تماشای صحنه اجرای مجازات آمده‌اند شده و آنان را از خوی انسانی دور ساخته و و طبع حساس و سریع‌التأثیر جوانان را به خشونت عادت می‌دهد.<sup>۱۹</sup>

### ۳-۱- اثرگذاری منفی بر روی کودکان

زمانی که مجازات در یک مکان عمومی به اجرا در می‌آید، عملاً مشاهده می‌شود که اقشار گوناگون اجتماع از سرکنجکاو هم که شده به تماشای مراسم می‌روند. تحقیقات روان‌شناختی تأیید می‌کند که بسیاری از رفتارها و یادگیری‌ها از طریق تقلید و مشاهده رخ می‌دهد. یکی از موارد ناخوشایندی که چندین بار در کشور ما و در سایر کشورها اتفاق افتاده است، تقلید و بازسازی صحنه اعدام توسط کودکان است که منجر به مرگ چندین کودک بی‌گناه شده است. برای مثال، طبق برخی گزارش‌ها در حادثه‌ای یک کودک هفت‌ساله در دهستان «فیشور» استان فارس، در پی اعدام دو تن از اهالی آن منطقه که مورد بحث مردم بود، پس از اقدام به بازسازی کودکانه صحنه اعدام در حیاط خانه، جان باخت.<sup>۱۷، ۱۸</sup>

### ۳-۳- از بین بردن زمینه اصلاح و بازپروری بزهکار

هنگامی که فرد مرتکب قانون‌شکنی می‌شود، در صورتی که با او به مسامحه برخورد شود و برچسب مجرم نخورد، او نیز خود را به عنوان مجرم بازتعریف نخواهد کرد. اما اگر بازخورد جدی بوده و فرد از طرف نهادهای رسمی یعنی دادگاه و پلیس و یا افراد مهمی چون خانواده، دوستان، معلمان مدرسه و همکاران و رؤسا در محل کار بزهکار تلقی شود، خود او نیز در تعریف هویتی خویش، این برچسب را می‌پذیرد و خود را مجرم خواهد دانست. پس از آن براساس این تصور از خود، احتمال ارتکاب اعمال مجرمانه از سوی او بیشتر خواهد شد. چنین فردی با برچسبی که جامعه بر او تحمیل کرده است، به شکل هم‌نویانه برخورد خواهد کرد و براساس انتظاراتی که از نقش او به عنوان یک شخص منحرف می‌رود، دست به کنش خواهد زد.<sup>۲۰</sup>

### ۳-۲- از بین رفتن روحیه رحم و شفقت

از نمایش صحنه‌های خونی و بی‌رحمانه و شقاوت‌آمیز باید جلوگیری نمود؛ زیرا این‌گونه صحنه‌ها، روح بیننده را سرکش و وحشی بار می‌آورد. قوانین بی‌رحم و خون‌ریز، خلیات و روحیات را خشن، بی‌رحم و خون‌آشام می‌کند. علاوه بر این، مجازات‌های بدنی در انظار عموم

### ۳-۴- ترویج خشونت و انتقام

این مسئله در دو بعد قابل بررسی است؛ یکی از باب تأثیر بر جامعه و افراد حاضر در صحنه مجازات، و دیگری بر خود فرد مجرم. برخی معتقدند اعمال تنبیهات قانونی در

۱۷. همان.

۱۸. [www.hamshahrionline.ir](http://www.hamshahrionline.ir) (اعدام‌بازی جان پسر ۷ ساله را گرفت). ۱۳۹۲/۰۸/۲۷.

۱۹. پورحسینی، محمدجواد، سیدمهدی قریشی، محمدحسن جوادی، ۱۳۹۶، بررسی اجرای علنی مجازات‌ها از منظر علم کیفرشناسی و آراء فقها، پژوهشنامه حقوق اسلامی، سال هجدهم، شماره اول (پیاپی ۴۵)، صص ۱۵۹-۱۸۴.

۲۰. حسینی، سیمحمد، نفیسه متولی‌زاده نائینی، ۱۳۹۰، بررسی نظریه برچسب‌زنی با نگاه به منابع اسلامی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۲، شماره ۴ (۱۳۹۱)، صص ۱۱۷-۱۳۶.

انظار عمومی، به تدریج خشونت را در میان مردم افزایش می‌دهد. به گفته «لاشیز»، در مجلس مؤسسان فرانسه در سال ۱۷۹۱،

“

«مردمی که به دیدن جاری شدن خون عادت کرده‌اند، خیلی زود یاد می‌گیرند که نمی‌توان بدون خون‌ریزی انتقام گرفت. از طرفی برخی مجرمان خود را مظلوم در جامعه می‌دانند و در خصوص این افراد، چنانچه کیفر بدون توجه به مسائل انسانی شخص بزهکار اعمال شده باشد، سبب تقویت حس مظلومیت در وی می‌شود و فرد را بیش از پیش متقاعد می‌سازد که علیه جامعه می‌بایست اقدام نماید و انتقام ستم‌های متعدد اجتماع و از آن جمله، مجازاتی که به نظر وی ناعادلانه و غیرموجه بوده است را از مردم بگیرد.»<sup>۲۱</sup>

”

### ۳-۵- بروز طغیان و شورش عمومی

عده‌ای معتقدند که اجرای مجازات‌های بدنی در ملاء عام، سبب بروز طغیان، شورش عمومی و تهییج مردم علیه هیأت حاکمه شده و همچنین کشورهایی که اجرای مجازات‌ها به این شکل را تجویز کرده‌اند، بیشتر دچار انقلاب و اغتشاش شده‌اند.<sup>۲۲</sup>

### ۳-۶- حساسیت‌زدایی

مطابق با یافته‌های روان‌شناسان اجتماعی، قرار گرفتن مکرر در معرض اخبار دردناک

۲۱. اسمعیل‌پور ورمزیار، عالییه، ۱۳۹۳، بررسی فقهی-حقوقی اجرای مجازات در ملاء عام با نگاهی به موازین حقوق بشر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی، صص ۱-۱۵۸.

۲۲. کوهی، مینا، ۱۳۹۶، اجرای علنی مجازات: رویکردها، اهداف، پیامدها؛ همایش پیشگیری از خشونت؛ چالش‌ها و راهکارها، صص ۱-۱۴.





آستانه تحمل جامعه در برابر خشونت، به افزایش رفتارهای خشونت‌بار توسط افراد همین جامعه می‌انجامد. چنین اقداماتی موجب ضدارزش شدن سیاست‌ها و واکنش منفی نسبت به آن از سوی جامعه می‌شود.<sup>۲۴</sup>

### ۳-۸- عدم رعایت اصل شخصی بودن مجازات

اصل شخصی بودن مجازات‌ها بیانگر این است که مجازات تنها بر بزهکار اعمال شود و سایر افراد، حتی خانواده و بستگان بزهکار باید مصون از مجازات بمانند. برخی معتقدند که اجرای علنی کیفر با اصل شخصی بودن مجازات‌ها منافات دارد، چرا که موجبات لکه‌دار شدن اعتبار و حیثیت خانوادگی اطرافیان بزهکار را فراهم آورده و در نتیجه دید اجتماع نسبت به آن‌ها عوض شده و اینگونه طرز تلقی‌ها مشکلات فراوانی برای آن‌ها ایجاد خواهد کرد.<sup>۲۵</sup>

و حوادث ناگوار، به تدریج اثر کرخت‌کننده‌ای بر حساسیت افراد نسبت به آن‌ها به وجود می‌آورد، به گونه‌ای که دیگر از دیدن چنین صحنه‌هایی احساس رنجش و ناراحتی نمی‌کنند. بنابراین اعدام مجرمین می‌تواند منجر به عادی شدن فرآیند مرگ یک انسان برای ناظران شود، تاجایی که یک انسان در برابر دیدگانشان به سختی در حال جان‌کندن است؛ درحالی که آن‌ها با بی‌تفاوتی نظاره می‌کنند.<sup>۲۳</sup>

### ۳-۷- از بین بردن قبح جرم

افرادی که به طور معمول در برابر خشونت و رفتارهای خشن واکنش منفی نشان می‌دهند و آن را قبیح می‌دانند و از انجام چنین رفتارهایی پرهیز می‌نمایند، در صورت مشاهده مکرر رفتارهای خشن (آن هم به طور رسمی) حساسیتشان نسبت به خشونت کاهش می‌یابد. به عبارت دیگر، اجرای علنی مجازات با بالا بردن

۲۳. اسمعیل‌پور ورمزیار، عالی‌ه، ۱۳۹۳، بررسی فقهی-حقوقی اجرای مجازات در ملاء عام با نگاهی به موازین حقوق بشر، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی، صص ۱-۱۵۸.

۲۴. کوهی، مینا، ۱۳۹۶، اجرای علنی مجازات؛ رویکردها، اهداف، پیامدها؛ همایش پیشگیری از خشونت؛ چالش‌ها و راهکارها، صص ۱-۱۴.

۲۵. پورحسینی، محمدجواد، سیدمهدی قریشی، محمدحسن جواد، ۱۳۹۶، بررسی اجرای علنی مجازات‌ها از منظر علم کیفرشناسی و

### ۳-۹- وهن اسلام

با اجرای مجازات‌های حدی مانند رجم و قطع ید و امثال آن، به‌ویژه در ملاء عام، زمینه برای تبلیغات علیه نظام اسلامی در مجامع بین‌المللی فراهم می‌آید و موجب تنفر عمومی نسبت به دین و احکام الهی و نهایتاً منجر به وهن اسلام می‌گردد. آیت‌الله بجنوردی، عضو سابق شورای عالی قضایی، معتقد است که هرگاه نوعی از حدود موجب وهن اسلام شود، باید متوقف و بدل آن دنبال شود. به نظر فاضل میبیدی نیز چنانچه حکمی برخلاف مصلحت جامعه اسلامی باشد و موجب وهن جمهوری اسلامی ایران، و در جوامع بین‌المللی سبب انزجار از جامعه اسلامی شود، می‌تواند اجرا نشود.<sup>۲۶</sup>

### ۴- قوانین اجرای علنی مجازات‌ها در ایران

از جمله قوانین اولیه‌ای که پس از انقلاب به تصویب رسید، قانون حدود و قصاص مصوب ۱۳۶۱/۰۶/۰۳ بود. ماده ۱۱۶ این قانون، در رابطه با کیفیت اجرای حد، اظهار می‌دارد: «مناسب است حاکم شرع، مردم را از زمان اجرای حد آگاه سازد و لازم است عده‌ای مؤمنین که از سه نفر کمتر نباشند، در زمان اجرای حد، حاضر باشند.»

شورای عالی قضایی در سال ۱۳۶۵، طی بخشنامه‌ای از مراجع قضایی می‌خواهد که جز در موارد الزام قانونی، از صدور احکام اجرای علنی مجازات خودداری کنند. متن بخشنامه: «نظر به اینکه اجرای احکام محکومیت‌های جزائی در ملاء عام و مجتمع‌های انسانی نظیر مدارس، آثار ناخواسته‌ای را ایجاد می‌کند،

بنا به تصویب شورای عالی قضایی در جلسه ۱۱۶-۲۷/۰۲/۱۳۶۵، لازم است کلیه دادگاه‌ها و دادرها توجه اکید نمایند جز در مواردی که قانوناً ملزم‌اند، از صدور چنین احکامی خودداری ورزند و دادرها نیز در اجرای احکام در ملاء عام به اجتماع حداقل افراد در محل دادر یا کلانتری یا زندان و محل‌های نظیر آن اکتفا نموده، از اجرای حکم به ابتکار شخصی در صحن یا مقابل دبیرستان‌ها و اماکن نظیر آن، مؤکداً خودداری نمایند و بر رعایت این مقررات از سوی ضابطین و مأمورین اجرا نیز مراقبت دقیق نمایند.»<sup>۲۷</sup>

در سال ۱۳۶۷ اداره حقوقی دادگستری در نظریه شماره ۷/۶۲۴۱ مورخ ۱۳۶۴/۱۱/۱۹ با تأکید بر لزوم تصریح قانونگذار به اجرای علنی مجازات، اشعار داشت: «در تعزیرات، دادگاه تنها وقتی می‌تواند حکم به اجرای شلاق در ملاء عام بدهد که قانون چنین اجازه‌ای را صریحاً داده باشد؛ زیرا زدن شلاق یک مجازات است و بودن آن در ملاء عام که مستلزم هتک حیثیت مضروب می‌شود، مجازاتی دیگر است که بدون وجود قانون جایز نیست.»<sup>۲۸</sup>

اما در همین سال قوه قضائیه در قانون مبارزه با جرایم مواد مخدر، با بیانی مخالف به شکل زیر روبه‌رو شد. به علت گستردگی جرایم مواد مخدر و اجرای مجازات علنی آن‌ها با وجود عدم نص قابل استناد، در سال ۱۳۶۷، در قانون مبارزه با جرایم مواد مخدر در مواد ۶ و ۹، اجرای علنی مجازات پیش‌بینی و به دنبال آن در مواد ۹ و ۱۱ مصوبه سال ۱۳۷۶ نیز بار دیگر اجرای علنی مجازات

آراء فقها، پژوهشنامه حقوق اسلامی، سال هجدهم، شماره اول (پیاپی ۴۵)، صص ۱۵۹-۱۸۴.

۲۶. اسمعیل‌پور ورمزیار، عالییه، ۱۳۹۳، بررسی فقهی-حقوقی اجرای مجازات در ملاء عام با نگاهی به موازین حقوق بشر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی، صص ۱-۱۵۸.

۲۷. کوهی، مینا، ۱۳۹۶، اجرای علنی مجازات؛ رویکردها، اهداف، پیامدها؛ همایش پیشگیری از خشونت؛ چالش‌ها و راهکارها، صص ۱-۱۴.

۲۸. امیدی، جلیل، حسینعلی عطف، ۱۳۹۴، اجرای علنی مجازات: توجیهات و تبعات، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۲، شماره ۵۴، صص ۲۱۳-۲۳۶.

نشود، از حضور آن‌ها جلوگیری شود؛ اما در این تبصره، منظور از طبقه خاص را مشخص ننموده است که در چه مواردی و شامل چه کسانی می‌شود. تبصره فوق، به طور تلویحی علنی بودن مجازات را پذیرفته است.<sup>۳۱</sup>

در نهم بهمن ماه سال ۱۳۸۶، آیت‌الله شاهرودی، رئیس وقت قوه قضائیه، با صدور بخشنامه‌ای، خواهان توقف حکم اعدام در ملاء عام شد. در این بخشنامه تصریح شده بود که از آن تاریخ به بعد اجرای احکام اعدام به صورت علنی، تنها در صورت موافقت رئیس قوه قضائیه و بنابر ضرورت‌های اجتماعی امکان پذیر خواهد بود، علاوه بر این، انتشار عکس و تصاویر مربوط به اعدام در رسانه‌ها ممنوع اعلام شد. اما از آنجایی که بخشنامه مذکور، به صورت قانون مدون درنیامد، قضات ملزم به اجرای آن نبوده‌اند. از این رو با اینکه مدت کوتاهی، مجازات‌ها در ملاء عام کمتر به اجرا درمی‌آمد اما رفته‌رفته و با روی کار آمدن ریاست جدید قوه قضائیه، اجرای علنی در خصوص جرایم متعدد به اجرا درآمد.

با تصویب آ.د.ک. در سال ۱۳۹۲، قانونگذار در ماده ۴۹۹ اجرای مجازات در ملاء عام را ممنوع دانست؛ ولی مطابق با این ماده در مواردی می‌توان مجازات‌ها را به صورت علنی اجرا نمود.<sup>۳۲</sup>

همانطور که مشاهده شد، در رابطه با اجرای علنی مجازات‌ها، در قانون ایران، به طور مرتب شاهد تغییرات و تحول بوده‌ایم و این مسئله با وجود اعلام ممنوعیت، بازهم دارای ابعاد نامعلومی است که سبب سردرگمی در استنتاج قانونی از آن شده است.

توصیه شد. به موجب این مواد، چنانچه در مرتبه چهارم، تکرار مواد مخدر در اثر تکرار به سی گرم برسد یا اقدام به قاچاق مواد مخدر به صورت مسلحانه صورت گیرد، مرتکب به اعدام محکوم شده و در صورت مصلحت، در محل زندگی و در ملاء عام مجازات می‌شود. برخی پژوهش‌های انجام گرفته در خصوص میزان اعدام‌های علنی جرایم مواد مخدر بین سال‌های ۱۳۶۲ تا ۱۳۷۸، حاکی از آن است که ۱۸ درصد آن‌ها در ملاء عام صورت پذیرفته است. در حالی که میزان وقوع جرایم در این سال‌ها رو به افزایش بوده است.<sup>۲۹</sup>

در ماده ۲۹۰ آ.د.ک. مصوب سال ۱۳۷۸ آمده است: «محل و چگونگی اجرای حکم شلاق به تشخیص دادگاه با رعایت موازین شرعی و حفظ نظم عمومی و سایر مقررات مربوط در حکم تعیین می‌شود.»

موافقان اجرای علنی مجازات‌ها این ماده را چنین تفسیر می‌کنند که چون تعیین چگونگی اجرای حکم برعهده دادگاه صادرکننده حکم می‌باشد، لذا قاضی دادگاه می‌تواند در صورتی که مصلحت اقتضاء کند، حکم بر اجرای علنی مجازات شلاق صادر کند و حتی این حکم را به سایر مجازات‌ها نیز تعمیم می‌دهند.<sup>۳۰</sup>

در تاریخ ۱۳۸۲/۰۷/۰۵ آیین‌نامه «نحوه اجرای احکام قصاص، رجم، صلب، اعدام و شلاق موضوع ماده ۲۹۳ قانون آیین دادرسی عمومی و انقلاب در امور کیفری» به تصویب رسید. در تبصره یک این ماده مقرر شده است در صورتی که حضور تماشاچی یا افراد خاصی در محل اجرای حکم به صلاح دانسته

۲۹. همان.

۳۰. اسمعیل پور ورمزیار، عالییه، ۱۳۹۳، بررسی فقهی-حقوقی اجرای مجازات در ملاء عام با نگاهی به موازین حقوق بشر، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی، صص ۱-۱۵۸.

۳۱. همان.

۳۲. همان.

## نتیجه‌گیری

با بررسی منابع و پژوهش‌های مربوطه، اختلاف نظر بین فقها و همچنین بین ایشان و صاحب‌نظران دیگر علوم انسانی به‌وضوح آشکار شد. اما آنچه که در این بین مبهم مانده است، آینده‌ی تصمیم‌گیری‌های قضایی در رابطه با اجرای علنی مجازات‌هاست. پیامدهای اجرای علنی مجازات‌ها، این نکته را متذکر می‌شود که معایب و محاسن این نوع از اجرای احکام، در عین دارا بودن ویژگی‌های پیشگیرانه، ممکن است آثار سوء جبران‌ناپذیری را نیز بر فرد و جامعه برجای بگذارد.

نص قرآنی نیز با وجود اشاره به لزوم حضور طایفه‌ای از مؤمنین در هنگام اجرای حد زنا، از تعیین تکلیف در رابطه با تعداد افراد حاضر، مکان مورد نظر و همچنین قابلیت تعمیم به دیگر حدود خودداری کرده و این مسأله سبب ایجاد اختلاف بین فقها شده است.

جمع‌بندی مطالب معنونه اینگونه بیان می‌دارد که از محاسن پیشگیرانه‌ی اجرای علنی مجازات‌ها در رابطه با حدودی که تأثیرات منفی به‌مراتب کمتری بر جامعه دارند استفاده شود؛ لیکن با اعمال محدودیت‌هایی در خصوص حاضرین در محل اجرای حکم می‌توان به این هدف دست یافت؛ از جمله اعمال محدودیت‌هایی جهت عدم حضور کودکان و نوجوانان.

و لذا اهمیت حفظ جایگاه اسلام در برابر خدشه‌های وارده از سوی مخالفین نیز این مورد را یادآور می‌شود که باید به نکته‌ی بیان‌شده در آیه‌ی دوم سورۀ نور توجه بیشتری کرده و از پخش اخبار اجرای احکام سنگین در دیگر نقاط جهان



جلوگیری شود؛ اما از آنجایی که در زمان حاضر، با وجود تکنولوژی‌های پیشرفته در زمینه ارتباطات، احقاق این هدف تا حدودی غیرممکن است، نیاز است شروط حضور در میدان محاکمه، سختگیرانه‌تر باشد تا فیلم‌برداری و عکس‌برداری، به‌منظور منتشر نشدن آن‌ها، به‌طور جدی کنترل شود.

- در حال حاضر تصویب قوانین روشن و واضح توسط قانونگذاران، با اهمیت ویژه و همه‌جانبه به پیامدهای اجرای علنی مجازات‌ها بسیار مهم می‌باشد؛ به‌طوری‌که می‌تواند آینده جامعه بشری و آینده چهره جهانی اسلام را تهدید یا تثبیت کند.

### فهرست منابع و مآخذ

- قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای.
- اسمعیل‌پور ورمزیار، عالیه، ۱۳۹۳، بررسی فقهی-حقوقی اجرای مجازات در ملاء عام با نگاهی به موازین حقوق بشر، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی، صص ۱۵۸-۱.
- امیدی، جلیل، حسینعلی عطوف، ۱۳۹۴، اجرای علنی مجازات: توجیهات و تبعات، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۲، شماره ۵، صص ۲۱۳-۲۳۶.
- پورحسینی، محمدجواد، سیدمهدی قریشی، محمدحسن جوادی، ۱۳۹۶، بررسی اجرای علنی

مجازات‌ها از منظر علم کیفرشناسی و آراء فقها، پژوهشنامه حقوق اسلامی، سال هجدهم، شماره اول (پیاپی ۴۵)، صص ۱۵۹-۱۸۴.

حسینی، سید محمد، نفیسه متولی‌زاده نائینی، ۱۳۹۰، بررسی نظریه برجسب‌زنی با نگاه به منابع اسلامی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۲، شماره ۴ (۱۳۹۱)، صص ۱۱۷-۱۳۶.

فلاح احمدچالی بابلی، حسن، ۱۳۸۶، اجرای علنی حدود و مجازات‌ها از منظر عقل و نقل، مجله فقه و مبانی حقوق، شماره ۸، صص ۲۵۲-۲۶۴.

کوهی، مینا، ۱۳۹۶، اجرای علنی مجازات: رویکردها، اهداف، پیامدها؛ همایش پیشگیری از خشونت؛ چالش‌ها و راهکارها، صص ۱-۱۴.

محقق داماد، سیدمصطفی، مهدی نیکجو، ۱۳۹۳، اجرای علنی مجازات‌های اسلامی، دو فصلنامه علمی-تخصصی پژوهشنامه فقهی، دوره سوم، شماره دوم ۱۳۹۴، صص ۷۹-۱۰۰.

- <http://ensani.ir/fa>
- <https://civilica.com/>
- <https://irandoc.ac.ir/>
- <https://irandoc.ac.ir/page3741/>
- <https://ut.ac.ir/fa>
- <https://www.hamshahrionline.ir/>
- <https://www.magiran.com/>
- <https://www.noormags.ir/>
- <https://www.sid.ir/fa/journal/>



# قاتلین سریالی از منظر روانشناسی جنایی

لیلا علمی

دانشجوی کارشناسی حقوق دانشگاه شهید بهشتی

Elmi.11381@gmail.com



روانشناسی جنایی شاخه‌ای از دانش جرم‌شناسی است که فرایندهای روانی پیش‌جنایی و وضعیت روانی مجرم و حتی بزه‌دیده را حین ارتکاب جرم و وضعیت روانی آن دو را پس از ارتکاب جرم، به صورت تجربی با روش استقرا مورد مطالعه قرار می‌دهد. علم روانشناسی نیز در این راستا به کار گرفته می‌شود و به بررسی عوامل روانی مربوط به جرم و بزهکاری و شخص مجرم و بزه‌دیده نیز می‌پردازد. روانشناسی جنایی، مطالعه‌ی شخصیت بزهکاران و بزه‌دیدگان و نیز روش‌های بازاجتماعی شدن آنان و بررسی اثر محیط و وضعیت زیستی فرد و اجتماع بر روان مجرمانه انسان و جامعه و بر رفتار مجرمانه است. در یک جمله روانشناسی جنایی را می‌توان «مطالعه‌ی علمی رفتار جنایی و فرایندهای ذهنی‌ای که در ارتکاب جرم نقش دارند»، تعریف کرد.

## قتل سریالی چیست؟

قتل سریالی عبارت است از کشتن سه نفر یا بیشتر در یک بازه‌ی زمانی بیش از سی روز به‌طوری‌که قاتل ممکن است به طور هفتگی ماهانه و حتی سالانه، به صورت مستمر به قتل‌های خود ادامه دهد. این افراد مرتکب رفتار جنون‌آمیز می‌شوند ولی مبتلا به جنون نیستند.

از منظر فرهنگ عمومی، این افراد تحت عناوینی همچون «هیولاهای خطرناک»، «تبهکاران شیطان‌صفت» یا «دیوسرشتان» و «آدمخواران» نامیده می‌شوند که بیانگر رفتار و شخصیت وحشتناک آن‌ها است.

رویکرد سنتی در روانشناسی جنایی بر این باور است که این افراد از نوعی اختلال شخصیتی و تحت عنوان افراد جامعه‌ستیز، سایکوپات و روان‌پریش که مستعد رفتارهای تکانشی و پرخاشگرانه هستند، رنج می‌برند. تحقیقات روانشناسان جنایی بر ویژگی‌های شخصیتی این افراد از قبیل عدم احساس درد و رنجی که بر قربانیان خود وارد می‌کنند، وانمود کردن خود به عنوان افرادی معمولی و موجه در نظر دیگران و عدم احساس ندامت از جرائم ارتکابی تأکید دارند.

خطور نمی‌کند که ممکن است در دام یک قاتل سریالی بیفتد.

حال، خالی از لطف نیست که گفته شود درحالی‌که یک قاتل زنجیره‌ای از جذابیت‌های شخصی خود برای متقاعد ساختن قربانیان و جلب توجه و اعتماد آن‌ها استفاده می‌کند، به وی برچسب غیرعادی و منحرف بودن زده می‌شود در حالی که چنین رفتاری -صرف نظر از اهداف مدنظر قاتل- بیانگر شخصیتی بهنجار است و نشان می‌دهد که نسبت به مؤلفه‌ها و روش‌های جلب اعتماد و معاشرت و ارتباط گرفتن با مردم اشراف کامل دارد.

### از دیگر دوستی تا دیگرکشی

طبقاتی کردن افراد یک تسهیل‌کننده‌ی روانشناختی است که قاتلین سریالی از آن برای خنثی‌سازی و غلبه بر احساس عذاب وجدان خود استفاده می‌کنند.

این قاتلین با گونه‌بندی افراد دست‌کم به دو طبقه، تمایلات خود را تمایلات اخلاق‌گرایانه تصور می‌کنند: دسته‌ی اول دوستان، آشنایان نزدیک و صمیمی و خانواده‌ای فرد می‌باشد که وی همواره مراقب آنان بوده و با عطف و با آنان رفتار می‌کند و دسته‌ی دوم کسانی هستند که قاتل هیچ ارتباطی با آنان نداشته و در اغلب موارد نیز آن‌ها را نمی‌شناسد و بدون توجه به احساسات دسته‌ی دوم به قتل آنان اقدام می‌کند. این مانند آن است که قاتل رابطه‌ی عاشقانه‌ی صمیمی در خانه با همسرش برقرار می‌کند درحالی‌که قبل از بازگشت به خانه در خیابان زن، مرد یا بچه‌ای را سلاخی کرده است؛ به همین خاطر اعضای خانواده‌ی وی هرگز چنین احتمالی را نمی‌دهند و سؤالات پلیس آگاهی مبنی بر به قتل رسیدن افرادی توسط قاتل را انکار می‌نمایند.

بدین سان یک قاتل زنجیره‌ای آزارگر که

قاتلین سریالی مانند بسیاری از افراد عادی برای اعمال ارتكابی خود توجیهی را تدارک می‌بینند تا بتوانند متهورانه یا بدون ملامت اخلاقی و عاری از وجدان مرتکب جرایم شنیع خود شوند. از این رو یکی از نظریه‌های مرتبط با قاتلین سریالی «نظریه فنون خنثی‌سازی جرم»<sup>۱</sup> از دیوید ماتزا و گرشام سایکر است که جزء نظریه‌های خودمحور در روانشناسی جنایی محسوب می‌شود. در نظریه‌های خودمحور، اصل و اساس بر مبنای خردمندبودن قاتل است؛ به این معنا، فرد با اینکه به هنجارهای اجتماعی و قوانین دولتی پایبند است عامدانه آن‌ها را نقض می‌کند و دور می‌زند. تأکید ماتزا بر عقلانیت مجرم است که نشان می‌دهد مجرم فرد نامتعارفی نیست. آن ذهنیت و تفکری که قاتل در سر دارد، نهایتاً او را به یک قاتل تبدیل می‌کند.

از دیدگاه روانشناسی جنایی، قاتلان سریالی افرادی را که به عنوان قربانیان خود انتخاب می‌کنند غیرانسان قلمداد می‌کنند. به عنوان مثال روسپی‌ها را به مثابه ابزار جنسی، بیماران ذهنی یا معلولین را دارای زندگی نباتی و بی‌مصرف و افراد الکلی بی‌خانمان را به مانند ضایعات جامعه می‌دانند که باید از صفحه‌ی هستی پاک شوند.

### قاتلین سریالی در مظان نابهنجاری عوام‌فریب یا بهنجاری مردم‌آمیز؟

واقعیت این است که قاتلان سریالی از یک خودآگاهی بالا نسبت به مهارت‌ها و توانمندی‌های خود در جلب اعتماد دیگران برخوردار بوده و به درستی از آن برای برگزیدن قربانیان خود و اغفال آن‌ها استفاده می‌کنند. این قاتلان چنان تصور مثبت از خود بر ذهن مخاطب به جای می‌گذارند که به ذهن فرد



مرتکب تجاوزات جنسی می‌شود و از منظر قربانیان فردی خشن و بی‌عاطفه است، حتی تصور آزار رساندن به دوستان و اعضای خانواده‌ی خود را در سر نمی‌پروراند؛ لذا نوعی دوگانگی در شخصیت آنان وجود دارد که خاستگاه آن طبقه‌بندی افراد اجتماع توسط قاتل می‌باشد.

### تجلی افول تراژدی انسانی در ذهنیت قاتل زنجیره‌ای

فقدان احساس یگانگی از ویژگی‌هایی است که در قاتلین سریالی وجود دارد؛ هرچند این ویژگی منحصر به این افراد نیست. از منظر روانشناسی جنایی، نقش‌پذیری، به این معنا که شخص، خود را به جای دیگری بگذارد و آنان را قادر سازد احساس همدردی با دیگری را تجربه کند، در افراد وجود دارد. بسیاری از قاتلین سریالی نیز دارای این ویژگی نقش‌پذیری هستند. اگرچه از آن به هدف لذت‌بردن از درد و رنج قربانیان خود استفاده می‌کنند.

## تیپ‌شناسی قاتلین زنجیره‌ای در پرتو شواهد صحنه‌ی جرم

آثار و شواهدی که قاتلان زنجیره‌ای در صحنه‌ی جرم از خود به جای می‌گذارند، تا حدودی بیانگر ویژگی‌های رفتاری آن‌ها از منظر روانشناسی جنایی است. این شواهد رفتاری ممکن است بیانگر چگونگی قتل، ابزارهایی که قاتل استفاده کرده، وضعیت جسد، مکان رخ‌دادن قتل و... باشد.

طبق تحقیقات محققانی چون داگلاس، قاتلین ضابطه‌مند کسانی هستند که زندگی منظمی دارند. آنان دارای ضریب هوشی متوسط به بالا بوده و بسیاری از رفتارهای بهنجار در تعاملات اجتماعی این افراد با دیگران دیده می‌شود. این قاتلین تمایل دارند تا جرایم خود را با طرح نقشه‌ی قبلی، به عبارتی با سبق تصمیم مرتکب شوند. این قاتلان حساسیت زیادی در گزینش قربانیان خود دارند و اکثراً با سلاح، مرتکب قتل شده و طبق عادت سلاح را نیز بعد از اتمام قتل از صحنه‌ی جرم خارج می‌کنند.

قاتلین زنجیره‌ای فاقد ضابطه، قاتلانی غیرمنضبط هستند؛ به‌همین‌خاطر، صحنه‌ی قتلی که به‌جای می‌گذارند عموماً صحنه‌ای نامنظم است. اصولاً بدون نقشه‌ی قبلی مرتکب قتل می‌شوند و همانطور که گفته شد از ضریب هوشی پایین‌تر از حد متوسط برخوردارند. در بررسی‌های صحنه‌ی قتل این قاتلان، آثاری از قبیل خون، سلاح، اثر انگشت و... دیده می‌شود و به‌طورعمومی ارتکاب قتل آنان ناشی از یک رفتار عجولانه و تکانشی است.

گروه سومی از قاتلان زنجیره‌ای تحت عنوان قاتلین با شخصیت مختلط وجود دارد. این اصطلاح به قاتلینی اطلاق می‌شود که آنان را نمی‌توان به صورت قطع در یکی از دو گروه مذکور جای‌داد و در واقع دارای امتزاجی از خصایص رفتاری این دو طیف بوده و شاهد بر این مدعی هستند که، امکان الگوسازی قاتلین سریالی وجود ندارد. ولی همچنین عده‌ای از روانشناسان جنایی درصدد بیان مؤلفه‌های افتراقی گروه سوم هستند،

در واقع اگر توانایی نقش‌پذیری را به صورت یک پیوستار نشان دهیم که معیار آن میزان احساس یگانگی و نقش‌پذیری فرد با دیگران است نخست، گروهی از افراد هستند که میزان حس یگانگی آنان به قدری بالا است که اگر در گوشه‌ای از جهان کسانی در فلاکت باشند با آنان احساس همدردی می‌کنند و از رنج آنان رنج می‌برند که اصطلاحاً از آن‌ها تحت عنوان «شهروند جهانی» یاد می‌شود.

دسته‌ی دوم افرادی هستند که در میانه‌ی پیوستار قرار می‌گیرند و فقط برای کسانی چنین احساسی دارند که در مجاورت آنان بوده و ارتباط نزدیکی با آن افراد دارند.

در انتهای پیوستار، افرادی قرار دارند که نسبت به تراژدی‌های انسانی بی‌تفاوت بوده و فاقد هرگونه احساس یگانگی با افراد هستند. قاتلین زنجیره‌ای در دسته‌ی سوم قرار می‌گیرند. هرچند این دسته منحصر برای این نوع از افراد نیست.

بعضی قاتلین زنجیره‌ای نیز مثل سایرین از احساس یگانگی توأم با همدردی برخوردارند ولیکن با این تفاوت که آنان از درد و رنج قربانیان خود لذت می‌برند. به عبارتی در وهله‌ی اول درد و رنج قربانیان خود را درک کرده و آن را تجربه می‌کنند.

به عبارتی، دو گونه از قاتلین سریالی وجود دارد که گونه‌ی اول همانطور که اشاره شد، افرادی‌اند که ناتوان از برقراری احساس یگانگی با قربانیان خود بوده و دارای ضریب هوشی پایین‌اند و قدرت کنترل رفتارهای تکانشی در آن‌ها بسیار پایین است.

دسته‌ی دوم قاتلین زنجیره‌ای که ضریب هوشی بالایی داشته، توانایی برقراری احساس یگانگی با قربانیان خود را دارند و عمدتاً در گذشته‌ی خود تجربیاتی از بی‌توجهی اطرافیان، خشونت‌های خانوادگی، تجاوز و جرایمی که دارای عنصر اذیت و آزار است، تجربه کرده‌اند.

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت قاتلان زنجیره‌ای جامعه‌ستیز، فاقد احساس یگانگی با قربانیان خود هستند، اما قاتلین زنجیره‌ای آزارگر (دیگرآزار) این ویژگی را در خود دارند و از درد و رنج قربانیان لذت می‌برند.



همچون بی‌نظمی در صحنه‌ی قتل و اعمال خشونت قبل از ارتکاب قتل. چنین قاتلانی اغلب جوان بوده و از مشروبات الکلی و مواد مخدر استفاده می‌کنند و وقایع غیرقابل پیش‌بینی، شیوه‌ی ارتکاب قتل که پیش‌تر توسط آنان انتخاب شده بود را تغییر می‌دهد.

گونه‌ای دیگر از رهیافت‌های روانشناسی جنایی مربوط به رفتار قاتل با قربانیان وی است. طبقه‌ی اول از این ارتباط، به گونه‌ای است که قاتل تمایلی به جسم قربانی خود ندارد، بلکه آنچه برای وی مهم است شکنجه کردن و آزار و اذیت قربانی هنگام حیات وی است که کانتتر از این حالت تحت عنوان ارتباط گرفتن با قربانی به عنوان فرد زنده و نه جسم مرده یاد می‌کند. در طبقه‌ی دوم حذف سریع قربانی دغدغه‌ای اصلی قاتل را به خود اختصاص می‌دهد بنابراین شیوه ارتکاب قتل‌ها عمدتاً حول محور خفه کردن، سوزاندن، بریدن گلو و کشتن با اسلحه است و هرگونه

آزارگری بر مقتول پس از ارتکاب قتل انجام می‌شود، تحت عنوان جنایت بر مرده قرار می‌گیرد. جلوه‌ی بارز آن را می‌توان در قاتلانی مشاهده‌کرد که جسد قربانی خود را می‌خورند یا می‌سوزانند. لذا نحوه تعامل قاتل با قربانی، نمودی دیگر از شواهد رفتاری قاتلین زنجیره‌ای است که می‌تواند در تحلیل گونه‌شناسی قتل‌ها راهگشا باشد.

### **الگو پذیری قاتلین زنجیره‌ای از رهگذر سینمای هالیوود**

محققینی همچون *کانتر* و *یونگ* از پدیده‌ای تحت عنوان «تأثیر هالیوود» یادکرده و معتقدند الگوهایی که به‌طورجدی مورد بررسی قرار نگرفته و صحت و سقم آن‌ها به اثبات نرسیده، از طریق پخش فیلم‌ها و مجموعه‌های تلویزیونی در افراد نهادینه می‌شوند و سپس الگوهای مزبور به عنوان مسائل علمی و تخصصی به اشتباه در جامعه رواج داده می‌شوند.

قاتلین فاقد ضابطه به سبب ضریب هوشی پایین، تحت تأثیر فیلم‌های مربوط به قاتلین آزارگر قرارگرفته و بازتاب این تأثیرپذیری را می‌توان در چگونگی ارتکاب قتل از سوی آنان که ملهم از صحنه‌های فیلم است ملاحظه کرد. درحالی‌که این تأثیرپذیری در قاتلان ضابطه‌مند وجود ندارد.

### منابع

- سماواتی پیروز، احمد (۱۳۸۷). «قاتلین زنجیره‌ای از منظر روانشناسی جنایی» نشریه کارآگاه، دوره ۲ شماره ۴/ ۴۶-۶۵
- گسن، ریموند (۱۹۸۸). ترجمه مهدی کی‌نیا، «مقدمه‌ای بر جرم‌شناسی»، تهران: ۱۳۷۰
- نجار، اسماعیل؛ گوران، الهه (۱۴۰۰). «بررسی تطبیقی رمان ده سرخیوست کوچک و رمان الفبای مرگ از منظر روانشناسی جنایی» نشریه ادبیات تطبیقی، دوره ۱۳ شماره ۲۴/ ۳۲۷-۲۹۵
- نجفی ایرن‌آبادی، علی‌حسین (۱۳۸۷). «جزوه مختصر جرم‌شناسی (خلاصه مباحث جرم‌شناسی)» گردآوری: مجتبی جعفری
- Rossi, D. (1982). "Crime scene behavioral analysis: Another tool for the law enforcement investigator. Police Chief", 18(4), 152-155.

”

قاتلان سریالی، به دلیل توجه رسانه‌ای فراوانی که دریافت می‌کنند و جذابیتی که پیگیری اخبار آنها برای مردم دارد، سلبریتی‌های عالم بزهکاری هستند. همین امر باعث شده است که تحقیقات و پژوهش‌های نسبتاً زیادی نیز در مورد آنها صورت گیرد.

همانند سایر رفتارهای مجرمانه، قتل‌های سریالی نیز تا مدت‌های طولانی به عنوان کسب‌وکاری مردانه شناخته می‌شدند و زنان نه به عنوان مرتکب، بلکه به عنوان بزه‌دیدگان این جرم ظاهر می‌شدند. اما امروزه این تصور و تصویر تغییر کرده و مصادیق متعددی از ارتکاب قتل‌های سریالی توسط زنان، مستندسازی شده است. در ایران نیز، ابتدا مهین قدیری در سال ۱۳۸۸ و سپس «کلثوم» در سال جاری، جلوة زنانه قتل‌های سریالی را به نمایش گذاشتند.

از آیلین تا کلثوم: جرم‌شناسی قاتلان سریالی مؤنث

دکتر مهدی صبوری‌پور، عضو هیأت علمی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

”

اجرای علنی مجازات‌ها، همواره یکی از چالش‌های نظام کیفری ایران، پس از پیروزی انقلاب اسلامی بوده است. این موضوع البته در محافل علمی هم از مباحث بحث‌برانگیز است. روند روبه‌رشد اجرای علنی مجازات‌ها در ایران، از اوایل سال ۱۳۶۰ آغاز شد و به کرات اعدام برخی مجرمان جرایم مواد مخدر و همچنین مجازات‌هایی مانند شلاق در ملاعام اجرا شد. به نظر می‌رسد سیاست‌گذاران در آن سال‌ها با تکیه بر آثار ترهیبی اجرای علنی مجازات، انتظار داشتند در کوتاه زمانی مشکلات بزرگ از جامعه رخت بربندد و مثلاً فی‌الغور جرایم مواد مخدر ریشه‌کن شود. در عمل، اما نه‌تنها چنین نشد، بلکه نتایج برخی تحقیقات حاکی از آن است که در آن بازه زمانی (اوایل دهه شصت تا اواخر دهه هفتاد شمسی) با وجود گستردگی اجرای علنی احکام اعدام صادره برای مجرمین مواد مخدر، نرخ این جرایم افزایشی بوده است.

پیامدهای اجرای علنی مجازات‌ها در جامعه ایران پس از انقلاب اسلامی

بیبا سادات ادیب، دانشجوی کارشناسی حقوق دانشگاه اصفهان

”

امروزه تعیین مرز دقیقی بین مرگ و زندگی به چالشی مهم در طب نوین تبدیل شده است ... به‌کارگیری و توسعه احیاء قلبی و ریوی در اوایل دهه ۱۹۶۰ به دلیل اثربخشی و سهولت، تحولی عظیم در نجات جان بیماران مبتلا به ایست قلبی-تنفسی فراهم آورد. اما به مرور زمان آشکار شد که انجام CPR در برخی از بیماران تنها به تأخیر در روند طبیعی مرگ و ادامه رنج بیمار منجر می‌شود. از آنجاکه یکی از اجزاء بسیار مهم در مرگ خوب شامل پرهیز از طولانی نمودن فرآیند مرگ می‌باشد، لذا ضروری به نظر می‌رسد که ارائه خدمات بهداشتی و پزشکی نیز مورد بازتعریف قرار گیرد و تنها بازگرداندن به زندگی، متبادرکننده ایفای وظیفه و نقش پزشکی نباشد، بلکه احترام به خواست بیمار در راستای خاتمه زندگی‌اش نیز به عنوان نوعی خدمات خطیر پزشکی مورد توجه و مذاقه قرار گیرد. از این رو، موضوعی تحت عنوان دستور عدم احیاء قلبی ریوی (DNR) به‌ویژه در بیماران در حال احتضار مطرح شده و در قانون توجه قرار گرفته است.

بررسی وضعیت حقوقی دستور عدم احیاء (DNR) در چارچوب نظام حقوقی ایران

فاطمه صفری منصور، دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه شهید بهشتی